



# اتحاد و همگرایی

در پرتو مهدویت و موعودگرایی

حسین الهمی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**اتحاد و همگرایی**

**در پرتو**

**مهدویت و موعودگرایی**

حسین الہی نژاد

الهی نژاد - حسین ، ۱۳۴۵ -  
اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و موعودگرایی / حسین الہی نژاد - قم:  
انتشارات آیین احمد علیہ السلام ۱۳۸۷.  
۱۹۲ ص. قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال  
شابک: ۱-۶-۹۰۳۸۹-۶۰۰-۹۷۸-۱-۹۰۳۸۹-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-90389-6-1  
کتاب نامہ ص ۱۸۹ ہمچنین بہ صورت زیر نویس.  
۱. مهدویت ۲. محمد ابن حسن علیہ السلام امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - الف. عنوان.  
۲ الف ۷ الف / ۴ / ۴ BP ۲۲۴ / ۴ / ۴  
۲۹۷ / ۴۶۲

## اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و موعودگرایی

مؤلف / حسین الہی نژاد

ناشر / انتشارات آیین احمد علیہ السلام

ویراستار / علی جهانگیری

چاپ / شریعت

نوبت چاپ / اول، بہار ۱۳۸۷

قیمت / ۲۲۰۰۰ ریال

تیراژ / ۲۰۰۰ نسخه

مرکز پخش:

قم: همراه: ۰۲۹۳-۰۲۵۲-۰۴۱۲-۱۰ انتشارات آیین احمد علیہ السلام

ISBN: 978-600-90389-6-1

شابک: ۱-۶-۹۰۳۸۹-۶۰۰-۹۷۸

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۵
مقدمه:	۱۱
بخش اول:	۱۷
وحدت و بایسته‌های آن	۱۷
۱. ضرورت اتحاد و همبستگی	۱۹
۲. منشور اتحاد در کلام امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>	۲۰
۳. اتحاد و کارکردهای آن:	۲۱
۳-۱. عزت و سر بلندی	۲۲
۳-۲. بالندگی و پویایی	۲۴
۳-۳. الطاف و رحمت الهی	۲۵
۳-۴. رشد اخلاقی و شاخصه های انسانی	۲۶
۳-۵. نفی سلطه بیگانگان	۲۸
۳-۶. آرامش و آسایش	۳۲
۴. ابعاد و مراتب اتحاد	۳۳
۴-۱. ابعاد اتحاد:	۳۳
۴-۲. مراتب اتحاد:	۳۴
۵. تاکید اسلام بر اتحاد و همبستگی:	۳۷
۵-۱. قرآن و اتحاد مسلمانان:	۳۷



- ۴۱..... ۵-۲. وحدت در کلام پیامبر ﷺ
- ۴۲..... وحدت در کنار توحید عبادی:
- ۴۳..... وحدت نشانه مسلمانی:
- ۴۳..... نیاز اسلام به وحدت:
- ۴۴..... ۵-۳. وحدت در کلام امامان علیهم السلام
- ۴۵..... شیطان در کمین متفرقین:
- ۴۶..... اتحاد عامل استحکام و استواری جامعه:
- ۴۷..... ۵-۴. سیر هورفتار علما یا اسلامیدر ایجاد اتحاد و همبستگی:
- ۴۷..... عالمان شیعه و اتحاد:
- ۴۸..... آیت الله بروجردی رحمه الله:
- ۴۹..... علامه طباطبائی رحمه الله:
- ۵۰..... سید جمال الدین اسد آبادی رحمه الله:
- ۵۲..... علامه سید عبدالحسین شرف الدین رحمه الله:
- ۵۲..... ۶. عوامل وحدت آفرین:
- ۵۳..... ۶-۱. خدا:
- ۵۴..... ۶-۲. قرآن:
- ۵۵..... ۶-۳. نبوت:
- ۵۶..... ۶-۴. رهبری:
- ۵۹..... ۶-۵. دین:
- ۶۲..... ۶-۶. اهل بیت علیهم السلام محور اتحاد:

- کتاب هایی که پیرامون فضایل اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است: ۶۳
- سخنان بزرگان اهل سنت پیرامون جایگاه اهل بیت علیهم السلام: ۶۴
۷. راهکارهای تحقق اتحاد: ۶۶
- ۷-۱. فرهنگ سازی همگرایی: ۶۷
- ۷-۲. تمسک به شعائر اسلامی: ۶۸
- ۷-۳. واجب دانستن وحدت اسلامی: ۷۰
- ۷-۴. نقد بدون توهین: ۷۱
- ۷-۵. برادری و اخوت اسلامی: ۷۲
- ۷-۶. پرهیز از تکفیر یکدیگر: ۷۵
- ۷-۷. تکیه بر اصول بنیادی: ۷۶
- ۷-۸. پیروی کردن از سیره بزرگان دین: ۷۷
- ۷-۹. تحمل و بردباری نسبت به عقاید مخالفان: ۷۸
- ۷-۱۰. فرهنگ ملی (ایرانی): ۷۹
- ۷-۱۱. رعایت اخلاق اسلامی: ۸۰
- بخش دوم: ۸۲
- وحدت و موعود گرایی: ۸۲
- فصل نخست: همگرایی ادیان ابراهیمی در باور داشت منجی... ۸۷
۱. آینده نگری مثبت: ۸۷
- ۱-۱. آینده نگری مثبت در منابع یهود: ۸۸
- ۱-۲. آینده نگری مثبت در منابع مسیحیت: ۸۹

۲. اعتقاد به ظهور موعود: ..... ۹۲
- ۲-۱. حتمیت ظهور از منظر اهل کتاب: ..... ۹۲
- ۲-۲. حتمیت ظهور از منظر شیعه: ..... ۹۴
- ۲-۳. حتمیت ظهور در منابع حدیثی اهل سنت: ..... ۹۵
۳. آسمانی بودن منجی: ..... ۹۶
- ۳-۱. آسمانی بودن منجی در منابع اهل کتاب: ..... ۹۷
- ۳-۲. شاخصه های آسمانی منجی در متون اسلامی: ..... ۹۹
- انتصابی بودن منجی: ..... ۹۹
- امام مهدی علیه السلام و تأییدات الهی ..... ۱۰۰
۴. رجعت و زنده شدن افراد خاص: ..... ۱۰۲
۵. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام: ..... ۱۰۶
- ۵-۱. حضرت عیسی علیه السلام در منابع اسلامی: ..... ۱۰۸
- ۵-۲. حضرت عیسی علیه السلام در منابع اهل کتاب: ..... ۱۱۱
۶. آینده از آن خوبان و مستضعفان: ..... ۱۱۲
۷. گسترش عدالت: ..... ۱۱۵
- فصل دوم: هم‌گرایی مسلمانان در باورداشت مهدویت ..... ۱۱۹
۱. نظریه ابن خلدون و هم‌گرایی: ..... ۱۱۹
- برای پاسخ به اشکال نخست مواردی چند قابل ذکر است: ۱۲۰
- دو اشکال به کلام ابن خلدون: ..... ۱۲۱
- الف) اشکال نقضی: ..... ۱۲۱



- ۱۲۲ ..... (ب) اشکال مبنایی:
- ۱۲۵ ..... تعریف عصیت:
- ۱۲۶ ..... گسترش محدوده عصیت:
- ۱۲۶ ..... نقد و بررسی:
- ۱۲۸ ..... ارتباط نظریه هم‌گرایی با انکار مهدویت:
- ۱۳۲ ..... ۲. جایگاه مهدویت و نقش آن:
- ۱۳۳ ..... متواتر بودن روایات مهدویت:
- ۱۳۵ ..... مرکز رابطه العالم الاسلامی و هابی‌ها و پاسخ به پرسش مهدوی:
- ۱۴۰ ..... فراوانی روایات مهدویت:
- ۱۴۱ ..... تالیف‌های اندیشمندان اهل سنت پیرامون مهدویت:
- ۱۴۲ ..... تالیف‌های اندیشمندان شیعه پیرامون مهدویت:
- ۱۴۴ ..... ۳. مؤلفه‌های هم‌گرایی در باور داشت مهدویت:
- ۱۴۴ ..... ۱-۳ ظهور و حتمیت آن:
- ۱۵۰ ..... ۲-۳ نام و اوصاف امام مهدی:
- ۱۵۲ ..... ۳-۳ جوان بودن امام مهدی:
- ۱۵۴ ..... ۴-۳ نسب امام مهدی:
- ۱۵۶ ..... امام مهدی: فرزند رسول خدا:
- ۱۵۶ ..... فاطمی بودن مهدی:
- ۱۵۹ ..... حسینی بودن مهدی:
- ۱۶۰ ..... مهدی: فرزند امام حسن عسگری:

۱۶۴	..... ۵ - ۳ مقامات و فضائل امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۷۱	..... ۶-۳ نشانه های ظهور:
۱۷۸	..... ۷-۳ زمینه سازان ظهور (الممهدون):
۱۸۰	..... ۸-۳ یاران خاص امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸۲	..... ۹-۳ میراث دار انبیاء:
۱۸۵	..... خلاصه و نتیجه نوشتار:
۱۸۹	..... منابع:

## مقدمه:

از دیر باز موضوع وحدت اسلامی گفتمان رایج میان مسلمانان بوده است. رهبران دین در گروه های اسلامی با عنایت به اهمیت وحدت، علاوه بر توصیه های گفتاری، در عمل نیز بدان ملتزم بوده اند. کتاب های حدیثی و تاریخی که سرشار از روایات و جمله های وحدت بخش است، حکایت از اهتمام پیشوایان دینی به مسأله اتحاد و همدلی در میان مسلمانان دارد. در این باره رسول خدا ﷺ می فرماید:

«خیر المؤمنین من كان مآلقة للمؤمنين ولا خیر فیمن لا یؤلف ولا یألف»<sup>۱</sup>

«بهترین مؤمنان کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد. کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود، خیر ندارد.»  
اصلاً پیشرفت و ترقی جامعه در گرو وحدت است و هر جامعه که به سوی تکامل و ترقی حرکت می کند، به یقین مردم آن

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۱ ص ۱۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۱ ص ۹۴

جامعه در امور اجتماعی یک دل و یک رنگ هستند. پس ترقی منهای اتحاد معنا ندارد و اتحاد نیز ثمره ای جزء پیشرفت ندارد.

از آنجایی که دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی و شاخصه ای چون جامعیت و کمال را به همراه دارد، لازم است به همه سطوح زندگی بشر اعم از فردی و اجتماعی نظر داشته، و برای رشد و تعالی انسان ها برنامه و راه کارهای مناسب ارائه دهد، از طرفی همیشه بهترین و کامل ترین برنامه، برنامه ای است که فایده اش بیشتر و نیز افراد بیشتری از آن سود ببرند، بر همین اساس، اسلام مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده و در دوران امر میان منفعت اجتماعی با منفعت شخصی، حق را به منفعت اجتماعی می دهد. و نیز از آنجایی که بیشتر تعالیم روح بخش اسلام به گونه ای با اجتماع و جامعه مسلمانان گره خورده است پس اسلام به اجتماع و جامعه اسلامی اهتمام ویژه ورزیده و برای حفظ آن از تدوین هیچ قانونی فرو گذار نکرده است.

ترابط میان اجتماع و اتحاد، ترابط وثیق و ناگسستنی است و بر همگان روشن است که اجتماع منهای اتحاد یعنی افتراق و جدایی، پس نمی توان صحبت از اجتماع و جامعه کرد و اتحاد را در کنار آن ندید. بر این اساس سیاست پیامبر اکرم ﷺ در ایجاد وحدت و برادری در میان اصحاب خود را، می توان توجیه کرد:

«تأخوا فی الله اخوین اخوین»<sup>۱</sup> «به خاطر خدا پیمان اخوت ببندید

و دو به دو با هم برادر باشید.»

۱ ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۵۱

و باز ایشان جهت حفظ جماعت مسلمانان فرمودند: «من رغب عن جماعة المسلمين، سقطت عدالته»<sup>۱</sup>

«هر کس از صف جماعت مسلمانان روی گردان شود عدالت او نابود می‌گردد.»

جانشینان پیامبر اکرم ﷺ همان سیره و روش ایشان را ادامه دادند و در این راه از هیچ کوششی اعم از گفتاری و عملی فرو گذار نکرده‌اند. چنانچه امام صادق علیه السلام در کیفیت معاشرت با اهل سنت می‌فرمایند: «صل معهم، فان المصلی معهم فی الصف الاول، كالشاهر لسيفه فی سبیل الله»<sup>۲</sup>

«با آنها نماز گذار، زیرا هر کس در نماز جماعت آنان شرکت کند، مانند این است که با شمشیر برهنه در جهاد فی سبیل الله شرکت کرده است.»<sup>۲</sup>

باز حضرت فرموده است: هر کسی با آنان (اهل سنت) در صف اول نماز جماعت بخواند مثل کسی است که با رسول خدا در صف اول نماز جماعت خوانده است.

پس، از منظر اسلام و پیشوایان دینی، اتحاد و همگرایی مسلمانان دارای جایگاه والا و مهمی است که لازم است، همه مسلمانان در این

۱ حر العاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴

۲ شیخ طوسی، حسن، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۷

۳ البحرانی، حدائق الناصره، ج ۱۱، ص ۷۱

امر شرکت کرده تا وحدت اسلامی در جامعه حکم فرما شود .  
 «البته مقصود از وحدت، وحدت شیوه های فقهی، اجتهادی نیست. چنانچه هدف از آن برتری مذهبی بر مذهب دیگر یا ادغام مذاهب در یکدیگر و قرار دادن آنها به صورت یک مذهب یا تأسیس مذهب جدید نیست. بلکه هدف، در میان ابعاد وحدت، تنها در دو بعد وحدت است، یکی بعد سیاسی و اجتماعی و دیگری بعد علمی و فرهنگی. هدف از بعد نخست این است که همه مسلمانان در هر کجای دنیا که زندگی می کنند و دارای هر زبانی و رنگ و از هر قوم و نژادی که هستند به اسم مصلحت عالیه اسلامی در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار گیرند نه این که سنی، شیعه شود یا شیعه، سنی شود. البته بر سنی است که مسلمان باشد پیش از آنکه سنی باشد و بر شیعه است که مسلمان باشد پیش از آنکه شیعه باشد. و هدف از بعد دوم وحدت، یعنی بعد علمی و فرهنگی، همان تقریب بین مذاهب اسلامی است. تحقق این پدیده، منوط است به اجتماع اندیشمندان و فقهای بزرگ مذاهب که آگاه به آراء و نظرهای همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل اختلاف های نظری در جوی سالم، آرام، صمیمی و به دور از تعصب، برای دستیابی به حقایق و واقعیت های اسلامی در ابعاد علمی و کلامی ... و انتشار نتیجه بحث ها و مناظره ها برای پیروان مذاهب است.»<sup>۱</sup>

پس علاوه بر اتحاد در ابعاد سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی،

۱ جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی در ادیان و مذاهب اسلامی ص ۵۰۱



که ثمره آن تحقیق همبستگی و همدلی میان مسلمانان است، اتحاد در بعد اعتقادی و کلامی نیز نقش موثری در وحدت بخشی جامعه اسلامی دارد. در این بخش از اتحاد، آموزه های اعتقادی که مورد قبول همه باورمندان اسلامی است محور گفتمان میان اندیشمندان و عموم مردم قرار می‌گیرد، که از جمله آن باورها، باورداشت مهدویت است. در موضوع مهدویت و مفاهیم هم سو با آن نظیر انتظار، ظهور، حکومت جهانی، گسترش عدالت و ... هر کدام عاملی جهت وحدت بخشی در میان مهدی باوران است بر این اساس، نگارنده، ابتدا به اتحاد و ابعاد، مراتب و مؤلفه های آن و نیز راهکارهای اتحاد آور پرداخته و در بخش دوم، به مهدویت و مفاهیم هم سو که نقش بی بدیل و تاثیر گذار در اتحاد بخشی جامعه دارند مبادرت ورزیده است.

بخش اول:

وحدت و بایسته‌های آن

### ۱. ضرورت اتحاد و همبستگی

امام باقر علیه السلام می فرماید: «یا معشر المؤمنین تآلفوا وتعاطفوا»<sup>۱</sup>  
هان ای گروه مومنان! مانوس و متحد باشید و به همدیگر  
مهربانی کنید.

با نگرش عقلی، فطری و تاریخی بشر برای پیش برد زندگی و  
نیل به اهداف خویش، نیاز به تشکیل جامعه دارد، یعنی طبق داده های  
عقلی و فطری و نیز شواهد تاریخی، زندگی انسان ها بدون تشکیل  
جامعه، سامان نخواهد یافت، از جمله عواملی که در ساماندهی جامعه  
به سوی هدف انسانی، تأثیر گذار است، اتحاد و همبستگی میان انسان  
ها به طور عموم و میان باورمندان به یک مسلک به طور ویژه می باشد.  
بر اساس ضروری بودن تشکیل جامعه برای ابناء بشر، ضرورت  
اتحاد و همدلی نیز در میان آنها احساس می شود، زیرا فلسفه اجتماعی  
بودن انسان چه فطری و چه عقلی، همان رسیدن انسان به سر منزل  
مقصود که خداوند برای او در نظر گرفته می باشد، اگر جامعه دارای

۱ کلینی، محمد، الکافی، ج ۲ ص ۳۴۵

اتحاد و همدلی نباشد یعنی تفرقه تشتت در آن حاکم باشد، انسان ها در راه رسیدن به هدف دچار مشکل می‌باشند.

پس از راه فلسفه و علل تشکیل جامعه برای انسان ها که ضرورت آن به تایید عقل و فطرت رسیده است، عوامل و مؤلفه های قوام آفرین و تداوم گر جامعه نظیر مقوله اتحاد و وحدت، نیز ضرورت پیدا می‌کند. پس ضرورت اتحاد در پرتو ضرورت جامعه قابل برداشت است.

## ۲. منشور اتحاد در کلام امیر مؤمنان علیه السلام:

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه، بعد از پند و اندرز به مردم اشاره به عبرت گیری آنان از سرگذشت امت های پیشین دارد و با بیان راهنمایی ها جهت ساماندهی زندگی مسلمانان، اشاره به اتحاد و همدلی میان آنان کرده و با توجه به اهمیت انسجام و مؤلفه ها و خواستگاه آن، به ترسیم منشور اتحاد پرداخته است:

«از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت های پیش از شما آمده بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید دوری کنید. اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید همان کاری را عهده دار شوید که عزیز شان گرداند و دشمنان شان را از آنان دور ساخت و تن درست نگاهشان داشت و نعمت فراوانی به سراغشان آمد و نیکو کاری و بزرگواری موجب پیوند آنان گردید و آنان از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیده و به یکدیگر مهربانی کرده و همدیگر را به این کار تشویق نمودند. پس از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد دوری کنید،

کارهایی چون کینه ورزی دل ها و دشمنی سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید و بنگرید که آنان چگونه بودند آن گاه که جمعیت ها فراهم بودند و خواسته ها یکی بود و دلها یکسان بود و چگونه دست ها یار هم بودند و شمشیر ها به کمک یکدیگر می آمدند و بینش ها ژرف و اراده ها یکی، آیا مهتران سراسر زمین نبودند و برگرده جهانیان شهریاری نمی کردند؟ نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه در میان شان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و سخن ها و دل هایشان از هم جدا گشت و به دسته های گوناگون تقسیم شدند و دسته دسته شده به جان هم افتادند. در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنان برکند و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت و داستان سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد.»<sup>۱</sup>

### ۳. اتحاد و کارکردهای آن:

امام علی علیه السلام درباره آثار اتحاد و پیامد تفرقه در نهج البلاغه می فرماید:

«امت های پیشین تا مادامی که با هم ید واحد بوده اند، همواره در حال پیشرفت و شکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلاقیت و وراثت زمین نایل گشته، رهبر و زمامدار جهانیان شده اند و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادی گری روی آورده دچار خود برتر بینی و

تعصبات قومی و فرقه ای و تشنت، و پراکندگی گشته، با هم به نبرد پرداخته‌اند خداوند لباس کرامت و عزت و خلاقیت را از تنشان بیرون آورد و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب و به ذلت و استعمار مبتلا کرده است. به عنوان نمونه بنی اسرائیل در اثر تفرقه، کسراها و قیصرها بر آنان مسلط شدند آنها را به بردگی گرفتند، واز سرزمین‌های-آباد و کناره های دجله و فرات به بیابان های کم گیاه و بی آب و علف تبعید کردند و به ذلت و فقر و مسکنت و جهل و پراکندگی دچار ساختند. خداوند با نعمت پیامبر اکرم و اسلام، بنی اسماعیل و سایر مسلمانان را متحد و برادر ساخت و پر و بال کرامت خود را بر آنها گشود، نهرهای مواهب خود را به سویشان جاری گرداند و آنان را به نعمت قدرت و عظمت و عزت رساند و حکومتی پایدار نصیب شان ساخت به طوری که کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت. متأسفانه پس از چنین هجرتی با شکوه، مسلمانان به احزاب و فرقه های گوناگون تقسیم شدند.<sup>۱</sup>

بعد از بیان سخنان امام علی علیه السلام ، به آثار اتحاد و کارکرد های آن خواهیم پرداخت:

### ۱-۳. عزت و سر بلندی

از جمله آثار و برکات اتحاد و همدلی، عزت و سر بلندی است که نصیب فرد مسلمان و جامعه اسلامی می شود زیرا وقتی که مردم در



یک جامعه در امور ملی، اعتقادی و مصلحت کشور، یک دل و یک رأی باشند به یقین در برخورد با مخالفان و معاندان با قاطعیت رفتار خواهند کرد و این خود نماد عزت و سر بلندی آن ملت می باشد، در مقابل عزت، ذلت و فرومایگی قرار دارد که از ناحیه تفرقه و تشتت دامنگیر افراد و جامعه می شود، زیرا جامعه ای که در آن دوگانگی و اختلاف حکم فرما باشد در امور مهمه کشور و مصلحت همگانی، تصمیم درست و قاطعی گرفته نمی شود و نتیجه آن جز ذلت و خواری نمی باشد.

چنانکه در مورد مذمت تفرقه و اختلاف از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«و اوصیکم ایاکم و التفرق والشتات فتذهب همتکم وتقل قیمتکم ویهین قدرکم عند الملوک فیطمع فیکم الطامع»<sup>۱</sup>

«به شما وصیت می کنم که از تشتت و تفرقه و جدایی بپرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما نزد ملکوت می شود. و اهل طمع در شما طمع می نمایند.»

نکته مهمی که امام صادق علیه السلام در حدیث یاد شده اشاره فرمودند، همانا کم شدن ارزش و جایگاه مردم است که منجر به استعمار استعمارگران و سودجویی سودجویان نسبت به منابع و منافع مردم می شود.

همان مشکلی که در دوران معاصر کشورهای اسلامی بدان دچار

۱ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۵، ج ۴۸، ص ۵۳.

بوده و به خاطر عدم اتحاد و هم دلی با اینکه از لحاظ تعداد یک و نیم میلیارد جمعیت جهان و از نظر موقعیت جغرافیایی، بهترین منطقه را به خود اختصاص داده؛ ولی باز تحت سیطره سلطه طلبان و نفوذ استعمارگران ستمگر قرار دارند و نیز به همین خاطر، برنامه ها و سیاست های کلی و کلان کشورهای اسلامی تحت قیمومیت نظام سلطه جهانی، آمریکا تدوین و اجرا می شوند.

### ۲-۳. بالندگی و پویایی

بالندگی و پویایی که در مقابل آن سستی و خمودی قرار دارد از جمله برون داد مهم اتحاد و همبستگی می باشد، جامعه و افراد آن در صورتی که با هم اتحاد و هم دلی داشته باشند به طور طبیعی سرمایه و امکانات کشور به سوی بالندگی و پویایی سوق داده می شود، زیرا با وجود تفرقه و اختلافات، مشکلات و معضلات عدیده ای دامن گیر جامعه می شود که برای رفع آنها نیاز به صرف هزینه ها و سرمایه های هنگفتی است، حال اگر جامعه و افراد آن با هم متحد باشند به طور قهری سرمایه ها و هزینه های جاری که در امر رفع مشکلات تفرقه صرف می شود، در امر تکامل و پیشرفت آن جامعه هزینه شده و در نتیجه چنین جامعه ای خوب زیستن را همراه با پویایی و بالندگی تجربه می کند.

چنانچه خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: ﴿واطيعوا الله

و رسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»<sup>۱</sup>

«و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.»

خداوند متعال در آیه فوق ابتدا به دو عامل مهم اتحاد که همان اطاعت از خدا و رسول او باشد اشاره داشته و بعد به دو نکته مهم که جزو پیامد های تفرقه و دو دستگی، یعنی سستی و بی ارزشی است تاکید می نماید.

### ۳-۳. الطاف و رحمت الهی

در جامعه ای که مردمان نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نموده و در غم و شادی کنار یکدیگر قرار دارند. در آن جامعه روح اتحاد و یکدلی حکم فرما است، و از آنجایی که اتحاد و یکدلی مردم از دستورهای الهی و محبوب حق تعالی می باشد، پس حضرت احدیت نسبت به چنین جامعه ای نظر ویژه داشته و الطاف و رحمت خویش را بر آن جامعه نازل می کند بر این اساس هر چه اتحاد و همبستگی در میان مردم بیشتر باشد، نزول الطاف و رحمت الهی نیز به آن جامعه بیشتر خواهد بود در مقابل رحمت و الطاف خدا، نقیمت و عذاب الهی قرار دارد یعنی جامعه ای که از طراوت اتحاد خالی و در آن تفرقه و اختلاف حکم فرما باشد، دچار عذاب و نقیمت الهی می شود، چنانکه در قرآن آمده است:

«ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائكم البينات واولئك لهم عذاب عظيم»<sup>۱</sup>

«و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمده پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«فی الجماعة رحمة فی الفرقة عذاب»<sup>۲</sup> «وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.»

در حدیث دیگر می فرماید: «لا تختلفوا فان من كان قبلکم اختلفوا فهلکوا»<sup>۳</sup> «اختلاف نکنید زیرا آنانی که پیش از شما با هم اختلاف کردند به هلاکت رسیدند.»

#### ۴-۳. رشد اخلاقی و شاخصه های انسانی

اتحاد و همدلی در جامعه سبب می شود تا مردم نسبت به یکدیگر مدارا و تسامح داشته باشند و در معاشرت و مراوده شئون و حقوق یکدیگر را بیشتر رعایت نمایند، چنانکه امام صادق علیه السلام در کیفیت برخورد با مخالفان چنین فرموده است:

«علیکم بالصلاه فی المساجد و حسن الجوار للناس و اقامة الشهادة

۱ آل عمران ، آیه ۱۰۵.

۲ المتقی الهندی ، کنز العمال ، ج ۳ ، ص ۲۶۶.

۳ همان ، جلد ۱ ، ص ۱۷۷.

و حضور الجنائز لا بد لكم من الناس ان احد لا يستغنى عن الناس حياته  
و الناس لا بد لبعضهم من بعض<sup>۱</sup>

«بر شما باد نماز گزاردن در مساجد (اهل سنت) و معاشرتی خوب  
با همسایگان و ادای شهادت و حضور در تشیع جنازه‌ها (اهل سنت)  
زیرا شما ناچارید با مردم زندگی کنید و به راستی کسی نیست که در  
حیات خود از مردم بی نیاز باشد و مردم برخی از آن‌ها به برخی دیگر  
نیاز دارند. (و چاره‌ای از این وابستگی ندارند)»

در این باره باز روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

ابن علی می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم، در مسجد محل  
ما، امام جماعتی اقامه نماز می‌کند که در مذهب با ما مخالف است و با  
همه یاران ما عناد دارد! امام صادق علیه السلام فرمود: اگر راست می‌گویی به  
حرف او توجه نکن، تو برای شرکت در آن مسجد از او شایسته تری،  
پس: «کن اول داخل و آخر خارج و احسن خلقک مع الناس و قل  
خیراً»<sup>۲</sup>

«بنابراین نخستین کسی که داخل آن مسجد می‌شود و آخرین  
کسی که از آن خارج می‌شود، تو باید باشی و با اخلاق نیک و پسندیده  
با آنان برخورد کن و جز کلام مفید و خیری هم به زبان میاور.»

اخلاق نیک و پسندیده جایگاه بس مهم و خطیری در اسلام دارد  
تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین سفیر الهی که آورنده آخرین دین و

۱ کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۴، ج ۲۵۸۳، ص ۴۴۷.

۲ حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

کامل ترین دین است، بعثت خود را بر محور آن قرار داده «اینی بعثت لاتعم المکارم الاخلاق»<sup>۱</sup> و هدف و رسالت بعثت خود را ارتقا و تثبیت اخلاق پسندیده در جامعه می‌داند. بر همین اساس خداوند خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم»<sup>۲</sup>

خدای بزرگ و با عظمت که وصف نا محدود تنها برازنده اوست با این حال اخلاق رسول خود را اخلاق بزرگ و عظیم می‌داند، همه این‌ها حکایت از بهره مندی رسول خدا از اخلاق اسلامی که مورد عنایت خداوند است دارد.

### ۵-۳. نفی سلطه بیگانگان

استعمارگران و ستمگران طاغوت، از فرصت های مختلف جهت تسلط بر انسان های مستضعف استفاده کرده و با تز «تفرقه بیانداز و حکومت کن» مردم را به استثمار و استعمار می‌کشانند. در دوران معاصر نقش استعمارگران در ایجاد تفرقه در میان ملل اسلامی بر همگان به خوبی روشن است، محدود کردن کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای کوچکتر با موقعیت جغرافیایی محدود و با فرقه سازی و گروه پردازی در میان ملل اسلامی و نیز ایجاد اختلاف و تشتت میان مسلمانان و جوامع اسلامی، توطئه هایی است از طرف استعمارگران جهت استضعاف، استعمار و در نهایت استثمار کشورهای اسلامی، و در

۱ الامین، حسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۴۳.

۲ قلم. آیه ۴.



واقع راه و روش استعمارگران معاصر، همان راه و روش استعمارگران قدیم نظیر نمرودیان و فرعونیان می باشد، اما روش و شیوه استعمار رنگ و روی دیگر گرفته و با ابزار نو و جدید به استثمارگری می پردازند. چنانکه قرآن شیوه و روش فرعونیان در استثمار مردم را چنین بازگو می کند: «ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعاً یتضعف طائفة منهم یدبح ابناء هم»<sup>۱</sup>

«فرعون در سرزمین (مصر) سر برافراشته و مردم آن را طبقه طبقه ساخته طبقه ای از آنان را زبون می داشت و پسرانشان را سر می برید.»

اگر در «تاریخچه استعمار» دقت بیشتری کنیم، همیشه استعمارگران در لباس دوستی و دلسوزی و عمران و آبادی، در جامعه استعمار شده، نفوذ می کردند (و حتی کلمه استعمار که به معنی اقدام به آبادی استنشانه همین مطلب است) آنها پس از محکم کردن پنجه های خود در ریشه های اجتماع استعمار شده، بی رحمانه بر آنها می تازند و همه چیز را به یغما می برند.<sup>۲</sup>

ولی باید گفت واژه استعمار با آن زیبایی خاص و کشندگی مفهوم که همان عمران و آبادانی است، مفهومی در عصر ما مسخ شده و درست در مقابل مفهوم قرآنی ﴿هو انشاکم من الارض واستعمارکم

۱ قصص، آیه ۴.

۲ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۷۲.

فیها<sup>۱</sup> قرار گرفته است، او شما را از زمین پدید آورد و در آن استقرار داد، البته تنها واژه استعمار نیست که به این سرنوشت شوم گرفتار شده است، کلمات زیادی چه در فارسی و چه در عربی و چه در لغات دیگر می‌یابیم که گرفتار همین مسخ و تحریف و واژگونی شده است مانند «حضارت»، «ثقافت»، «حریت» در عربی و کلماتی مانند «تمدن»، «روشنفکری»، «آزادی»، «هنر و هنرمندی» در فارسی که در سایه این تحریف‌ها، واقعیت‌ها و اصالت‌های واژگانی در پرده ابهام قرار می‌گیرند.

به هر حال مفهوم واقعی استعمار در عصر ما، استیلای قدرت‌های بزرگ سیاسی و صنعتی بر ملت‌های مستضعف و کم‌قدرت است که محصول آن غارت و چپاولگری و مکیدن خون آن‌ها و به یغما بردن منابع حیاتی آنان است. این استعمار که چهره‌های شوم گوناگون دارد گاهی در شکل فرهنگی، گاهی فکری، و گاه سیاسی و نظامی مجسم می‌شود، همان است که چهره دنیای کنونی تاریک و سیاه بوده، اقلیتی در این جهان همه‌نوع امکانات دارد ولی اکثریت عظیمی در جهان فاقد امکانات است.<sup>۲</sup>

اما واژه‌ای که قرآن برای این مفهوم به کار برده، استضعاف است که درست در قالب و معنای خود به کار می‌رود، یعنی تضعیف مردم به معنای وسیع خود، ضعف سیاسی، ضعف اقتصادی، ضعف فرهنگی،

۱ هود، آیه ۶۱.

۲ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۵۱.

ایدئولوژی و اعتقادی و ضعف هویتی و اصالتی که نتیجه چنین ضعف هایی، استثمارگری و چپاولگری استثمارگران را به همراه دارد. مسلمانان باید به وسیله فرهنگ اصیل خود به خودباوری و خود اتکائی برسند. در مقابل فرهنگ و تمدن استثمارگران مرعوب نشوند بلکه با اتحاد و حفظ هویت دینی و اصالت اسلامی به مبارزه و نفی سلطه سلطه گران همت گمارند، چنانکه قرآن کریم در راستای احیای خود باوری در میان مسلمانان به برتری هویت اسلامی و اصالت فرهنگی در برابر بیگانگان ستمگر، اشاره کرده است:

«ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کتم مؤمنین»<sup>۱</sup> «و اگر

مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید.»

«فلاتهنوا و تدعوا الی السلم و انتم الاعلون و الله معکم ...»<sup>۲</sup> «پس

سستی نورزید و (کافران را) به آشتی مخوانید (که) شما برترید و خدا با شماست.»

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»<sup>۳</sup> «هرگز خدا برای

کافران نسبت به مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است.»

پس با عنایت به درس آموزی قرآن برای باورمندان قرآنی، آیات مطرح شده مؤلفه های چهارگانه ای نظیر هویت سازی اسلامی، اصالت اندیشی اسلامی، خودباوری فرهنگی و هم اندیشی اسلامی، جهت

۱ آل عمران، آیه ۱۳۹.

۲ محمد (۴۷) آیه ۳۵

۳ نساء آیه ۱۴۰

رسیدن به تمدن عظیم اسلامی که به خودی خود نفی سلطه استعمارگران را به همراه دارد، پیشنهاد می‌گردد.

### ۳-۶. آرامش و آسایش

آرامش و آسایش از جمله خواسته های فطری است که ندای درونی و وجدان انسان آن را همراهی می‌کند، همه انسان ها با فرهنگها و باورهای مختلف و با ملل و نژادهای گوناگون در اصل تحقق آرامش و آسایش، هماهنگی و همگونی دارند، تحقق آرامش و پاسخ گفتن به ندای فطرت در سایه تحقق وحدت و انسجام در میان انسان ها به دست می آید.

و اگر در جامعه ای وحدت کلمه وجود نداشته باشد، آرامش و آسایش از آن جامعه رخت بر می‌بندد و جنگ و درگیری جای آن را خواهد گرفت و مردم همیشه در نگرانی و دلهره به سر خواهند برد چنانکه قرآن کریم به این نکته اشاره دارد:

﴿قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم باس بعض ...﴾<sup>۱</sup>

«بگو: او توانا است که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد (ودچار تفرقه سازد) و عذاب برخی از شما را به برخی (دیگر) بچشاند.»

«این تعبیر نشان می‌دهد که مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جمعیت، به قدری خطرناک است که در ردیف عذاب های

آسمانی، صاعقه ها و زلزله ها قرار گرفته است، و راستی چنین است، بلکه گاهی ویرانی های ناشی از اختلاف و پراکندگی، به مراتب بیشتر از ویرانی های ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است، فراوان دیده شده است کشورهای آباد، در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این هشدار است به همه مسلمانان جهان.<sup>۱</sup>

#### ۴. ابعاد و مراتب اتحاد

اتحاد، به جهت اهمیت و خطیر بودن آن، در قلمرو وسیعی یعنی در ابعاد مختلف نظیر فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... مطرح است و نیز از لحاظ مراتب، اتحاد در سطوح و لایه های مختلف قابل طرح است.

##### ۱-۴. ابعاد اتحاد:

اتحاد در ابعاد مختلف با توجه به اهداف و انگیزه ای که در متحدین وجود دارد ظهور پیدا می کند، یکی این که نقش اصلی را در ایجاد اتحاد باورها و اعتقادات به عهده دارند، که پیروان یک دین و یا یک مذهب در پرتو باورداشت و معتقدات خویشان، در کنار یکدیگر قرار می گیرند، که این چنین اتحاد را اتحاد دینی یا اعتقادی می نامند. البته مقصود از اتحاد در این نوشتار نیز اتحاد دینی و اعتقادی می باشد. دیگر این که انگیزه های چون فرهنگ، سیاست، و یا اقتصاد، سبب

۱ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۴.

همبستگی و اتحاد در میان مردم می‌شود که از آن به اتحاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تعبیر می‌کنند.

## ۲-۴. مراتب اتحاد:

اتحاد در امور دینی و اعتقادی دارای مراتب و زوایای است که برای هر مرحله نیاز به اتحاد و همبستگی است. مثلاً یک بار باورمندان یک مکتب در همه اعتقادات و باورها با هم اتحاد برقرار می‌کنند، بار دیگر اتحاد تنها در برخی از امور مهم اعتقادی صورت می‌گیرد نه در همه باورها.

اما در مقابل دیدگاه فوق برخی دیدگاه‌ها، قائل به «همه یا هیچ» هستند یعنی، دین و مذهبی که می‌خواهد محور اتحاد میان باورمندان خود باشد در صورتی این اتحاد قابل قبول است که همه باورمندان آن نسبت به همه آموزه‌های آن دین هم عقیده و هم نظر باشند؛ به عنوان مثال اسلام در منظومه اعتقادی خودش، آموزه‌هایی نظیر مبدا، معاد، نبوت، اعجاز، نزول قرآن، امامت و ... دارد، که اتحاد در میان مسلمانان زمانی شکل می‌گیرد که همه مسلمانان در کلیه باورها هم عقیده، و هم رای باشند، یعنی ممکن نیست در برخی از آنها، مثلاً در مبدا شناسی یا در معاد شناسی هم عقیده بوده و با یکدیگر اتحاد برقرار کنند اما در بقیه امور اعتقادی، هر کدام دیدگاه خاص خودشان را داشته باشند. پس مصداق اتحاد، در این امور اعتقادی، دین با همه باورهایش می‌باشد در غیر این صورت قائل به گزینه «هیچ» می‌باشند، یعنی، اتحاد در برخی از امور دینی و اعتقادی بی معنا است.



اما اسلام به عنوان دین برتر که دارای شاخصه جامعیت بوده و در امور مهم جامعه دارای انعطاف و نرمش می باشد، جهت تحقق اتحاد میان انسان ها بر اساس قانون «ملا یدرک کله لا یترک کله» به هم گرایی در برخی امور اعتقادی دستور داده است.

﴿قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الاتعبدوا الا الله ولا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله...﴾<sup>۱</sup>

«بگو، ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا نگیرند.»

قرآن نخستین بار در ضمن آیات گذشته مسیحیان را دعوت به استدلال منطقی و پس از مخالفت دعوت به مباحله نمود چون دعوت مباحله به مقدار کافی در روحیه آنها اثر گذاشت به دلیل اینکه حاضر به مباحله نشدند و شرائط ذمه را نپذیرفتند بار دیگر از این آمادگی روحی استفاده کرده دوباره شروع به استدلال می کند. ولی این استدلال با استدلال گذشته تفاوت فراوانی دارد:

در آیات گذشته دعوت به سوی اسلام بود (با تمام ویژگی هایش) ولی در این آیه دعوت به نقطه های مشترک بین اسلام و اهل کتاب است در واقع قرآن با این گونه استدلال به ما می آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس تان با شما همکاری کنند از پا ننشینید و بکوشید حداقل در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند،

همکاری کنید و آن را پایه برای پیش برد اهداف مقدستان قرار دهید. آیه فوق یک «ندای وحدت و اتحاد» در برابر اهل کتاب است و به آنها می‌گوید: «شما مدعی هستید و حتی معتقد هستید که مسئله «تثلیث» (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با توحید ندارد و لذا قابل به «وحدت در تثلیث» می‌باشید و همچنین «یهود» در عین سخنان شرک آمیز و «عزیز» را فرزند خود دانستن مدعی توحیدند.

قرآن به آنان اعلام می‌کند که همه شما در اصل «توحید» خود را مشترک می‌دانید، بیائید دست به دست هم داده و این اصل مشترک را بدون هیچ‌گونه پیرایه‌ای زنده کنیم و از تفسیرهای نا به جا که نتیجه اش شرک و دوری از توحید خالص است خودداری نمائیم.

﴿وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُهُمْ آيَاتِنَا آلِهَةً حَافِظِينَ﴾

در آغاز آیه دوبار اشاره به مسئله توحید شده یکی با جمله «لا نعبد الا الله» «بیائید جز خدا را نپرستیم» و دیگری با جمله «لا نشرك به شيئاً» «کسی را شریک او قرار ندهیم»

در این جمله برای سومین بار روی این اصل تکیه شده است اما با صراحت بیشتر و با انگشت گذاردن روی نقطه‌های اصلی درد، زیرا مفاد جمله این است:

«و نباید برخی از ما برخی دیگر را به عنوان معبود و پروردگار خود انتخاب کند.»<sup>۱</sup>

۱ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۵۰.

### ۵. تاکید اسلام بر اتحاد و همبستگی:

اسلام به عنوان آخرین، کاملترین و جامع ترین دین آسمانی، که داعیه جهانی بودن را دارد، به اتحاد و همبستگی میان مسلمانان و میان بنی آدم تاکید فراوان نموده است، علت این مسئله به جهان نگری اسلام بازمی گردد، زیرا دین جهانی و در واقع دین فرا منطقه ای است، از همه جغرافیا، ملیت و فرهنگ ها را در نور دیده و انسان ها با فرهنگ ها و ملیت های مختلف در مناطق جغرافیایی گوناگون را در زیر پرچم و لوای خود دارد، به طور طبیعی نفوذ و تداوم چنین دینی در میان بشر مستلزم تحقق اتحاد و همگونی میان انسان ها با فرهنگ و نژاد و ملیت های گوناگون است پس از آنجائی که در میان بشر، فرهنگ ها و نژاد ها و قومیت های گوناگون وجود دارد و نیز دین اسلام دین جهان نگر که داعیه جهانی بودن را در سر می پروراند تحقق چنین ادعایی، تحقق اتحاد و همبستگی میان بنی آدم را به همراه دارد، پس اتحاد و همدلی یکی از شرایط و پیش نیاز تحقق دین جهان نگر یعنی اسلام است، از این رو در متون و منابع معرفتی دین اسلام نظیر قرآن و سنت روی اتحاد و همنوایی مسلمانان خصوصاً و همه انسان ها عموماً بسیار تاکید شده است.

### ۵-۱. قرآن و اتحاد مسلمانان:

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان به جهت عدم تحریف، دارای قداست و حجیت است، که بر اتحاد و همبستگی مسلمانان و نیز اتحاد مسلمانان با ادیان ابراهیمی در برخی از باورهای اصلی، تاکید و سفارش

فراوانی نموده است .

از نظر قرآن، انسان ها از جنس مذکر و مؤنث آفریده شده اند<sup>۱</sup> و مردمان امتی واحد و یگانه بوده اند<sup>۲</sup> و تمایز رنگ و زمان آنان نه مایه امتیاز و نه نشانه برتری است، بلکه نشانه های قدرت الهی است.<sup>۳</sup> چندگونگی قبیله ای، در جهت شناسایی بهتر و هماهنگی و همگرایی است.<sup>۴</sup> هر ملتی به جهت چندی پدیدار می گردد، چنان که امت ها و شرایع نیز به جهت شرایط زمانی، روحیات، مقتضیات روحی و روانی انسان پدید آمده است.<sup>۵</sup>

پس از نگاه قرآن دوگانگی بشر، از لحاظ اجتماعی، نژادی و جغرافیای عرضی و ظاهری می باشد بلکه محور اتحاد بنی آدم، خدا و باورهای اصیل الهی است.

آیات زیر مسئله یاد شده را از منظر قرآن تعیین و اثبات می کند:

﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداءً فالق بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً ....﴾<sup>۶</sup>

«و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت

۱ هجرات ، ۱۳ .

۲ بقره ، ۲۱۳ .

۳ روم ، ۲۲ .

۴ هجرات ، ۱۳ .

۵ مائده ، ۴۸ .

۶ آل عمران ، ۱۰۳ .

خدا بر خود را یاد کنید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید پس میان دلهای شما الفت انداخته تا به لطف او برادران هم شوید» قرآن، برای آنکه اثر شگفت انگیز و معجزه آسای اسلام را در ایجاد وحدت بیان کند، مسلمانان را به یاد وضعی که پیش از اسلام داشتند، می‌اندازد و می‌گوید: مگر شما همان مردمی نیستید که با هم دشمن بودید و میان طوایف و قبایل همیشه جنگ های خونین بر پا می‌کردید و با یکدیگر بر سر موضوعات پوچ (نژاد، جمعیت، ثروت و جمعیت اموات) فخر فروشی می‌کردید و با هم به نزاع و ستیز می‌پرداختید، اما اسلام با تعالیم روح بخش خود این دو دستگی به نزاع و ستیز را به اتحاد و همدلی تبدیل کرد.

در آیه فوق خداوند همه را دعوت می‌کند تا با چنگ زدن به ریسمان الهی از دو دستگی و تفرقه اجتناب نمایند، درباره این که منظور از «حبل الله» چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده اند، برخی می‌گویند منظور از آن، قرآن است و برخی می‌گویند اسلام و برخی دیگر گفته اند منظور خاندان پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند در روایاتی که از پیامبر و امامان نقل شده نیز همین تعبیرات گوناگون دیده می‌شود، مثلاً در تفسیر «در المنثور» از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در کتاب «معانی الاخبار» از امام سجاد نقل شده که فرمودند: «حبل الله قرآن است» و در تفسیر «عیاشی» از امام باقر نقل شده که: ریسمان الهی «آل محمد» می‌باشد که مردم مامور به تمسک به آن هستند.

ولی این احادیث و آن تفسیرها، هیچ کدام با یکدیگر اختلاف ندارند زیرا منظور از ریسمان الهی، هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک

خداوند است خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او، و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از معنی «حبل الله» استفاده می‌شود، جمع شده است.<sup>۱</sup>

«ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاتقون»<sup>۲</sup>

«در حقیقت این امت شما است که امتی بیگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید.»

از آیات قبل و بعد از آیه فوق چنین برداشت می‌شود که واژه امت در این آیه به همه انسان‌ها که بر محور باور توحید می‌چرخند، تعبیر می‌شوند، به این معنا که انسان‌های باورمند به ادیان توحیدی، باید بر اساس توحید و یکتا پرستی به اتحاد و همبستگی همت گمارند. نکته قابل توجه در آیه یادشده این است که لازم نیست اتحاد و همدلی میان بشر بر اساس همه ابعاد اعتقادی صورت گیرد. به تعبیر دیگر مثلاً میان کسانی که به ادیان ابراهیمی باور دارند با عنایت به اختلاف در برخی اعتقادات نظیر «رسالت» و شریعت، در باورداشت نسبت به خدا اتفاق نظر وجود دارد پس باید اتحاد را بر محور خدا شناسی قرار داد و پیروان ادیان ابراهیمی در قبال این اصل مهم دینی، با هم اتحاد و هم بستگی داشته باشند.

«و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوا ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون»<sup>۳</sup>

۱ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه ج ۳، ص ۲۸.

۲ مؤمنون، ۵۲.

۳ انعام، ۱۵۳.

«و بدانید این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی نکنید. اینهاست که (خدا) شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید.»

از جمله عواملی که در واقع محور اتحاد میان انسان‌ها می‌باشد، صراط مستقیم الهی است یعنی باورمندان توحیدی بر اساس صراط الهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

با توجه به تمام گفتگوهایی که درباره اثر اعجاز آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی اجتماعات شده و می‌شود، می‌توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته نشده است.

به عنوان مثال اکنون در نقاط مختلف جهان سدهای بزرگی ساخته شده که سبب تولید بزرگترین نیروهای صنعتی است و سرزمین‌های وسیعی را زیر پوشش آبیاری و روشنائی قرار داده است. اگر درست فکر کنیم می‌بینیم این قدرت بزرگ چیزی جز نتیجه بهم پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران نیست و آنگاه به اهمیت اتحاد و کوشش‌های دسته جمعی انسان‌ها واقف می‌شویم.

## ۲-۵. وحدت در کلام پیامبر ﷺ

در کارنامه درخشان پیامبر اکرم ﷺ آثار بزرگی از تلاش و فعالیت‌های دقیق و عمیق برای هموار ساختن راه‌های وحدت و یک‌دلی و اتحاد و پیوستگی مسلمانان مشاهده می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ سعی داشتند که اقوام و اقشار و ملل مختلف را به

صورت «پیکر واحد» با هم متحد و منسجم سازد و از هر گونه تفرق و تشتت باز دارند.

پیامبر اکرم ﷺ در اندیشه، علم و عمل با تعصبات قومی و نژادی (که مانع بزرگ اتحاد و به هم پیوستگی مسلمانان بود) مقابله و مبارزه نموده و همواره به وحدت و برادری و عزت و مودت فرا می‌خواند و می‌فرماید:

«ایها الناس ان ربکم واحد وان اباکم واحد کلکم لادم و آدم من تراب» «ان اکرمکم عند الله اتقیکم» لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی»<sup>۱</sup>

«ای مردم! پروردگارتان یکی است پدرتان هم یکی، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست، مگر به تقوا و پاکی.»

### وحدت در کنار توحید عبادی:

در کلام رسول خدا اتحاد مسلمانان در کنار توحید عبادی قرار گرفته است.

«ان الله تعالی رضی لکم ثلاثاً و کره لکم ثلاثاً رضی لکم ان لا تعبدوا الا الله ولا تشرکوا به شیئاً و ان تعصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا...»<sup>۲</sup>

۱ ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص ۳۴.

۲ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۷.



«خداوند برای شما سه چیز را پسندیده و سه چیز را برای شما مکروه داشته است. برای شما رضایت دارد که مورد پرستش قرار ندهید مگر خدا را، هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهید و اینکه به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید.»

در روایت فوق اعتصام به حبل الله و اتحاد مسلمانان در کنار توحید عبادی قرار گرفته است که خود این نشان از اهمیت اتحاد از منظر سنت می باشد.

### وحدت نشانه مسلمانی:

رسول اکرم ﷺ فرموده است: «من فارق جماعة المسلمين فقد خلع ربة الاسلام من عنقه»<sup>۱</sup>

«هر کس از جمع مسلمانان فاصله بگیرد ریسمان اصلی ارتباط با اسلام را از گردن خود گسسته است.»

اتحاد و اجتماع مسلمانان به قدری مهم است که پیامبر اکرم ﷺ خروج از اجتماع مسلمانان به مثابه خروج از اسلام قلمداد می نماید.

### نیاز اسلام به وحدت:

در روایت دیگری از پیامبر اکرم ﷺ اتحاد و اجتماع مسلمانان به حدی عالی و در مرتبه بالا تصور شده که حیات اسلام و تداوم آن مرهون همگرایی مسلمانان قلمداد شده است.

۱ الکلینی، محمد، الکافی، ج ۱، ص ۴۵، الطبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۳۶.

«الاسلام احوج الى الجماعة من الجماعة الى الاسلام» «اسلام  
 احتیاجش به جماعت، بیشتر از احتیاج جماعت به اسلام است.»  
 باز حضرت فرموده است: «من فارق الجماعة شبراً فمات، میتةً  
 جاهلیة»<sup>۱</sup> «کسی که از جماعت مسلمانان دوری گزیند و آن گاه بمیرد،  
 مرگ وی مرگ دوران جاهلیت است.»

### ۳-۵. وحدت در کلام امامان علیهم السلام

تاریخ، گواه آن است که امامان معصوم علیهم السلام در راستای فرامین قرآن و  
 در راستای سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اتحاد و یک دلی مسلمانان  
 اهمیت بسزایی می دادند. از باب نمونه می توان به زندگی امیرمؤمنان  
 علی علیه السلام نخستین امام شیعیان نظر انداخت که چگونه در کنار غصب  
 خلافت به خاطر حفظ اسلام و صیانت از اتحاد و همدلی مسلمانان با  
 غاصبان مماشات و مدارا کرده و به تحریک افراد سودجو که به دنبال  
 اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بودند اعتنا نکرده است .  
 در این راستا امیرمؤمنان علی علیه السلام طی نامه ای به ابوموسی اشعری  
 چنین فرمودند:

«ولیس رجل (فاعلم) احرص علی جماعة امة محمد صلی الله علیه و آله و الفتها منی  
 ابتغی بذلک حسن الثواب و کرم الماب»

«بدان که هیچ کس چون من به اتحاد، اجتماع و ائتلاف امت  
 اسلامی حریص نیست من در این آزمندی، پاداش نیک و فرجام

۱ - مسند احمد، ج ۲، ص ۹۳، الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸.

کریمانه را از خداوند درخواست دارم.»

آن حضرت درباره ناکثین، که از نخستین کسانی بودند که با ایشان بیعت نموده و بعد بیعت را شکستند فرمودند:

«ان هؤلاء قد تمالؤوا علی سخطة اماراتی، و سأصبر ما لم اخف علی جماعتکم: فانهم ان تمموا علی فیالة هذا الراي انقطع نظام المسلمین...»<sup>۱</sup>

«این گروه (ناکثین) به خاطر نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته و من تا هنگامی صبر می‌کنم که بر اجتماع ضرری وارد نشود، چه اینکه آنان اگر بر این افکار سست و فاسد باقی بمانند و بخواهند اهداف خود را عملی کنند، نظام جامعه اسلامی از هم گسسته خواهد شد....»

در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام نصاب صبر و تحمل در برابر مخالفان، برهم خوردن اتحاد و همدلی مسلمانان، دانسته شده، که اگر به اتحاد و یک دلی مسلمانان ضربه بخورد، طبق مرام علی، این جای صبر و سکوت نیست، بلکه باید فتنه را از میان برد.

### شیطان در کمین متفرقین:

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«والزموا السواد الاعظم فان یدالله مع الجماعة وایاکم والفرقه، فان

۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹.

الشاذ من الناس للشيطان، كما ان الشاذ من الغنم للذئب»<sup>۱</sup>

«با اکثریت جامعه همراه شوید زیرا دست خدا با جماعت است. از پراکندگی پرهیزید که جدا شده از مردم طعمه شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از رمه، طعمه گرگ است.»

در مقابل انسان و شاخصه های انسانی، شیطان و شاخصه های شیطانی قرار دارد. اتحاد و همدلی از شاخصه های انسانی، و تفرقه و اختلاف از شاخصه های شیطانی به شمار می آید به طور طبیعی اگر انسان از شاخصه های انسانی فاصله بگیرد در زمره شیاطین قرار می گیرد پس هر چه همگرایی در میان انسان ها بیشتر شود، خصال انسانی در جامعه بیشتر می شود که نتیجه آن دوری شیطان از آن جامعه است.

### اتحاد عامل استحکام و استواری جامعه:

پیشرفت و ترقی جامعه مرهون اقتدار و استواری انسان ها است. جامعه ای که در آن انسان ها از شاخصه اقتدار تهی بوده و ضعف و سستی بر آن جامعه حکم فرما باشد، نه تنها چنین جامعه ای روی تکامل و ترقی را به خود نمی بیند بلکه به سوی انحطاط و زبونی به پیش خواهد رفت، شاخصه اقتدار نیز با این همه جایگاه، مرهون اتحاد و همدلی مردم است، پس می توان چنین نتیجه گرفت که پیشرفت در پرتو اقتدار و اقتدار در پرتو اتحاد نصیب جامعه می شود.

چنانکه امام حسن علیه السلام در این باره می فرماید:

۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

«انه لم یجتمع قوم قط علی امر واحد الا اشد امرهم واستحکمت عقدتهم»<sup>۱</sup> «هرگز گروهی در کاری یک دست و متحد نشوند مگر آن که کارشان استحکام یافت و پیوندشان استوار گشت.»

#### ۴-۵. سیره و رفتار علمای اسلامی در ایجاد اتحاد و همبستگی:

در راستای دستورات قرآن و سیره و روش معصومان علیهم السلام، علمای اسلامی مردم را به اتحاد و همدلی دعوت کرده و خود در این مسیر با سیره و روش همگرایی، دیگران را در تحقق اتحاد و یک دلی تشویق و ترغیب نموده اند. ذکر گفته های شخصیت های مهم علمی جهان تشیع به عنوان رهبران معنوی، درباره اهمیت مساله انسجام اسلامی برای روشن شدن بیشتر ضرورت انسجام و اتحاد برای مسلمانان، امری ضروری است. امید است با الگو قرار دادن این گفتارها بتوانیم گامی مهم و موثری در ایجاد وحدت اسلامی برداریم.

#### عالمان شیعه و اتحاد:

حضرت امام خمینی ره به عنوان احیا گر اسلام در دوران معاصر و منادی وحدت در این باره می فرماید:

«در جامعه ای که انبیای الهی و قرآن کریم در صدد تشکیل آن بوده اند، واحد و به هم پیوستگی حقیقی است که مفهومی بسیار فراتر از قوم و ملت و دولت با تعاریف متداول است.»

ایشان تفرقه را از شیطان و وحدت کلمه را از خداوند رحمان

۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۸۰.

می‌داند و ادامه می‌دهد: «مگر می‌توان تفکر توحیدی داشت، خدای یگانه را پرستید، اراده الهی را در همه اشیا و عالم هستی، ساری و جاری دانست اما در میدان عمل و ارتباط با خلق خدا، نسبت به سرنوشت دیگران بی تفاوت ماند؟»

«قیام برای نفس است که بیش از ده‌ها میلیون شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت پرست پشت میز نشین شدند.»<sup>۱</sup>

«وحدت مذهبی لازم است. وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند، اگر علاقه به استقلال ایران دارید، وحدت مذهبی داشته باشید.»

### آیت الله بروجردی رحمته‌الله علیه

ایشان از پیشگامان اخوت اسلامی و وحدت دینی و مدارای مذهبی بودند و در این راه هم از بعد علمی و هم عملی اقدام‌های مؤثری انجام دادند. چارچوب و روش فقهی و استنباطی ایشان، مبتنی بر رجوع به فتاوی فقهای سایر مذاهب اسلامی بود که خود از این تفکر سر چشمه می‌گرفت و روایات فقهی اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر به صورت حاشیه یا تعلیقه‌ای بر رفتار رایج مذاهب مخالف اسلامی معاصرشان بود. به همین دلیل ایشان رجوع به فتوای علمای اهل سنت را برای فقهای شیعه که مقدمه‌ای به اجتهاد است، لازم می‌دانستند و به این

ترتیب ایشان پایه گذار فقه مقارن شدند و با اهمیت دادن به مبانی فقهی و علمی اهل سنت، راه را برای برخورد متقابل آنان با فقه شیعه هموار ساختند،<sup>۱</sup> آن چنان که شیخ شلتوت، مرجع فقهی وقت جامع الازهر مصر، تحت تاثیر روش خوب و پسندیده ایشان، ضمن تاکید بر مدارا، مذاهب فقهی شیعه را نیز به رسمیت شناخته و می گوید:

اسلام بر هیچ یک از پیروان خود، تبعیت از مذهب معینی را الزام نکرده است بلکه می گوید هر مسلمانی حق دارد در ابتدا از هر یک از مذاهب اسلامی نقل شده و گردآوری شده در کتاب های خاص، تقلید کند و هر کسی که از مذهبی تقلید کرد می توان مذهب دیگری را برگزیند. مذهب جعفریه، معروف به مذهب شیعه امامیه اثنا عشریه، مذهبی است که می توان مانند سایر مذاهب اهل سنت از آن تقلید کرد، پس شایسته است که مسلمانان ضمن درک درست از این موضوع، از هر گونه تعصبی پرهیز کنند، زیرا دین و شریعت خداوند تابع مذهب معینی نیست.<sup>۲</sup>

### علامه طباطبائی

شیعیان صدر اول، هرگز از صف اکثریت کنار نرفته و در پیشرفت امور عامه اسلامی با عموم مسلمانان تشریک مساعی و بذل نصح می نمودند و اکنون نیز بر عموم مسلمانان لازم است که اتفاق خود را

۱ سید حسینی، سید صادق، مدارای بین مذاهب، ص ۵۵۵.

۲ واعظ زاده خراسانی، محمد، رساله التقریب، ص ۱۲۹.

در اصول آیین مقدس اسلامی در نظر گرفته و از این همه فشار و ناراحتی که در طول این مدت از بیگانگان و عوامل خارجی کشیده اند، به خود آمده و تفرقه عملی را کنار گذاشته و در یک صف قرار گیرند.

### سید جمال الدین اسد آبادی رحمته الله علیه

سعی کنید موانعی را که در میان الفت شما و سایر ملل واقع شده رفع نمایید.<sup>۱</sup>

سید جمال یک مصلح ساحت گرای اسلامی است که تمامی تلاش خود را صرف ساختن نظریه وحدت اسلامی و مدارای بین مذاهب نمود و در این میان تفرقه و تشتت آرا میان فرق اسلامی را (که موجب عدم انسجام و رفتارهای ناموزون علمی بین پیروان مذاهب گشته بود) بیش از هر چیز مد نظر داشت، به همین دلیل به یک نهضت فکری اجتماعی بزرگی دست زد که با آن هم در اندیشه مسلمانان، رستاخیز به وجود آورد و هم در نظارت زندگی آن‌ها.<sup>۲</sup> از نامه‌های سید جمال الدین، به خوبی دلسوزی و دغدغه ایشان نسبت به مسلمانان و سرنوشت آنان، برداشت می‌شود چنانکه می‌گوید:

«اگر چشم من، در او، خیر عبادالله نباشد کور باد بهتر است. و اگر دستم برای سعادت مخلوق نکوشد از حرکت بازماند. و اگر پایم در راه نجات امت محمدیه قدم نزد شکسته شود، این است مذهب من و این

۱ جمالی، ابوالحسن، نامه‌های سید جمال الدین، ص ۷۳.

۲ مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۱۴.



است مشرب من، مرا در این جهان چه در غرب باشم و چه در شرق، مقصدی نیست جز آنکه در اصلاح دنیا و آخرت مسلمانان بکوشم و آخر آرزویم آن است که چون شهدای صالحین خونم در این راه ریخته شود.<sup>۱</sup>»

استاد محمد طاهر الجبلاوی در زمینه روحیه اتحادگری سید جمال الدین چنین می نویسد:

سید جمال الدین معتقد بود که روحیه صلیبی همواره در وجود رجال غرب کمین کرده است و استعمار پیوسته می کوشد تا روح دینی و اجتماعی و اقتصادی را در سرزمین های اسلامی ناتوان کند، تا خود بتواند پیروز گردد و حکم راند سید به خاطر همین خطر، مسلمانان را به «اتحاد» دعوت می کرد و به فرا گرفتن راه و رسم ترقی بالا آورد. سید مسلمانان را می خواند تا نظریات و مسائل خرافی را که در روزگاران ضعف به دین اسلام بسته شده بود دور بریزد. سید نگران بود از اینکه می دید وضع کشورهای اسلامی روز به روز بدتر می شد و دولت های استعماری همواره سر راه مسلمانان و کشورهایشان کمین کرده اند... سید یاران و مریدان خویش را جمع کرده و با صراحت، درباره وضع اسفبار و فساد همه گیر کشورهای اسلامی با آنان گفتگو می کرد وی گفت: پدران و نیاکان ما که به بلندترین قله شکوه و عظمت رسیدند، تنها و تنها به این علت بود که به حقیقت های دین چنگ زدند و چونان بنای یکپارچه و استوار، یگانه شدند و همه پشت هم

۱ طباطبائی، سید محمد، نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۱۸۷.

بودند، همین که مسلمانان از راه یکانگی دور گشتند لقمه استعمار شدند.<sup>۱</sup>

### علامه سید عبدالحسین شرف الدین ❦

وی از جمله کسانی است که در کنار مبارزات سیاسی و فرهنگی، علیه کفر و طاغوت به اتحاد و همدلی میان مردم به ویژه مسلمانان اهتمام جدی می‌ورزیده است و می‌گوید: «آری ما باید در اندیشه تشکیل (اتحاد جماهیر اسلامی) باشیم و در این راه به جان بکوشیم. این آرمان مقدس، حضورهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقدام‌های جهانی گوناگون می‌طلبد، باید متفکران مؤمن بیندیشند و برای همه این مسائل برنامه ریزی کنند و زمینه فرهنگ و اقدام را فراهم آورند.»<sup>۲</sup>

ایشان در ادامه گفته است: «شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسی) از هم دور کرد و اکنون باید سیاست، (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آنان را در کنار هم گرد آورد.»<sup>۳</sup>

### ۶. عوامل وحدت آفرین:

در منظومه باورهای اسلامی، برخی از باورها در ایجاد وحدت و هم‌گرایی میان مردم، نقش مهم و تأثیرگذاری دارند که شناخت و معرفی

۱. ر.ک: حکیمی، محمدرضا، بیدادگران اقلیم قبله، ص ۱۴.

۲. مشعل اتحاد، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۵۷.

آنها به باورمندان، می توان حرکت مردم و جامعه را به سوی وحدت و اتحاد دو چندان کرد. در اینجا به برخی از آن عوامل و میزان تاثیرگذاری آنها در ایجاد همگرایی خواهیم پرداخت:

### ۱-۶. خدا:

نخستین و مهم ترین گزینه ای که باور و اعتقاد به آن به منزله اجازه ورود به جمع باورمندان به مکتب توحیدی است، واژه الله می باشد، از آن جایی که واژه الله در گستره وسیعی در میان موحدان مطرح است، اتحاد و همدلی که از ناحیه گل واژه الله حاصل می شود، همه جانبه و فرا دینی است یعنی علاوه بر این که معتقدین به دین اسلام می توانند بر محور واژه الله اتحاد و همنوایی داشته باشند، معتقدین به ادیان ابراهیمی نظیر دین یهودیت و مسیحیت نیز می توانند بر اساس آن در کنار یکدیگر قرار بگیرند بدین سبب خداوند متعال یهودیان و مسیحیان را بر گرد اعتقاد خدا و یگانه پرستی که مورد قبول همه است دعوت می نماید.

«قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً»

بگو: «ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جزء خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم،»  
در آیات پیش از این، قرآن با تمام ویژگی ها اهل کتاب را به سوی اسلام فرا می خواند، ولی در این آیه به نقطه های مشترک بین اسلام و اهل کتاب اشاره و دعوت می کند. در واقع قرآن با این طرز استدلال به

ما می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس تان با ما همراهی کنند، از پا ننشسته و بکوشیم حداقل در قسمتی که با ما اشتراک نظر دارند همکاری آنها را جلب نموده و آن را پایه و اساس پیشبرد اهداف خود قرار دهید.

## ۲-۶. قرآن:

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است و همه مسلمانان در گروه های مختلف با ایده و فکرهای گوناگون در اعتقاد به قرآن که از ناحیه خدا آمده و دارای قداست و حجیت است و نیز دست تحریف بشر به سوی آن دراز نشده و نخواهد شد اتفاق نظر دارند.

علاوه بر این در قرآن در آیات فراوانی به اتحاد و همدلی مسلمانان اشاره شده و باورمندان به دین اسلام را جهت گام برداشتن به سوی اتحاد و همدلی و تشکیل جامعه همگرا تشویق و ترغیب نموده است.

«واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا»<sup>۱</sup> «به ريسمان الهی چنگ

زنید و متفرق نشوید.»

«ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»<sup>۲</sup> «و با هم نزاع مکنید که

سست شوید و مهابت شما از بین برود.»

۱ آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲ انفال، آیه ۴۶.

## ۳-۶. نبوت:

رسالت پیامبر اکرم ﷺ به عنوان دومین اصل بنیادین اسلام، محور اتحاد و همدلی مسلمانان است، مسلمانان با یک دل و یک صدا در قبول باور داشت نبوت این آیه را تلاوت می نمایند:

«ربنا آمانا انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين»<sup>۱</sup> «پروردگارا به

آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده (ات) را پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس.»

پس در اصل رسالت پیامبر اکرم ﷺ که به عنوان آخرین پیامبر که آخرین دین و آخرین کتب آسمانی بر او نازل شده، مسلمانان اتفاق نظر داشته و با بصیرت و آگاهی کامل به آن اعتقاد دارند.

چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در قرآن از زبان مسلمانان نسبت به رسالت خویش فرموده است:

«قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني و سبحان

الله ما انا من المشركين»<sup>۲</sup>

«بگو: این است راه من، که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی

به سوی خدا دعوت می کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.»

۱ آل عمران، آیه ۵۳.

۲ یوسف، آیه ۱۰۸.

#### ۴-۶. رهبری:

اجتماعی زندگی کردن از شاخصه های مهم فطری انسان ها است، یعنی خداوند در وجدان و درون انسان ها اجتماعی زندگی کردن و تشکیل جامعه را نهادینه کرده است، سامان یابی زندگی اجتماعی بشر در کنار تدوین قانون میسر و ممکن است به تعبیر دیگر تدوین قانون برای تداوم حیات اجتماع بشر، ضروری و لازم می باشد، قانون نیز به خودی خود نمی تواند سعادت بشر و جوامع بشری را تضمین می کند، بلکه در صورتی می تواند یک قانون مناسب، موجب تکامل و سعادت جامعه شود که مجری خوب و عادل در رأس جامعه قرار گرفته و در اجرای قانون نقش مهم داشته باشد. پس در مرحله آخر و فرآیند سامان یابی اجتماع بشری نقش مجری و رهبر، نقش مهم و بی بدیل است.

از جمله نقش مهم رهبر، محور بودن ایشان در امور اجتماعی و رفع اختلافات و حل معضلات مردم است، اگر رهبر مزین به شاخصه های نیک نظیر عدالت، تقوا، شجاعت، مدیریت و... باشد نقش محوری ایشان جهت اتحاد و انسجام مردم ملموس تر خواهد بود.

چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام در بیان نقش رهبر در جامعه می فرماید:

«وَمَكَانَ الْقِيمِ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النِّظَامِ مِنَ الْحَرَزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضْمُهُ فَإِذَا

انقطع النظام تفرق الحرز و ذهب ثم لم يجتمع بهذافيره ابدأ»<sup>۱</sup>

«جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که

دانه ها را به هم پیوند داده جمع می کند و آنگاه که رشته پاره شود دانه ها پراکنده شده و هرگز تمام آن ها جمع نخواهد شد.»  
و شاید رمز موفقیت یک جامعه بعد از داشتن قانون مناسب و رهبر عادل و شجاع، مطیع بودن مردم در برابر رهبر باشد، زیرا اگر مردم در مسیر اطاعت فرامین رهبر گام بر ندارند، هر چند رهبر عالی مقام باشد یعنی مقام عصمت و ولایت الهی نیز داشته باشد باز مردم دچار تشتت و اختلاف شده و جامعه به سوی اضمحلال پیش می رود پس در کنار قانون و مجری مناسب، شرط دوم برای جامعه متعالی و پیشرفته، اطاعت مردم از رهبر و فرامین او می باشد.

با همین رویکرد پیامبر اکرم ﷺ مردم را در اطاعت از رهبر تشویق و ترغیب نموده و می فرماید:

«إِسمَعُوا وَأَطِيعُوا مِنْ وَلَائِ اللَّهِ الْأَمْرِ، فَانْهَ نِظَامَ الْإِسْلَامِ»<sup>۱</sup> «از کسی که

خداوند به او ولایت امر داده است، حرف شنوی و اطاعت داشته باشید چرا که این اطاعت، نظام بخش اسلام است.»

امام رضا ﷺ در فلسفه وجودی رهبر و لزوم اطاعت مردم از ایشان می فرماید: اگر کسی از حکمت رهبری و لزوم اطاعت از رهبری سؤال کند؟ در پاسخ گویند که این امر علت های فراوانی دارد: «یکی از ادله ضرورت امامت و رهبری این است که جامعه نیاز به قانون دارد و مردم مکلفند که از مرز قانون، تجاوز نکنند، چون شکستن این مرز موجب فساد و تباهی جامعه است. برای نگهداری از مرز قانون، مرزبانی

امین لازم است و اگر این چنین نباشد هیچ کس نمی خواهد لذت و منفعت شخصی خود را، هر چند موجب فساد جامعه شود از دست بدهد. بدین سبب خداوند زمام امور مردم را به دست فردی می سپارد که از فساد مفسدان و تبهکاران پیش گیری کند و مقررات و قوانین را در جامعه به اجرا در آورد.<sup>۱</sup>

در دوران غیبت و پنهان زیستی رهبر معصوم امام مهدی علیه السلام جامعه اسلامی به ویژه جامعه شیعی، بدون رهبر و حاکم عادل نظام نخواهد گرفت. از این رو بیشتر فقها و صاحب نظران دینی در دوران غیبت، تداوم حکومت معصوم را به رهبری نماینده عام امام مهدی، توجیه می نمایند و نقش ولایت فقیه در هدایت و مقصود رسانی مردم، نقش مهم و خطیر است و رتق و فتق امور مردم و هدایت آنها به سوی اتحاد و همدلی از جمله وظایف مهم ولایت فقیه به شمار می آید.

سنلار، حمزة بن العزیز دیلمی (متوفای ۴۴۸) در کتاب فقهی معروف

«مراسم» می نویسد:

«امامان معصوم اجرای حدود و احکام انتظامی را به فقیهان واگذار نموده و به عموم شیعیان دستور داده اند تا از ایشان پیروی کرده پشتوانه آنان باشند و آنان را در این مسئولیت یاری نمایند.»<sup>۲</sup>

شهید اول در کتاب دروس آورده است:

«اجرای حدود الهی، وظیفه امام و نایب او است و در عصر غیبت

۱ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۰ و علل الشریع، ص ۲۵۳.

۲ سنلار، مراسم العلویه، ص ۲۶۳.



بر عهده فقیه جامع الشرایط می باشد بر مردم است که او را تقویت کنند و پشتوانه وی باشند ... و بر فقیه لازم است که در صورت امنیت فتوا دهد و بر مردم است که اختلاف خود را نزد او ببرند.<sup>۱</sup>

محقق کرکی ضمن ادعای اجماع و اتفاق می نویسد: فقیهان شیعه، اتفاق نظر دارند که فقیه جامع الشرایط که از آن به مجتهد تعبیر می شود از سوی امامان معصوم در همه اموری که نیابت در آن دخالت دارد نایب است، پس دادخواهی در نزد او و اطاعت از حکم او، واجب است.<sup>۲</sup>

پس، از جمله عوامل مهم در راستای اتحاد و انسجام اسلامی، رهبر و جایگاه مهم او در میان مردم است و نیز تحقق و تقویت اتحاد و همگرایی عمومی، مرهون اطاعت و تبعیت مردم از رهبر می باشد.

### ۵-۶. دین:

دین از جمله عوامل مهمی است که می توان پیروان و باورمندان خود را بر اساس تعالیم و قوانین آسمانی در کنار یکدیگر جمع نموده و همگرایی را میان آن ها زنده کند، این مهم در دین اسلام پررنگ تر و ملموس تر است زیرا دین اسلام به عنوان آخرین دین و جامع ترین و کامل ترین برنامه آسمانی، یقیناً به انسجام و اتحاد مسلمانان توجه کرده و برای تحقق یکدلی میان مسلمانان، آموزه های بسیاری را تدوین

۱ شهید اول، محمد الدروس الشریعه، ص ۱۶۵.

۲ محقق کرکی، رسایل المحقق الثانی، ج ۱، ص ۱۴۲.

کرده است .

مثلاً نماز که به عنوان نخستین فروع دین اسلام به شمار می آید، نماد تجمع و اتحاد مسلمانان است، ثوابی که اسلام برای نماز جماعت در نظر گرفته است، عامل مهمی جهت حرکت به سوی مساجد و شرکت در تجمع مسلمانان است.

با نگاه دقیق تر به نماز، خواهیم دید که اسلام برای اجتماعات مختلف مسلمانان ، نمازهای گوناگونی را تشریح کرده است تا با اجتماعات مختلف مسلمانان تناسب داشته باشد، مثلاً نماز یومیه برای اجتماع در یک محل کوچک و نماز جمعه برای اجتماع یک شهر و... این نشان از توجه ویژه اسلام به جامعه اسلامی است. همچنین حج و مناسک آن که یکی از فروع اسلامی است در اتحاد و همدلی مسلمانان تاثیر به سزایی دارد، طبق فتوای رهبران مذاهب گوناگون اسلامی، برگزاری حج و اقامه نماز توسط همه مسلمانان با مذاهب گوناگون در کنار یکدیگر، نشان از نقش بی بدیل حج در تثبیت همگرایی اسلامی است. پس دین اسلام با تعالیم روح بخشش، سبب وحدت و همدلی میان مسلمانان می شود.

از راه فطری بودن دین، نیز می توان به نقش آن در ایجاد اتحاد و همگرایی پی برد مثلاً در قرآن کریم، دین امر فطری تلقی شده و همه انسان ها در نهان و وجدان خود به آن گرایش و علاقه دارند.

«فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها»<sup>۱</sup> «پس

روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خداوند مردم را با آن سرشته است.»

با توجه به این که دین امر فطری به شمار آمده و فطرت امر فراگیر و مورد قبول همه انسان ها می باشد پس دین نیز مورد قبول همه انسان ها خواهد بود، بنابراین یکی از راه هایی که می توان دین را محور اتحاد و همگرایی مسلمانان و غیر مسلمانان یعنی پیروان ادیان- دیگر آسمانی به شمار آورد، فطری بودن دین می باشد چون یکی از شاخصه های فطرت و امور فطری عمومیت و کلیت است پس می توان- از راه دین به عمومیت و فراگیری در میان همه انسان ها رسید.

امام خمینی علیه السلام در این باره گفته است: «این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد و این اسلام است که سعادت همه انسان ها را تامین می کند.»<sup>۱</sup>

در جای دیگر گفته است: «این عنایت اسلام است که همه برادران اهل سنت با هم هستند و اختلافی هم با یکدیگر ندارند ... و من امیدوارم که این رویه متداوم باشد.»<sup>۲</sup>

ایشان در مصاحبه با خبرنگار لبنانی به مسلمانان عرب زبان گفته است: بیائید اختلاف را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان غیر عرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید... با ذخیره الهی و معنوی که اسلام است می توانید قدرتی

۱ در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر ۱۵، ص ۱۲۹.

۲ همان، ص ۱۰۷.

اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ دارند.

### سخنان بزرگان اهل سنت پیرامون جایگاه اهل بیت علیهم السلام:

عبدالله بن احمد از پدرش احمد بن حنبل شیبانی پیشوای مذهب حنبلی می پرسد: من افضل الصحابة؟ (برترین صحابه چه کسی است؟) در پاسخ گفت: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، عبدالله گفت: فاین علی بن ابیطالب؟ (پس جایگاه علی ابن ابیطالب چیست؟) در پاسخ گفت: یا ولدی انت سالتنی من افضل الصحابة و انا اجبت علیها و امام علی بن ابیطالب فهو نفس رسول الله. (فرزندم تو از بین برترین صحابه از حیث فضیلت و برتری از من پرسش نمودی و من پاسخ دادم، امام علی ابن ابی طالب نفس رسول الله است).<sup>۱</sup>

پیشوای مذهب حنبلی درباره امام علی علیه السلام می گوید: «إن الخلافة لم تزین علیاً بل علی زینها» (خلافت علی را زینت نداده است بلکه علی آن را زینت داده است) و گفته است: «علی ابن ابی طالب من اهل البیت لایقاس بهم احد» (او از اهل بیتی است که نمی توان کسی را به آنان مقایسه کرد).<sup>۲</sup>

و نیز گفته است: «ما جاء لاحد من الصحابه من فضائل مثل ما لعلی بن ابیطالب» نیامده است برای هیچ یک از اصحابه از فضیلت ها

۱ جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۴۳۶.

۲ الناقب، ص ۱۶۳.

مانند فضیلت هایی که برای علی ابن ابیطالب بوده است.<sup>۱</sup>  
 پیشوای مذهب شافعی برای اهل بیت علیهم السلام احترام خاصی قایل بود و  
 هر گاه در مجلسی یکی از علویان حضور داشت صحبت نمی کرد و  
 می گفت: «لا اتکلم فی مجلس یحضره احدهم هم احق بالکلام» (من در  
 مجلس یکی از علویان حضور داشته باشم سخن نمی گویم زیرا آنان به  
 سخن گفتن سزاوارترند).<sup>۲</sup>

او درباره امام سجاد علیه السلام نیز گفته است: «علی ابن الحسین افقه اهل

البیت»<sup>۳</sup>

مالک بن انس پیشوای مذهب مالکی درباره امام صادق علیه السلام می گوید:  
 «والله ما رات عینی افضل من جعفر بن محمد زهداً و فضلاً و عبادتاً و  
 ورعاً و کنت اقصد فیکرمی و یقبل علی» (قسم به خدا که ندیده است  
 چشم من از حیث زهد و فضیلت و عبادت و ورع و پرهیزگاری برتر از  
 جعفر بن محمد، خدمت او می رسیدم و مرا مورد اکرام و احترام قرار  
 می داد).<sup>۴</sup>

باز می گوید: «اختلفت الیه زماناً فما کنت اراه الا علی احدی ثلاث

۱ قندوزی، ینابیح الموده، ص ۱۴۲.

۲ الفهرست، ص ۴۴۱.

۳ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۲۷۴.

۴ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۰.

خصال امام صل و اماصائم و اما یقرا القرآن»<sup>۱</sup> (من مدت زیادی را با او مراوده داشته و خدمت ایشان رسیدم، ندیدم او را مگر در یکی از سه خصلت یا در حال نماز و یا در حال روزه و یا در حال قرائت قرآن.)

از مجموع تألیفات اندیشمندان اهل سنت در رابطه با جایگاه و ارزش اهل بیت علیهم السلام و نیز سخنان بزرگان و پیشوایان مذاهب چهار گانه پیرامون شأن و جایگاه اهل بیت و عشق و علاقه آنان به آن ها، حکایت از محور بودن اهل بیت از منظر اهل سنت دارد، و از سویی دیگر شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در میان شیعیان و باور های شیعی، و محبت و عشق شیعیان نسبت به اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله بر همگان روشن است و اصلا شیعیان با عشق و محبت به اهل بیت شناخته می شوند، پس با عنایت به مطالب یادشده می توان اهل بیت و محبت به آن ها حساب ویژه ای باز کرد و آن ها را محور اتحاد و همگرایی میان فرقه های مختلف اسلامی قرار داد.

## ۷. راهکارهای تحقق اتحاد:

مهمترین مسئله ای که لازم است قبل از هر چیز بدان توجه شود راهکارهای ایجاد اتحاد در میان مردم است، یعنی در مسیر همبستگی و همگرایی چه شیوه و روشی کار آمد و کاربردی است آیا در مقاطع و زمان های مختلف، ابزار و شیوه های اجرای اتحاد نیز تغییر کرده و باید شیوه های نو و کار آمد به کار گرفته شود؟ و آیا افراد جامعه در سطوح

۱ عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴.

مختلف در تحقق اتحاد دارای مسئولیت و رسالت یکسانی بوده یا هر فرد به تناسب جایگاه و مقام خود در تحقق وحدت دارای نقش گوناگونی می‌باشد؟ در واقع پاسخ گفتن به این نوع پرسش‌ها همان تبیین راهکارهای تحقق اتحاد است:

### ۱-۷. فرهنگ سازی همگرایی:

از جمله راه کارهای مهم همگرایی، فرهنگ سازی اتحاد در میان مردم است. در فرهنگ اسلامی، باورهای فراوانی وجود دارد که بسترهای مناسبی جهت تحقق وحدت در میان مسلمانان است، کسانی که با آموزه های اسلامی اندکی آشنایی داشته باشند به راحتی به این نکته خواهند رسید که خیلی از آموزه های اسلامی به اجتماع و اتحاد مسلمانان اختصاص داده شده و در دوران امر میان منافع فردی با منافع اجتماعی، اسلام به نفع منافع اجتماع مسلمانان رأی داده است، وقتی که اهمیت وحدت و توجه ویژه اسلام به اجتماع مسلمانان برای مردم روشن شد، به خودی خود، فرهنگ وحدت طلبی در میان مسلمانان نهادینه می‌شود و مردم با آغوش باز به دنبال اتحاد با فرقه های اسلامی دیگر خواهند رفت.

در راستای فرهنگ سازی اتحاد، علما و بزرگان شیعه و اهل سنت زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده اند، که به عنوان مثال پیشگامان وحدت در شیعه عبارتند از:

شیخ مفید<sup>ع</sup>، سید مرتضی<sup>ع</sup>، شیخ طوسی<sup>ع</sup>، علامه حلی<sup>ع</sup>، شهید اول<sup>ع</sup>، شهید دوم<sup>ع</sup>، سید جمال الدین اسد آبادی<sup>ع</sup>، سید محسن

امین<sup>ع</sup>، سید عبدالحسین شرف الدین<sup>ع</sup>، آیه الله بروجردی<sup>ع</sup>، امام خمینی<sup>ع</sup>.

و پیشگامان وحدت معاصر در میان اهل سنت علاوه بر پیشگامان مذاهب اربعه که پیش از این ذکرشان گذشت عبارتند از: محمد عبده که در قرن گذشته همراه با سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی آنچه در توان داشتند در زمینه تحقق و تقریب از راه بحث ها و مناظره های علمی به کار گرفتند و مجله «عروة الوثقی» را به این منظور صادر کردند.

مصطفی عبدالرزاق، رئیس دانشگاه الازهر

مصطفی مراغی، متفکر و مصلح معروف

محمد علی علویه مفتی اعظم فلسطین

حاج امین حسینی

شیخ حسن بنا، دانشمند تونس

محمی الدین قلیبی، پیشوای مذاهب مالکیه

و نیز استاد علی بن اسماعیل، علامه کواکبی، استاد شیخ محمد فهام،

علامه محمد مدنی، استاد محمود فیاض، شیخ محمد عبدالله دراز و...

## ۲-۷. تمسک به شعائر اسلامی:

اسلام دارای شعائر فراوانی است که برخی از آن ها، فرصت های خوبی را جهت وحدت در میان مسلمانان فراهم می نمایند؛ یکی از این

۱ جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۴۲۳.



شعائر، حج و موسم حج است که از فلسفه های مهم آن ایجاد اتحاد میان صفوف مسلمانان می باشد در این زمینه امام صادق علیه السلام فرموده است:

«ان الله خلق الخلق ... و امرهم بما يكون من امر الطاعة في الدين و مصلحتهم من امر دنياهم، فجعل فيه الاجتماع من الشرق والغرب ليتعارفوا ...»<sup>۱</sup>

«یقیناً خدا انسان را خلق کرد ... و هر آنچه در امر دین بدان نیاز داشتند به آنها امر کرد و مصالح دنیا را نیز به آنها گوش زد کرد و حج را محل اجتماع مسلمانان از شرق و غرب عالم قرار داد تا نسبت به یکدیگر آشنا شوند.»

مراسم پرشکوه حج (همچون عبادات دیگر) دارای برکات و آثار فراوانی در فرد و جامعه اسلامی است که اگر برنامه درست انجام شود و از آن بهره برداری درستی صورت گیرد، می توان هر سال منشأ تحول تازه ای در جوامع اسلامی گردد.

یکی از ابعاد مهم حج بعد سیاسی آن است، به گفته یکی از اسلام شناسان مراسم حج در عین این که خالصانه ترین و عمیق ترین عبادت را عرضه می کند، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد و اهداف سیاسی اسلام است.

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست و توجه به خلق خدا است، این دو در حج آن چنان به مانند تار و پود یک پارچه! به هم آمیخته اند.

۱ الحر العاملی، محمد، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۱۴.

حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است. حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است.

حج وسیله ای است برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقان های نظامی ظالمانه ای که در کشورهای اسلامی حکم فرما است .  
حج وسیله ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر و بالاخره حج، عامل مؤثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمانان. بی جهت نیست که یکی از سیاستمداران معروف بیگانه در گفتار پر معنی خود می گوید: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، وای به حال دشمنان شان اگر معنای حج را درک کنند.»<sup>۱</sup>

### ۳-۶. واجب دانستن وحدت اسلامی:

یکی از کارهایی که در دوران معاصر بر دوش مسلمانان به صورت عام و بردوش بزرگان دینی و اندیشمندان اسلامی به صورت خاص، سنگینی می کند، ضروری دانستن اتحاد و وحدت اسلامی است. از آن جایی که بیشتر مردم تابع خواص هستند، پرداختن به وحدت و واجب دانستن آن ابتدا بر عهده خواص است؛ یعنی اندیشمندان اسلامی با برگذاری همایش های هم اندیشی و تقریب مذاهب اسلامی، زمینه های فرهنگی وحدت را در میان مردم ایجاد

۱ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۷۶.

کرده و اهمیت و ضرورت آن به ویژه در دوران معاصر که از ناحیه دشمنان ستمگر که با ایده «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، به دو دستگی و تشتت میان مسلمانان و جوامع اسلامی می پردازند، تبیین نمایند، تا مسلمانان با پی بردن به ضرورت و وجوب وحدت، با اشتیاق و علاقه تمام در تحقق آن با علما و اندیشمندان اسلامی همکاری نمایند.

چنانکه رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می فرماید:

«ثلاث لا یغل علیهن قلب امرئ مسلم: اخلاص العمل لله، و النصیحة

لائمة المسلمین و اللزوم لجماعتهم»<sup>۱</sup>

«سه خصلت است که قلب هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت

نکند: ۱. خالص نمودن عمل برای خدا ۲. خیرخواهی و نصیحت برای

پیشوایان مسلمانان، ۳. همراهی کردن با جماعت مسلمین.»

#### ۴-۷. نقد بدون توهین:

برخی از مسلمانان به گونه ای یکدیگر را به باد نقد و انتقاد می گیرند که انگار با دشمن خود طرف هستند. رفتار جاهلانه و توهین آمیز است که موجب رنجش و عصبانیت طرف مقابل می شود. ما باید پیش از نقد یکدیگر، آداب انتقاد را بیاموزیم تا از انتقاد به ورطه اهانت کشیده نشویم. دانستن و به کار بستن آن آداب نه تنها موجب حل مشکلات می شود، بلکه فضای صمیمیت و برادری را در بین مسلمانان

۱ علی ابن بابویه، فقه الرضا، ص ۳۶۹ و همچنین با اندک تفاوتی در کتاب مجمع الزوائد تالیف

هیشمی از مصادر حدیثی اهل سنت نیز نقل شده است، ج ۱۰، ص ۲۴۷.

تقویت می‌کند.

چنانکه خداوند در قرآن در سوره حجرات می‌فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيراً منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيراً منهن ولا تلمزوا انفسكم ولا تباذروا بالالقب بشئ الاسم الفسوق بعد الايمن ...»<sup>۱</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان (دیگر) را (ریشخند کنند) شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به هم دیگر لقب‌های زشت مدهید؛ چه ناپسند است نام زشت پس از ایمان.»

### ۵-۷. برادری و اخوت اسلامی:

یکی از چیزهایی که از دیر باز میان مسلمانان مطرح بوده و در صدر اسلام به دست‌ورپیامبر اکرم ﷺ بدان توجه ویژه نموده‌اند، اخوت و برادری میان مسلمانان بوده است. زیرا هنگام ظهور اسلام، مسلمانان به خاطر عده و عده در مرتبه پائین قرار داشتند و دشمنان از هر سوی به کیان مسلمانان هجوم می‌آوردند، تدبیر پیامبر اکرم جهت مقابله با دشمنان، ایجاد فضای صمیمیت و برادری میان مسلمانان بود تا مسلمانان در کارهای اجتماعی و دینی مدد کار یکدیگر باشند و هم در برابر دشمنان به منزله دست واحد عمل نمایند. چنانکه قرآن می‌فرماید:

۱ حجرات، آیه ۱۱.

«انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم ...»<sup>۱</sup> «مؤمنان با هم

برادرند پس بين برادران خود صلح برقرار سازيد.»

امام صادق عليه السلام در اين باره مي فرمايد:

«المسلم اخو المسلم وهو عينه ومراته ودليله، لا يخونه ولا يظلمه

ولا يخذعه ولا يكذبه ولا يفتابه»<sup>۲</sup> «مسلمان برادر مسلمان است، به منزله

چشم اوست و همانند آينه اوست و راهنمای اوست هرگز شخص-

مسلمان به برادر خود خيانت نمي کند بر او ستم روا نمي دارد و در

کارش نيرنگ نمي کند و به او دروغ نمي گويد و عيب جوئي و غيبت او

را جائز نمي شمارد.»

درباره برادري و اخوت آيات و روايات ديگري نيز در متون اسلامي

آمده است، که در واقع مضامين آن ها، قانون و منشوري را به دست

مسلمانان مي دهند که چگونه در جامعه در کنار يکديگر به حل

مشکلات و معضلات اجتماعي کمک نمايند.

يکي از مهمترين برنامه اي که اسلام بر آن تاکيد کرده و در واقع

زير بنای تحقق برادري و عقد اخوت اسلامي است «اصلاح ذات البين»

مي باشد. در آموزه های اسلامي به اين موضوع به اندازه اي اهميت داده

شده که به عنوان برترين عبارت معرفي گردیده است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لا خير كثير من نجواهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بين

۱ حجرات، آیه ۱۰۱.

۲ کلینی، محمد کافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

الناس و من يفعل ذلك ابتغاء مرضاة الله فسوف نؤتيه اجراً عظيماً»<sup>۱</sup>  
 «در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست مگر کسی که  
 (بدین وسیله) به صدقه با کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان  
 دهد و هر کسی برای طلب خشنودی خدا چنین کند به زودی او را  
 پاداش بزرگی خواهیم داد.»

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در آخرین سفارش های خود در هنگام  
 شهادت به فرزندانش فرمودند:

«انی سمعت جدکما رسول الله يقول: ذات البین افضل من عامة  
 الصلوة والصیام»<sup>۲</sup> «من از جد شما پیامبر شنیدم که می فرمود: اصلاح  
 رابطه میان مردم فضیلتش از انواع نماز و روزه بیشتر است.»  
 همچنین از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده است:

«صدقة یحبها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا و تقارب بینهم اذا  
 تباعدوا»<sup>۳</sup> «صدقه و بخششی را که خداوند دوست دارد، اصلاح بین  
 مردم است هنگامی که به فساد گرایند و نزدیک ساختن آن ها به  
 یکدیگر است به هنگامی که از هم دور شوند.»  
 در کتاب «کافی» از امام صادق علیه السلام نقل شده که به مفضل (یکی از  
 یاران امام) فرمود:

۱ نساء، آیه ۱۱۴.

۲ نهج البلاغه،

۳ کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

«اذا رایت بین اثین من شیعتنا منازعة فافتدها من مالی»<sup>۱</sup>  
 «هنگامی که میان دو نفر از پیروان ما مشاجره‌ای ببینی (که مربوط به امور مالی است) از مال من غرامت بپرداز (و آن‌ها را با هم صلح بده)»  
 «علت این همه تاکید در زمینه مساله اجتماعی با کمی دقت روشن می‌شود زیرا عظمت و توانایی و قدرت و سر بلندی یک ملت، جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نیست، اگر مشاجره‌ها و اختلاف‌های کوچک اصلاح نشود، ریشه عداوت و دشمنی کم کم در دل‌ها نفوذ می‌کند و یک ملت متحد را به جمعی پراکنده مبدل می‌سازد، جمعی آسیب پذیر، ضعیف و ناتوان و زبون که در مقابل هر حادثه و هر دشمنی، قدرت مقاومت و استقامت از آن‌ها سلب می‌شود. به همین دلیل برخی از مراحل اصلاح ذات البین شرعاً واجب و حتی استفاده از امکانات بیت المال برای تحقق بخشیدن آن مجاز است و برخی مراحل آن که با سرنوشت مسلمانان زیاد تماس ندارد مستحب مؤکد است.»<sup>۲</sup>

### ۶-۷. پرهیز از تکفیر یکدیگر:

اگر بخواهیم فضای وحدت اسلامی را سالم نگه داریم باید از این پدیده شوم پرهیزیم، اتهام تکفیر، با تأسف در سال‌های اخیر میان برخی از گروه‌های افراطی که نثار برخی از گروه‌های دیگر می‌شود، رواج پیدا کرده است و این پدیده نامیمون در جوامعی که اختلاف‌های

۱ همان، حدیث ۳.

۲ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷ ص ۸۴

فرقه ای بیشتر وجود دارد بیشتر به چشم می‌خورد. البته این چنین گروه‌ها میان مسلمانان در اقلیت اند و مورد تنفر و انزجار بقیه مسلمانان هستند، ولی همین مقدار اندک نیز سبب تبلیغ دشمنان بر ضد اسلام شده و دین اسلام را در میان جوامع غربی و شرقی، خشن و بی‌منطق جلوه می‌دهند و از این رو چهره زیبای اسلام به دست افراطیان جاهل، مخدوش شده است.

راه علاج این پدیده شوم این است که نخست با اتحاد و همدلی میان همه طوایف اسلامی دل‌های مسلمانان در کنار یکدیگر قرار گرفته و فاصله‌هایی که به واسطه بدگمانی و سوء ظن حاصل شده است، از بین برود دوم این که دیدگاه‌های افراطی و صاحبان آن شناسایی و برای مردم روشن‌گری شود تا در دام چنین دیدگاه‌هایی گرفتار نشوند.

### ۷-۷. تکیه بر اصول بنیادی:

در میان مذاهب گوناگون اسلامی، اصول بنیادی اسلام، مورد پذیرش و اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است به عنوان مثال، توحید، نبوت، معاد، قرآن، اهل بیت، محبت به اهل بیت، فضیلت و کرامت اهل بیت، ظهور امام مهدی علیه السلام، جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جانشین دوازده گانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خیلی از باورهای دیگر که (به خاطر طولانی شدن کلام از گفتن آن‌ها صرف نظر می‌شود) مورد اعتقاد و باور همه گروه‌های اسلامی است. البته جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که در موارد نادر در برخی از اصول میان برخی از گروه‌ها اختلاف وجود



دارد اما اتفاقات به مراتب بیشتر از اختلافها است یعنی اختلافها به چند مورد محدود می‌باشد ولی اتفاقها قابل احصاء نمی‌باشد و باز باید گفته شود که در جزئیها و فرعیهای فقهی و کلامی میان گروههای اسلامی اختلاف وجود دارد، در صورتی می‌توان به اتفاق و اتحاد در میان مسلمانان امیدوار بود که نخست روی مبانی بنیادی که مورد اتفاق همگان است تکیه کرده و روی آنها بیشتر مانور داده شود و دوم آن که مقولههای اختلافی که جزو اصول بنیادی است، عالمانه و متخصصانه در همایشهای علمی میان اندیشمندان و فرهیختگان گروهها مورد ارزیابی و دقت قرار گیرد و دست آخر اختلافی که در امور فرعی و جزئی پیش می‌آید و موارد آنها نیز کم نیست، نه تنها موجب تشتت و ناهماهنگی در میان مسلمانان نمی‌باشد بلکه موجب ترقی و شکوفایی استعدادها بر اثر نزدیکی و تبادل نظرها میان اندیشمندان و عالمان دینی خواهد شد.

### ۷-۸. پیروی کردن از سیره بزرگان دین:

«بزرگان دین در حفظ وحدت کوشا و پر تلاش بودند و تاریخ زمان صحابه گواه این است. البته آنان در شیوههای فقهی با هم اختلاف داشتند مثلاً برخی دارای شیوه اصولی افراطی، برخی دارای روش اصولی معتدل و برخی دارای اصول احتیاطی بودند و این اختلاف موجب آرا و نظرهای آنان در مقام استنباط از ادله، در بسیاری از مسائل نظری در فروع شد.

ولی آنان با این وصف هماهنگی و رفت و آمد و ارتباط با یکدیگر

را حفظ می‌کردند و از ایجاد دشمنی و کینه و دو دستگی، سخت پرهیز می‌کردند و هیچ‌گاه اختلاف آنان در برخی از آراء، سبب جدایی ایشان از یکدیگر نمی‌شد.»<sup>۱</sup>

وقتی که شیوه و روش بزرگان دین برای باورمندان دین تبیین می‌شود مردم بر اساس حس الگو پذیری که یک حس فطری است از بزرگان دین الگو می‌گیرند. از این رهگذر جهت پاسخ دادن به حس فطری الگو پذیری، می‌توان مردم را به سوی سیره بزرگان که همان اتحاد و همدلی است سوق داد.

### ۹-۷. تحمل و بردباری نسبت به عقاید مخالفان:

مقوله صبر، تحمل و انتقاد پذیری، عامل مهمی است جهت تحقق وحدت در جامعه، به طور طبیعی در یک جامعه چند صدایی، آراء و باورهای مختلفی وجود دارد که هر کدام از آن باور ها طرف داران و پیروانی برای خودشان دارند، امنیت و استحکام چنین جامعه ای زمانی تحقق پیدا می‌کند که افراد آن جامعه دارای روحیه بردباری و انتقاد پذیری باشند یعنی مخالفین و افکار آن ها را تحمل کرده و زندگی در کنار آن ها را قابل تحمل بدانند، جامعه نبوی، علوی و ولوی، نمونه بارز جامعه چند صدایی است که مخالفان حتی افراد کافر و زنادقه برای مناظره و گفتگو با پیامبر ﷺ و اهل بیت  آزادی عمل داشته و به راحتی عقاید و نظرهای خودشان را در برابر معصومین  بیان

۱ جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۴۱۲.

می کردند، حال اگر در جامعه‌ای مردم آن جامعه در اصول بنیادی اعتقادی اشتراک نظر داشته باشند، به مراتب ضرورت تحمل و بردباری در آن بیشتر احساس می شود و همچنین همگرایی و وحدت در آن جامعه با سهولت بهتری تحقق پیدا می کند پس شاخصه بردباری و انتقادپذیری از جمله شرط مهم و اساسی یک جامعه آزاد و چند صدایی است.

### ۱-۷. فرهنگ ملی (ایرانی):

در طول تاریخ، مکان و سرزمین در قالب قلمروهای محلی، ملی و منطقه ای همواره به عنوان یکی از عوامل هویت ساز مطرح بوده است. در اسلام ضمن آن که مرزهای جغرافیایی و حفاظت از بلاد مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردار است، اما در تحلیل، سطح کلان هویت های ملی را در مرتبه پایین تر از هویت دینی می داند.

«فرهنگ ملی در خود آگاهی ملی تبلور می یابد، خود آگاهی ملی یعنی خود آگاهی به خود در رابطه اش با مردمی که با آن ها پیوند قومی و نژادی دارد بلکه همان طور که یک فرد دارای «خود» است، یک قوم و یک ملت به علت داشتن فرهنگ، یک «خود ملی» پیدا می کند. هم فرهنگی از هم نژادی وحدت بیش تری میان افراد ایجاد می کند. ملیت که پشتوانه فرهنگی داشته باشد از «من» ها یک «ما» می سازد، احیاناً برای این «ما» فداکاری می کند.»

«اما اسلام همواره توجه انسان ها را به تاریخ از آن حیث که آگاهی و بصیرت به سنن و تجارب گذشته پیدا کنند، معطوف ساخته است ولی آن ها را از تعصبات بی جا و رسوم قومی برحذر داشته است. سنت های اجتماعی هویت ساز بر دو گونه اند؛ برخی از آن ها از اصول اخلاقی - انسانی و تعلقات فطری بشر ریشه می گیرند و زمینه های وحدت و ایجاد هویت مشترک فرا گیر را فراهم می سازند و برخی دیگر از احساسات و تعصبات محدود و علایق زیستی و ذهنی و خیالی و اسطوره ای سرچشمه می گیرند و خود عامل تفرقه، نزاع و انخطاط می گردد. از دیدگاه اسلام، نگاهی به سرگذشت امت های پیشین نشان می دهد که سنت های ناپسند مایه انخطاط و جهالت و سنت های پسندیده عامل اتحاد و حیات بخش ملت ها بوده است.»<sup>۱</sup>

از این رو به روایت معصوم علیه السلام که می فرماید: «حب الوطن من الایمان»<sup>۲</sup> قابل توجه است.

### ۱۱-۷. رعایت اخلاق اسلامی:

از نظر اسلام اخلاق و شاخصه های نیک دارای جایگاه مهمی است به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی چنین می فرماید:

«انی بعثت لا تم مکارم الاخلاق» «من برای به کمال رساندن اخلاق مبعوث گردیدم»

۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۵، ص ۸۸ - جلد ۱۶، ص ۷۷ - جلد ۱۲، ص ۴۷۷.

۲ النمازی الشاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۳۷۵.

«ان الله يحب مكارم الاخلاق و يبغض سفاسفها»<sup>۱</sup> «براستی خداوند اخلاق را دوست می‌دارد و از خصایص پست و پایین اخلاقی متنفر است.»

روشن است وقتی جامعه به اخلاق اسلامی مزین شود، همه آحاد جامعه در راستای تاسی به اخلاق پیامبر اکرم ﷺ به یکدیگر احترام بگذارند، به طور قهری به سوی اتحاد و همدلی پیش می‌روند.

---

۱ ابن ابی الدنيا، مكارم الاخلاق، ص ۱۹.

بخش دوم

وحدت و موعود گرایی

وحدت گرایی یکی از گرایش‌های اساسی و فطری است که در وجود همه انسان‌ها به چشم می‌خورد زیرا وحدت گرایی که عامل پیشرفت و ترقی به شمار می‌آید مورد علاقه و محبت همه انسان‌ها است. بدین جهت همگانی بودن وحدت گرایی را می‌توان یکی از خواسته‌های امور فطری برشمرد. (زیرا یکی از شاخصه‌های امور فطری همگانی بودن است) موعود گرایی که یک باور فراگیر و عمومی و مورد قبول کلیه باورمندان ادیان آسمانی است به حس وحدت‌گرایی - پاسخ مثبت داده و علاوه بر این در عصر ظهور و تشکیل حکومت جهانی به خواسته‌های فطری انسان‌ها جامعه عمل می‌پوشاند.

«السلام علی المهدی الذی وعد الله عزوجل به الامم ان یجمع به  
الکلم و یلم به الشعث»<sup>۱</sup>

«درود بر آن مهدی که خداوند عزوجل وعده ظهور او را به امت‌ها داده است که به وسیله او وحدت و یک پارچگی را جایگزین پراکندگی و تفرقه می‌کند.»

۱ مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر.

چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در وصف حال امام مهدی ﷺ بعد از ظهور و تشکیل حکومت جهانی، می فرماید:

«وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ، كَمَا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرْكِ وَبِنَا يَصْبَحُونَ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا، كَمَا أَصْبَحُوا بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ»<sup>۱</sup>

«خداوند پس از کینه‌های فتنه‌گری، به دست ما (امام مهدی ﷺ) در میان آن‌ها الفت و صمیمیت ایجاد می‌کند، چنان‌که بعد از کینه‌توزی‌های شرک به دست ما در میان شان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما (امام مهدی ﷺ) برادری خود را باز یابند چنان‌که بعد از عداوت شرک به دست ما برادر ایمانی گشتند.»

در دوران غیبت نیز باورداشت موعود گرایی و آموزه‌های همسو با آن عامل وحدت و اتحاد میان باورمندان موعود است.

پس رابطه میان وحدت گرایی و موعود گرایی، رابطه علی و معلولی است؛ یعنی در یک جامعه هر اندازه موعود گرایی در میان مردم پررونق تر و پرنگ تر باشد، وحدت گرایی نیز در آن جامعه ظهور بیشتری دارد.

از این رو موعود گرایی را می‌توان از دو منظر مورد دقت و امعان نظر قرار داد. یک بار موعود گرایی را از منظر فرا دینی مورد توجه قرار می‌دهیم و بار دیگر از منظر فرا مذهبی به آن نظر می‌افکنیم، البته هدف از تقسیم موعود گرایی به فرا دینی و فرا مذهبی به وحدت گرایی

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.



باز می‌گردد زیرا یک بار وحدت‌گرایی میان اسلام با ادیان دیگر است و بار دیگر وحدت‌گرایی میان فرقه‌های اسلامی است پس اگر وحدت و اتحاد را در دایره وسیع‌تر لحاظ کنیم نیاز به موعودگرایی فرا دینی داریم و اگر وحدت‌گرایی را در قلمروی محدود، یعنی بین‌المذاهبی - خلاصه کنیم، نیاز به موعودگرایی فرا مذهبی که همان مهدویت باشد داریم.

بنابر این مباحث پیش‌رو را در دو فصل مستقل بر اساس موعودگرایی بین‌الادیانی و موعودگرایی بین‌المذاهبی، مورد بحث قرار خواهیم داد.

## فصل نخست: همگرایی ادیان ابراهیمی در باور داشت منجی

ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت با اصول مشترک) جزو ادیان آسمانی و توحیدی به شمار می‌آیند، و به جهت آسمانی بودن آن‌ها، اتحاد و هم‌گرایی در میان باورمندان شان با سه اصل مشترک (توحید، نبوت و معاد) آسان‌تر به وقوع می‌پیوندد؛ البته افزون بر اصول سه‌گانه فوق، در برخی از باورها نیز باورمندان به ادیان ابراهیمی با هم اشتراک نظر دارند که می‌توان از این راه نیز به اتحاد و هم‌دلی دست یازید.

منجی‌گرایی و موعودباوری از جمله باورهایی است که باورمندان سه‌دین ابراهیمی در آن، هم عقیده و هم نظر هستند، علاوه بر اصل باورداشت موعودگرایی در برخی از موضوعات موعودگرایی نیز میان پیروان ادیان ابراهیمی اتحاد وجود دارد که عبارتند از:

### ۱. آینده‌نگری مثبت:

در اندیشه مثبت‌نگر، آینده و فرجام تاریخ بشریت روشن و آفتابی است، یعنی آینده تاریخ به منزله ظرفی است که رخداد ظهور و جامعه ایده‌آل موعود را در خود جای خواهد داد و انسان‌های مثبت‌نظر برای رسیدن به آن، چشم به فراسوی دوخته و آمدن او را انتظار می‌کشند.

نگرش مثبت، نگرشی است که بیشتر معتقدین به ماوراء و خدا و نیز بیشتر باورمندان به ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فرد و اجتماع را در گروه آن می‌دانند، پس مثبت

نگری کارکردهای نظیر نشاط آوری، بالندگی، پویایی، معنا بخشی و هم گرایی را به همراه دارد.

پیروان ادیان ابراهیمی، در آینده نگری مثبت هم عقیده و هم نظر هستند، یعنی در این که بشر و تاریخ بشر در فرجام و پایان خود، خوش عاقبتی را تجربه می کند، اتفاق نظر دارند. از این رو آینده نگری مثبت را می توان محور هم گرایی میان باورمندان ادیان ابراهیمی قرار داد. در ذیل به مواردی از آموزه های مثبت نگر در منابع ادیان ابراهیمی می پردازیم:

### ۱-۱. آینده نگری مثبت در منابع یهود:

«زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد هان بعد از اندک زمانی شیر نخواستند بود، در مکانش تأمل خواهی کرد نخواهند بود. و اما حکیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شیر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تایید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهند بود تا ابد الا باد.»<sup>۱</sup>

جالب این که مطالب یادشده همان مطالبی است که قرآن پیرامون ظهور حضرت مهدی عج از زبور نقل کرده است.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

۱ تورات کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۱۸ و ۹، ۱۲، ۱۷.

الصَّالِحُونَ<sup>۱</sup>

«در حقیقت در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

## ۲-۱. آینده نگری مثبت در منابع مسیحیت:

«ولی از آن روز و ساعت (ظهور) غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود ... در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد اما آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید.»<sup>۲</sup>

افزون بر این که آینده نگری وجه اشتراک میان ادیان ابراهیمی است، از این مطالب نکته دیگری برداشت می شود که به نوعی مورد اتفاق پیروان ادیان ابراهیمی است و آن آگاه نبودن مردم از زمان و رخداد ظهور است؛ زیرا عدم آگاهی از زمان ظهور در تورات، در انجیل، و در منابع اسلامی آمده است. پس، از جمله باورهای مشترک میان پیروان ادیان ابراهیمی پیروان منجی، عدم آگاهی به زمان ظهور است و تنها خداوند به زمان ظهور و آمدن منجی به صورت تفصیلی و دقیق آگاه است.

با توجه به این که خداوند علوم گوناگونی را به انبیا و اولیای خود

۱ انبیا، آیه ۱۰۵.

۲ کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱-۹ و ۳۱-۳۷.

اعطا کرده و آن‌ها را منبع و خزائن علوم و اسرار خویش دانسته، با این حال برخی از علوم را به خود اختصاص داده و دیگران را از آگاهی نسبت به آن‌ها محروم کرده است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«ان لله عزوجل علمین، علماً عنده لم یطلع علیه احداً من خلقه و علمانبذه الی ملائکته و رسله فمانبذه الی ملائکته و رسله فقد انتهى الینا»<sup>۱</sup>

«خداوند متعال دارای دو نوع علم است، علمی که مخصوص خود اوست و احدی از مخلوقات از آن اطلاع ندارند و علمی که به ملائکه و انبیا علیهم السلام داده شده است، پس علمی که به انبیا علیهم السلام و ملائکه داده شده است به ما رسیده است.»

اما علمی که اختصاص به خدا دارد، یکی علم به زمان قیامت

است و دیگری علم به زمان ظهور می‌باشد.

چنانکه قرآن پیرامون علم به زمان قیامت می‌فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً»<sup>۲</sup>؛ از تو درباره قیامت می‌پرسند (که) وقوع آن چه وقت است؟ بگو: علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او (هیچ کس) آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. (این حادثه) بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز

۱ کلینی، محمد کافی، ج ۱، ص ۳۷۶، ج ۲.

ناگهان به شما نمی رسد .

چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به پرسش امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

پیرامون زمان ظهور امام مهدی علیه السلام می فرماید:

«لائمة بعدی عدد نقباء بنی اسرائیل اثناعشر اعطاهم الله علمی و

فهمی و انت منهم یا حسن، قلت یا رسول الله فمتی یخرج قائمنا اهل

البيت، قال یا حسن انما مثله كمثل الساعة ثقلت فی السموات والارض لا

تاتیکم الا بغتة»<sup>۱</sup>

«امامان بعد از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند

و خداوند علم و درک مرا به آنها عطا می کند و تو یا حسن در میان آن

ها هستی، گفتم یا رسول الله، قائم ما اهل بیت کی ظهور خواهد کرد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا مثل وقت ظهور او مثل قیامت است (این

حادثه) بر آسمان و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد .»

در همین راستا در کتاب تلمود چنین آمده است: «لعنت به

کسانی باد که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ما شیخ را محاسبه

می کنند، لکن همواره منتظر ظهور او باش.»<sup>۲</sup>

در منابع مسیحیت نیز به عدم اطلاع مردم از زمان دقیق ظهور

منجی اشاره شده است:

(کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما

مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱ .

۲ گنجینه تلمود، ص ۳۵۶ .

عروسی مراجعیت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنید خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید<sup>۱</sup>

پس در باره این مسئله که نمی توان برای ظهور منجی وقت تعیین کرد، همه باورمندان ادیان ابراهیمی با هم اتفاق نظر دارند و این مورد از جمله مواردی است در میان منظومه باورهای منجی گرایی که محور هماهنگی و همبستگی می باشد.

## ۲. اعتقاد به ظهور موعود:

در همه ادیان ابراهیمی برای آمدن موعود نوید داده شده است، همان موعودی که جهان و جهانیان را به سوی سعادت و خوشبختی رهنمون کرده و برای نخستین بار خوب زیستن را به تجربه بشری می رساند، گرچه هر کدام از ادیان ابراهیمی برای منجی خود نام و القاب خاصی قرار داده و بر این گمانند که آینده تاریخ بشریت در آخرالزمان یعنی در عصر ظهور بر اساس باورها و تعالیم دینی شان می چرخد، ولی در اصل مسأله، یعنی حقیقت ظهور و حتمیت آن، با هم اتفاق نظر دارند.

### ۱-۲. حتمیت ظهور از منظر اهل کتاب:

مثلاً در منابع یهود از منجی و ظهور او چنین یاد شده است:  
«اگر چه تاخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد»

۱ انجیل لوقا، فصل ۱۳، بند های ۳۵-۳۶.

و درنگ نخواهد کرد بلکه جمیع امت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد.<sup>۱</sup>  
در جای دیگر آمده است:

«ای همه امت ها بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید. ای خداوند شجاعان! خود را به آن ها فرو آور. امت ها برانگیخته شوند و به وادی «یهو شافاظ» بر آیند زیرا که من در آن جا خواهم نشست تا بر همه امت هایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم.»<sup>۲</sup>  
در منابع دینی مسیحیت آمده است:

«آن گاه پسر آنان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به فضای فلک فراهم آورد ... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی توانید که آن وقت کی می شود.»<sup>۳</sup>  
در منابع اسلامی پیرامون حتمیت ظهور امام مهدی عج هم از ناحیه اهل سنت و هم از ناحیه شیعه روایات فراوانی نقل شده است و حتی در برخی از آن ها منکرین ظهور امام مهدی عج، کافر پنداشته شده اند که در ذیل به آنها اشاره می شود.

۱ کتاب حقوق نبی، فصل ۲، بند های ۳-۵.

۲ تورات، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بند ۱۲.

۳ انجیل مرقس، فصل ۱۳، بند های ۲۶، ۲۷، ۳۱ و ۳۲.



## ۲-۲. حتمیت ظهور از منظر شیعه:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا و ذلك حين ياذن الله عزوجل به و من تبعه و من تخلف عنه هلك»<sup>۱</sup>

«قیامت بر پا نمی شود تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند. و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد، کسی که از او پیروی می کند نجات می یابد و کسی که از او تخلف کند هلاک می شود.»

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«من المحتوم حتمه الله قیام قائما، فمن شك فيما اقول، لقي الله و هو به كافر و له جاحد»<sup>۲</sup> «قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است. هر کس در این گفتار که می گویم شک به خود راه دهد خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد.»

روایات بسیاری پیرامون ظهور و حتمیت آن در منابع روایی شیعه آمده است که در این جا تنها به دو روایت بسنده شد که نکاتی از آن ها قابل برداشت است، نخست این که حتمیت ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت صریح و روشن ذکر گردیده است دوم این که به حدی ظهور امام مهدی علیه السلام جدی و حتمی است که منکرین آن کافر قلمداد شده اند و آخر آنکه پایان بشریت شروع قیامت را موكول به رخ داد ظهور کرده

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.

۲ شرف الدین الحسینی، تاویل الآیات، ج ۱، ص ۲۰۲.

اند، یعنی پایان پذیری دنیا و آغاز قیامت که وقوعش حتمی است مشروط به ظهور امام مهدی عج شده است، خود این مطلب رخداد ظهور را قطعی جلوه می دهد.

### ۲-۳. حتمیت ظهور در منابع حدیثی اهل سنت:

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم ص چنین روایت کرده است:

«من انکر خروج المهدی فقد كفر بما انزل علی محمد» ۱ «هر که

ظهور مهدی عج را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است.»

پیامبر اکرم ص فرموده است:

«لولم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل

من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی» ۲ «اگر به پایان دنیا جز یک روز

باقی نماند خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا مردی از اهل

بیت من که هم نام من است زمام امور را به دست گیرد.»

بزرگان اهل سنت پیرامون قطعیت ظهور امام مهدی عج کلماتی

دارند به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۱. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید: «اتفاق تمام فرقه های

مسلمانان است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی شود مگر با مهدی

۱ قندوزی، ینابیع الحوده، ج ۳، ص ۲۹۵.

۲ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

موعود علیه السلام .<sup>۱</sup>

۲. در «اسعاف الراغبین» آمده است: «همانا اخبار متواتری از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است که مهدی قیام می کند از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و زمین را پر از عدل و داد می کند.»<sup>۲</sup>

۳. گنجی شافعی نیز در کتاب «البیان» باب ۱۱، تواتر روایات مهدی و قطعی بودن ظهور او را تأیید می کند.

از جمع بندی مطالب یادشده چند نکته قابل ذکر است که با گزارش آن مباحث فوق را پایان می بریم:

۱. حتمیت ظهور و آمدن منجی
۲. اعتقادی بودن مسأله ظهور
۳. وقوع آخر زمان و پایان تاریخ برای بشریت
۴. آخر زمان ظرف رخ داد ظهور

### ۳. آسمانی بودن منجی:

در پایان تاریخ بشریت، مردم از ستم، تجاوز، نابسامانی های اجتماعی، فقدان معنویات و شاخصه های انسانی در رنج بوده و از همه مکاتب و نحله های بشری به ستوه آمده اند با اضطراب و ناامیدی نگاه های خود را به آسمان دوخته و انتظار فتح باب آسمان را می کشند، تا منجی با ندای الهی و با برنامه های آسمانی گوش های انسان های ملول

۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۶.

۲ العسبان، محمد، اسعاف الراغبین، ج ۱، باب ۲، ص ۱۳۸.

و خسته را نوازش کرده و آن‌ها را به سوی پویایی و بالندگی و «به زیستن» رهنمون سازد.

آری آسمانی بودن منجی از جمله شاخصه‌هایی است که مورد پذیرش همه باورمندان به ادیان ابراهیمی است.

ابتدا باید روشن شود که آسمانی بودن منجی به چه معنا است؟ آسمانی بودن منجی به این معنا نیست که فردی از آسمان نازل شده و بشریت را به آرزوی دیرینه خود برساند و نیز آسمانی بودن به معنای غیر واقعی و غیر شناختاری نیست که برخی مکاتب و ادیان هر امر ماورائی و آسمانی را خارج از حیطه شناخت و غیر واقعی می‌پندارند و نیز هر امر آرمانی و اسطوره‌ای را به آسمانی تعبیر می‌کنند بلکه آسمانی بودن به معنای این است که ابر مردی که بشر و جوامع بشری را به سعادت می‌رساند از همین زمین که زیستگاه انسان است برخاسته و با برنامه‌های الهی و آسمانی و با شاخصه‌های انحصاری نظیر انتصاب، پاکدامنی و مؤید بودن به نصرت الهی، دست به ساماندهی جوامع بشری می‌زند. پس می‌توان آسمانی بودن منجی را با شاخصه‌های انتصاب، تأیید، نصرت خدا و همراه داشتن برنامه‌های الهی شناخت و در این مسأله همه پیروان ادیان ابراهیمی اشتراک نظر دارند و شاهد این اتفاق، نکاتی است که در منابع دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام آمده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱-۳. آسمانی بودن منجی در منابع اهل کتاب:

در تورات که کتاب مقدس یهودیان می‌باشد آمده است:

«و نهالی از تنه «یسی» بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت، روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش های خویش، تنبیه نخواهد نمود.»<sup>۲</sup>

در عبارت فوق اوصافی که برای منجی برشمرده شده و این که ایشان دارای روح و قدرت خداست و دارای فهم و حکمت الهی است و بالاخره این که ایشان دارای تائید و نصرت الهی و همه کارهای او در راستای خشنودی و رضایت خدا است، همه آن ها حکایت از این دارد که منجی با برنامه و راه کارهای الهی در میان مردم ظاهر شده و به دنبال رساندن بشر به سعادت و رستگاری می باشد.

همچنین در منابع دینی مسیحیت پیرامون آسمانی بودن منجی آمده است: «هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد ... آن گاه علامت پسر انسان را ببینید که بر ابر های آسمانی با قوت و جلال می آید<sup>۳</sup> ... اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست.»<sup>۴</sup>

۱ به معنای قوی و پدر حضرت داود است ( قاموس کتاب مقدس )

۲ تورات، کتاب اشعایی بنی، باب ۱۱ بند های ۱-۵

۳ انجیل متی، فصل ۲۴ بند های ۲۷، ۳۰

۴ انجیل متی، فصل ۲۵ بند ۳۱

## ۲-۳. شاخصه های آسمانی منجی در متون اسلامی:

در متون اسلامی به منجی و شاخصه های او توجه ویژه ای شده و با جدیت تمام به آن پرداخته شده است یعنی شاخصه های سه گانه (انتصاب، تایید خدا و برنامه الهی) برای منجی، به گونه ای ملموس و روشن منعکس شده است.

### انتصابی بودن منجی:

انتصابی بودن منجی یعنی در تعیین و گزینش منجی مردم دخالت ندارند بلکه از ناحیه خدا تعیین شده و به مردم معرفی می شود، «*الله يعلم حیث یجعل رسالته*»، بلکه مردم باید در راستای فرامین خدا از منجی و برنامه های او حمایت و پشتیبانی نمایند.

«و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»<sup>۱</sup>

«خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم.

انتصابی بودن حضرت مهدی عج با برخی از فضایل و شاخصه های او که مورد قبول همه گروه های اسلامی است قابل اثبات است.

مثلاً این که پیامبر اکرم ص دوازده خلیفه ع آورد و همه آن ها از قریش هستند و آخرین خلیفه ایشان حضرت مهدی عج است.<sup>۲</sup> و نیز در

۱ قصص آیه ۵

۲ مسند احمد، ج ۵ ص ۸۶ الجوهری. احمد، مقتضب الاثر، ص ۳

برخی از روایات، اسم حضرت مهدی و القاب ایشان نام برده شده است.<sup>۱</sup> و همچنین در برخی از روایات به انساب پدری و مادری حضرت مهدی اشاره شده و ایشان را از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از نسل حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام می‌دانند.<sup>۲</sup>

و در برخی از روایات صریحاً به خلیفه خدا بودن حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ عَلِيَّ رَاسَهُ غَمَامَةً، فِيهَا مَنْادِيَةٌ: هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.»<sup>۳</sup>

«حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند در حالی که بر سرش ابری است و از آن صدای بر می‌خیزد که این مهدی خلیفه خدا است از او پیروی کنید.»

بی‌گمان وقتی که اسم و نسب فردی به عنوان رهبر و منجی آخر زمان از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین و به عنوان خلیفه خدا مشهور باشد، نمی‌توان مقامی جز انتصابی بودن را از آن برداشت کرد.

### امام مهدی علیه السلام و تأییدات الهی

رهبر جهانی حضرت مهدی علیه السلام که به عنوان آخرین سفیر الهی برای سعادت بشریت قلمداد می‌گردد، نهضت جهانی که قلمرو جهانی دارد و

۱ مسند احمد، دارالفکر، ج ۱ ص ۳۷۶. الطوسی محمد، الغیبه، ص ۲۸۲

۲ الطواسی محمد، الغیبه، مکتبه نینوی، ص ۱۱۱، البغدادی، احمد، الملاحم والفتن، مکتبه المسجد

الاعظم ص ۱۰۶

۳ الجوینی الخراسانی، ابراهیم، فرائد المسلمین، مؤسسه المحمودی للطباعة والنشر، ج ۲ ص ۳۱۶

کران تا کران زمین را در می‌نوردد را رهبری خواهند کرد، از این رو افزون بر شجاعت رهبر و صلابت یاران و نیز تلاش و کوشش مردم، نیاز به نصرت و مدد الهی نیز دارد از این رهگذر است که در برخی از روایات می‌خوانیم که حضرت مهدی عج اعجاز انبیای گذشته را جهت پیشبرد اهداف جهانی خود به همراه دارد و همچنین می‌خوانیم که خداوند، ملائک و فرشته‌ها را جهت نصرت و یاری ایشان بسیج خواهند کرد. پیامبر اکرم ص فرموده است: «فلو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یاتیهم رجل من اهل بیتی، تکون الملائکه بین یدیه»<sup>۱</sup>

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را طولانی نماید تا این که مردی از اهل بیت من در حالی که ملائک در پیشاپیش او حرکت می‌کنند ظهور نماید.»  
امام باقر ع پیرامون یاران امام مهدی عج می‌فرماید: «مصعدین من نجف الکوفه ثلاثاً و بضعة عشر رجلاً، کأن قلوبهم زیر الحدید، جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره»<sup>۲</sup>

«سیصد و اندی مردان که یاران مهدی هستند در بلندای نجف قرار گرفته و قلبهایشان به منزله آهن محکم است و جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ قرار دارند.»

۱ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۲ عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۵۹، ج ۴۹.



پس یکی از موارد اتفاقی میان ادیان ابراهیمی پیرامون منجی، آسمانی بودن منجی است که مورد قبول پیروان یهودیت، مسیحیت و اسلام می‌باشد و می‌توان موضوع فوق را از جمله عوامل اتحاد آفرین میان باورمندان به موعود قرار داد.

#### ۴. رجعت و زنده شدن افراد خاص:

رجعت از جمله باورهایی است که در میان معتقدین به منجی مطرح است یعنی غالب پیروان ادیان ابراهیمی به این مسئله اذعان و اعتقاد دارند که رجعت به معنای بازگشت در پایان تاریخ تفسیر می‌شود. در قرآن و روایات اسلامی با واژه‌گانی نظیر کره، رد، حشر و ایاب، که همه این واژگان در معنای «بازگشت» مشترکند، استعمال شده است.<sup>۱</sup>

مرحوم سید مرتضی<sup>۱</sup> در بیان معنای اصطلاحی رجعت می‌فرماید: «معنای رجعت چنین است که خدای تعالی به هنگام ظهور، حضرت مهدی<sup>۲</sup>، گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یاری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گیرد. چنانکه قرآن می‌فرماید:

۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸ ص ۱۱۴. اقرب الموارد، ج ۱ ص ۳۹۱

«انالنتصررسلناوالذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الاشهاد»<sup>۱</sup>

«گواهان بر پای می ایستند قطعا یاری می کنیم»

با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه اشاره به موضوع

رجعت دارد:

۱. مفهوم و سیاق آیه دلالت بر فعلی دارد که در آینده به طور حتمی به وقوع می پیوندد.

۲. نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده تا کنون تحقق نیافته است و خداوند هرگز خلف وعده نمی کند، پس ناگزیر باید در آینده تحقق پیدا نماید.

۳. پیامبران (جز حضرت عیسی و خضر) و مؤمنان گذشته هنگام نزول قرآن در قید حیات نبوده و در این دنیا یاری نشده اند پس به مقتضای آیه باید آن ها زنده شوند تا در همین دنیا یاری شوند.

۴. از جدا سازی نصرت دنیایی از نصرت آخرت، معلوم می شود که هر کدام از دنیا و آخرت به طور جداگانه مورد عنایت خدا است و خداوند در دو جا مؤمنان را پیروز می گرداند. پس نمی توان نصرت را به صورت مطلق به نصرت قیامت تفسیر کرد.

شیخ مفید<sup>۲</sup> در تفسیر این آیه گفته است: شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را در مورد دوستانش پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن هنگامی است که قائم قیام کند، در

پایان آن مؤمنین رجعت می‌کنند و وعده الهی تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>  
 برای تایید مطالب یاد شده می‌توان به روایت امام صادق علیه السلام که  
 اشاره به تفسیر آیه مورد نظر دارد اشاره کرد: «ذلک والله فی الرجعة،  
 اما علمت ان انبیاء الله کثیرهم لم ینصروا فی الدنیا وقتلوا الائمة من  
 بعدهم قتلوا و لم ینصروا ذلک فی الرجعة»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند در مورد رجعت است، مگر نمی‌دانی که  
 پیامبران خدا زیادند در این دنیا که یاری نشده‌اند، امامان بعد از آنان  
 نیز کشته شده‌اند و یاری نشده‌اند این آیه در مورد رجعت است»  
 در منابع اهل کتاب یعنی کتاب‌های عهد عتیق و جدید نیز مساله  
 رجعت مردگان در عصر ظهور منجی آمده است و این مساله جزو  
 باورهای پیروان یهودیت و مسیحیت می‌باشد.

مثلاً در کتاب مقدس انجیل یوحنا آمده است:

«بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا که پسر انسان  
 است و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع  
 کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند  
 آمد!»

در کتاب دانیال نبی علیه السلام می‌خوانیم:

«و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو

۱. ر. ک ح عاملی، محمد، الایفاظ من الهجعه، ص ۴۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۶۵، حویزی، عبد علی، تفسیر نوار الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶.

۳. کتاب مقدس، انجیل یوحنا، ص ۱۵۳، باب ۵، بندهای ۲۸ و ۲۶.

ایستاده است خواهد برخواست... و بسیاری از آنانی که بر خاک زمین خوابیده اند، بیدار خواهند شد.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه این است که: رجعت که به معنای بازگشت مردگان است، یک بار در مجموع باورهای موعودگرایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که رخداد آن در آینده در عصر منجی خواهد بود، و مورد پذیرش پیروان دین یهود، دین مسیحیت و نیز مورد پذیرش شیعیان می‌باشد. بار دیگر رجعت را به معنای فعلی واقع شده تلقی کرده، و وقوع آن را بر امت های گذشته تطبیق می‌کنیم که این موضوع مورد قبول اهل سنت نیز است. پس این طور می‌شود نتیجه گرفت که اصطلاح رجعت در موعود گرایی، وقوعش در آینده است، اما رجعت و بازگشت مردگان در امت های گذشته که قرآن بدان اشاره دارد، وقوعش در گذشته بوده است که در این مورد اهل سنت، شیعیان را همراهی می‌کنند.

«ألم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال

لهم الله موتوا ثم احيهم»<sup>۲</sup>

«آیا از (حال) کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج

شدند و هزاران تن بودند خبر نیافتید؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن

به مرگ بسپارید» آن گاه آنان را زنده ساخت»

در تفسیر این آیه امام باقر علیه السلام فرموده است:

۱ کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بند ۵-۱.

۲ بقره، ۲۴۳.

«بی تردید آن ها اهل یکی از شهر های شام و هفتاد هزار خانوار بوده اند ... خداوند به آن ها امر فرمود: بمیرید، همه در یک ساعت مردند و کم کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در یک محلی جمع کردند، یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل، از آن جا عبور کرد، این وضع را دید گریست اشکش جاری شد، گفت: پروردگارا! ای کاش این ها را اکنون زنده می کردی (با دعای ایشان) خداوند آن ها را زنده کرد.<sup>۱</sup>

«واذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهرة فاخذتکم الصاعقة و انتم تنظرون ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون»<sup>۲</sup>

«وچون گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هر گز به تو ایمان نخواهیم آورد. - پس در حالی که می نگریستید - صاعقه شما را فرو گرفت. سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، باشد که شکر گذاری کنید.»

### ۵. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام:

در اندیشه های موعود گرایی چه در باورهای مسلمانان و چه در اعتقادات مسیحیان و چه در معارف دینی یهودیان، نقش حضرت عیسی علیه السلام، پررنگ و قابل توجه است و همه با یک صدا، آهنگ آمدن او را می سرایند، یعنی در اصل باور به این که در واپسین تاریخ بشر که

۱ حر عاملی، محمد، الايقاظ، ص ۱۲۳.

۲ بقره (۲) آیه ۵۵ و ۶۵

جهان در آستانه قیامت قرار دارد، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده و در سعادت بخشی بشر نقش ایفا می‌کند، ولی در جایگاه و مقام حقوقی ایشان میان پیروان ادیان ابراهیمی اختلاف وجود دارد. یک بار اختلاف در میان اهل کتاب و مسلمانان مطرح است که اهل کتاب حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان رهبر و منجی جهانی که هزاره خوشبختی بشر را رقم خواهد زد، می‌دانند ولی مسلمانان ایشان را به عنوان معاون و دستیار حضرت مهدی علیه السلام دانسته و در واقع در امر پیشبرد نهضت جهانی و تشکیل حکومت جهانی به کمک حضرت مهدی علیه السلام خواهد آمد، پس اهل کتاب بر این عقیده اند که امامت و رهبری جهانی شایسته اوست ولی مسلمانان وزارت و معاونت را شایسته حال او می‌دانند.

اما اختلاف در میان اهل کتاب، این است که یهودیان در انتظار عیسی علیه السلام ناصری که برای نخستین بار از آسمان فرود آمده و بنی اسرائیل را به سعادت می‌رساند اعتقاد دارند، ولی مسیحیان در انتظار بازگشت عیسی به مثابه «داور جهان» که برای دومین بار به میان بشر آمده و بشر را به سعادت رهنمون می‌شود اذعان دارند<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه اعتقاد پیروان ادیان ابراهیمی (یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام) پیرامون آمدن حضرت عیسی در پایان تاریخ، دست مایه مناسب و خوبی برای زمینه سازی اتحاد و هم بستگی میان باورمندان به ادیان ابراهیمی است.

۱ رساله به عبرانیان، باب ۹، بند ۲۸.

در این جا لازم است جهت تقویت موضوع یاد شده، برخی از آموزه های ادیان ابراهیمی که درباره حضرت عیسی علیه السلام و فرود آمدن ایشان است اشاره می کنیم:

### ۱-۵. حضرت عیسی علیه السلام در منابع اسلامی:

در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات، مطالب بسیاری پیرامون نزول حضرت عیسی علیه السلام آمده است.

«وقولهم انا قتلنا المسيح عیسی بن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم و ان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به علم الا الاتباع الظن و ما قتلوا یقیناً بل رفعه الله الیه و كان الله عزیزاً حکیماً و ان من اهل الکتب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیمة یكون علیهم شهیداً»<sup>۱</sup>

«و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم» و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علم بدان ندارند جزء آن که از گمان پیروی می کنند و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است. و از اهل کتاب کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان بیاورد و در روز قیامت (عیسی نیز) بر آنان شاهد خواهد بود.»

«وانه لعلم للساعة فلا تمترن بها و اتبعون هذا صراط مستقیم»<sup>۱</sup>  
 «و همانا آن نشانه ای برای (فهم) رستاخیز است پس زنهار در آن  
 تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست.»  
 و در آیات فوق اشاره به نزول حضرت عیسی علیه السلام در عصر ظهور  
 شده است، البته با کمک روایاتی که در مورد نزول حضرت عیسی در  
 منابع روایی آمده است مثلاً در آیه نخست ابتدا قرآن، کشته و مصلوب  
 شدن حضرت عیسی را نفی می کند و بعد ادامه می دهد که ایشان  
 پیش خدا رفته و زنده است و در آیه بعد به ایمان آوردن همه اهل  
 کتاب به ایشان پیش از مرگش خبر می دهد. از این جا است که برخی  
 از مفسران، آن را حمل بر نزول حضرت عیسی در عصر ظهور می کنند  
 مثلاً در تفسیر نمونه چنین آمده است:

«منظور این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح پیش از  
 مرگ او ایمان می آورند. یهودیان او را به نبوت می پذیرند و مسیحیان  
 دست از الوهیت او می کشند و این هنگامی است که مسیح بنابر روایات  
 اسلامی، در موقع ظهور مهدی علیه السلام از آسمان فرود می آید، و پشت سر او  
 نماز می گزارد و یهود و نصارا نیز او را می بینند و به او و مهدی علیه السلام ایمان  
 می آورد»<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده است:

«ان عیسی علیه السلام، قبل یوم القیامه ینزل الی الدنیا فلا یتقی اهل مله،

۱ زخرف، آیه ۶۱.

۲ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰۴.



یهودی ولا غیره الا آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی علیه السلام»<sup>۱</sup>

«به طور مسلم، عیسی علیه السلام پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آیینی از یهود و غیر آن بر روی زمین نمی ماند جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می آورد و او پشت سر مهدی علیه السلام نماز می خواند»

اما آیه اخیر یکی دیگر از ویژگی های حضرت مسیح علیه السلام را بیان می کند و می فرماید: او (عیسی علیه السلام) سبب آگاهی به روز قیامت است.

«یعنی طبق بیان روایات متعدد اسلامی نزول حضرت عیسی علیه السلام در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام دلیل بر نزدیک شدن قیامت می باشد!»<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام فرموده است:

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»<sup>۳</sup>

«چگونه هستید هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام نزول می کند و امامت و رهبری به عهده شماست»

باز فرموده است: «لن تهلك امة انا فی اولها، و عیسی بن مریم فی آخرها و المهدی فی وسطها»<sup>۴</sup>

«امتی که من در آغاز آن، عیسی بن مریم در پایان آن، و مهدی در میان آن است هرگز هلاک نمی شود.»

بعد از آن که ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام و رخداد و نیز بعد از

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

۲ همان، ج ۲۱، ص ۱۰۰.

۳ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

۴ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵.

حرکت لشکریان ایشان از مکه به عراق و از عراق به سرزمین فلسطین و استقرار آن حضرت و سربازان ایشان در منطقه فلسطین در هنگام بر گذاری نماز صبح، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام رخ خواهد داد. یعنی آمدن حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد بود. پس در تفسیر روایت فوق چنین می توان گفت که، برای امت اسلامی نخست بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحقق پیدا کرده و بعد ظهور امام مهدی علیه السلام و پس، نزول حضرت عیسی علیه السلام به وقوع می پیوندد.

## ۲-۵. حضرت عیسی علیه السلام در منابع اهل کتاب:

بی شک اندیشه موعود گرایی در مسیحیت و یهودیت با ظهور حضرت عیسی قابل توجیه است؛ در اصل بر اساس باور داشت اهل کتاب به ظهور حضرت عیسی علیه السلام، اندیشه منجی گرایی در میان اهل کتاب معنا و مفهوم پیدامی کند. از این رو شاید پرداختن به موضوع ظهور حضرت عیسی، در منابع اهل کتاب، توضیح واضحات و از امور باین باشد و - به تعبیر دیگر به نوعی تحصیل حاصل باشد. پس فقط به جهت خالی نبودن عریضه، به برخی از موارد در منابع اهل کتاب اشاره می شود:

در انجیل متی می خوانیم:

«لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر

انسان می آید»<sup>۱</sup>

۱ مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۷، نسقلانی، ابن هیثم، صواتق المحرقه، ص ۱۶۲.

۲ انجیل متی، باب ۲۴ بند های ۴۴-۴۶

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائک مقدس خویش می‌آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند»<sup>۱</sup>  
در کتاب دانیال نبی آمده است:

«در رویایی شبانگاه بدیدم که مانند پسر انسان بر ابرهای آسمان آمده تا بارگه آن دیرینه پیش آمد و به حضور او برده شد. سلطنت و شوکت و ملکوت بدو سپرده شد و جمله قوم‌ها و ملت‌ها و زبان‌ها به خدمتش در آمدند، سلطنتش سلطنت ابدی است که آن را زوال نیست و ملکوتش را ویرانی نخواهد بود»<sup>۲</sup>

## ۶. آینده از آن خوبان و مستضعفان:

در طول تاریخ بشریت، خوبان به جهت خوب بودن در انزوا بوده‌اند گرچه در برخی از موقعیت‌های زمانی به طور نسبی از حالت انزوا خارج شده و در رأس امور قرار گرفته‌اند ولی اگر به طور کلی مقاطع مختلف تاریخ را به طور یک جا محاسبه کنیم، زمان‌های بیشتری در اختیار حاکمان ستمگر بوده است.

به طور طبیعی ستمگران با ستمگریشان جلوی رشد و ترقی انسان‌ها را از لحاظ مادی و معنوی گرفته و استعدادها و قابلیت‌های خداداد بشر را عقیم نموده‌اند، اما تدبیر خدای حکیم علی‌رغم میل ستمگران

۱ انجیل متی، باب ۲۵ بندهای ۳۱-۳۲

۲ تورات، کتاب دانیال نبی، فصل ۷ بند ۱۲

به حاکمیت رساندن صالحان و شکوفاسازی استعداد های بشر از جنبه های مادی و معنوی می باشد. از این رو خداوند تبارک و تعالی به صالحان و مستضعفان وعده داده است که عاقبت تاریخ بشریت در دستان پرتوان خوبان رقم خورده و برای نخستین بار، بشر به زندگی متعالی و ایده آل در طول تاریخ بشریت، به صورت فراگیر و همه جانبه خواهد رسید. و بشر با تجربه شیرین پایان تاریخ خود را رقم خواهد زد.

نوید پیروزی صالحان و مستضعفان و خوش فرجامی تاریخ بشر، در منابع دینی ادیان ابراهیمی به وفور یافت می شود؛ یعنی همه آموزه های موعود گرایی در منابع دینی، به نحوی به خوش فرجامی تاریخ و حاکمیت و پیروزی خوبان نوید داده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

در قرآن کریم، کتاب مقدس و آسمانی مسلمانان چنین آمده است:  
 «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم»<sup>۱</sup>

«خدا کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد.»

«ونرید امن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم الائمه

ونجعلهم الوارثین»<sup>۱</sup>

«خواستیم به کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهمیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم  
«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي  
الصالحون»<sup>۲</sup>

«و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»  
در زبور داوود که تحت عنوان «مزامیر» و لابلای «عهد عتیق» آمده، نوید هایی درباره ظهور منجی و حاکمیت صالحان داده شده است.

گفتنی است مطالبی که در آیه اخیر آمده در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است:  
«زیرا که شیران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد هان بعد از اندک زمانی شیر نخواستند بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حکیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شیر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهد بود تا ابد الابد»<sup>۳</sup>

۱ قصص، آیه ۵.

۲ انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳ تورات، کتاب مزامیر، مذکور ۳۷ بند های ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸

در انجیل متی آمده است:

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائک مقدس خویش می‌آید آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند... آن گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیا برای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آمده است به میراث گیرید.»<sup>۱</sup>

## ۷. گسترش عدالت:

«اللهم وصل علی ولی امرک القائم المؤمل، و العدل المنتظر!»<sup>۲</sup>

«خداوندا درود فرست بر ولی امر خودت، آن قیام کننده ای که مایه امید است و عدالت گستری که همه مردم در انتظارش هستند»  
عدالت، برابری و مساوات واژگانی اند که برای بشر دوست داشتنی هستند، محبت انسان به عدالت و مفاهیم هم سو با آن، بر اساس فرمان فطرت می‌باشد. به تعبیر دیگر، مقوله عدالت برخواسته از فطرت و جزو امور فطری به شمار می‌آید.

نهضت جهانی منجی دارای تنوع در اهداف است. برخی از اهداف منجی اهداف میانه و کوتاه مدت بوده و برخی دیگر، اهداف نهایی و دراز مدت می‌باشد. رسیدن انسان به جایگاه انسانیت و مقام والای عبودیت، از جمله اهداف اصلی و نهایی نهضت جهانی منجی است.

۱ کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۲۵ بند های ۳۱-۳۴

۲ ابن طاوس، اقبال العمال، ص ۱۲۴، مفاتیح الجناح، اعمال شبهای ماه رمضان، دعای افتتاح

«و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»<sup>۱</sup>

اما عدالت و گسترش آن در پهنای کره زمین که جزو اهداف میانه و فرعی قیام جهانی منجی می‌باشد، خود در حقیقت مقدمه و زمینه ای است جهت نیل به اهداف حقیقی که همان انسانیت و عبودیت می‌باشد.

در باورداشت منجی باوران، ظهور منجی یعنی ظهور خوبی‌ها، ظهور معنویات، ظهور عدالت و مساوات و در یک کلام ظهور انسانیت و عبودیت انسان، همه منجی باوران در منظومه باورهای خود شاخصه‌های بالارامد نظر داشته و نسبت به آن‌ها اذعان و اعتقاد دارند.

مقوله عدالت با دو رویکرد عام و خاص قابل توجیه است، با رویکرد خاص، جزو اهداف میانه و فرعی نهضت جهانی بوده و به نوعی بستر و زمینه برای اهداف عالی قلمداد می‌شود؛ اما با رویکرد عام، قلمرو عدالت فراگیر و همه جانبه بوده و عدالت بر اساس روابط چهار گانه انسان با غیر خودش تنظیم می‌شود، نظیر رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با انسان دیگر، رابطه انسان با نفس خود، و رابطه انسان با طبیعت، با این نگاه مقوله عدالت جزو اهداف عالی قیام جهانی منجی بوده و ثمره تنظیم روابط چهار گانه، بر اساس عدالت، بروز معنویات، انسانیت و عبودیت انسان در جامعه است.

پس اگر عدالت را به معنای عدالت اجتماعی بدانیم، چنین عدالتی جزو اهداف فرعی و میانه منجی بوده و زمینه رسیدن به اهداف بالاتر می‌باشد.

ولی اگر عدالت را به معنای عدالت فراگیر و همه جانبه فرض کنیم، مقولاتی چون عبودیت، انسانیت و معنویت که اهداف عالیہ قیام منجی است از آن برمی خیزد.

در منابع روایی پیرامون گسترش عدالت و معنویت در دوران حکومت جهانی مهدی، روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او نقل شده است که به جهت فراوانی و کثرت آنها برخی از علما- و صاحب نظران، در مورد عدالت مهدی علیه السلام ادعای اجماع نموده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«یفرج الله بالمهدی عن الامة، یملا قلوب العباد عبادة ویسعهم عدله به یمحق الله الکذب ویذهب الزمان الکلب ویخرج ذل الرق من اعناقکم»<sup>۱</sup>

«خداوند به وسیله مهدی علیه السلام از امت رفع گرفتاری می کند دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه جا را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او حيله گری را از بین می برد، روح درندگی و ستیزه جویی را نابود می سازد، حقارت و ذلت را از شما بر می دارد. امام صادق علیه السلام در روایتی، فراگیری و گسترش عدالت مهدوی را تشبیه به گرما و سرما کرده است، یعنی چطور گرما و سرما به آسانی وارد منازل مردم می شود و در صورت گرم شدن با سرد شدن هوا، همه نقاط شهر اعم از مکان عمومی و خصوصی از آن دو متاثر می شود، عدالت مهدوی نیز به مثابه گرما و سرما، بدون ممنوعیت و محدودیت همه مکان، اعم از مکان های عمومی و خصوصی را در نور دیده و همه



مردم از گسترش آن سود خواهند برد .

«اما و الله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم كما یدخل الحر و

القر» ۱

«به خدا قسم که عدالت خود را در درون خانه های مردم وارد می کند

همان گونه که سرما و گرما داخل می شود.»

در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«فاذا خرج اشرفت الارض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس، فلا

یظلم احد احدا» ۲

«آن گاه که خروج کند، زمین به نورش منور می شود و ترازوی

عدل را در بین مردم می نهند پس هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند»

در کتاب زبور پیرامون عدالت منجی می خوانیم:

«ای خدا، شرع و احکام خود را به «ملک» و عدالت خود را به

«ملک زاده» اعطا فرما تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به

انصاف حکم نماید.» ۳

در کتاب «اشعیا نبی» آمده است:

«... بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت

مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت

خواهد بود و کمر بند میانش امامت» ۴

۱ نعمانی، محمد، کتاب الغیة، ص ۳۰۷.

۲ صدوق، کمال الدین، ص ۳۷۲.

۳ تورات کتاب زبور، مزامیر ۹۶، بندهای ۱۰-۱۳.

۴ تورات کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱ بند ها ۱-۵.

## فصل دوم: هم‌گرایی مسلمانان در باورداشت مهدویت

### ۱. نظریه ابن خلدون و هم‌گرایی:

قبل از ورود به بحث، لازم است نظریه ابن خلدون که مدعی است «اندیشه مهدویت با نظریه هم‌گرایی همخوانی ندارد» مورد کنکاش و امعان نظر قرار گیرد.

ابن خلدون در کتاب خود فصلی را تحت عنوان «فاطمی منتظر» باز کرده و نظریه خود را پیرامون مهدویت مطرح کرده و گفته است: «بدان! مشهور میان تمامی اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده که می‌باید در آخر الزمان مردی از اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کند که دین را یاری نموده، عدل را ظاهر می‌نماید... در این باره به روایاتی احتجاج می‌شود که پیشوایان گفته‌اند، اما منکران نیز در این باره سخن رانده‌اند و چه بسا به اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده‌اند»<sup>۱</sup>

پرسش‌ها و اشکالاتی که از کلام ابن خلدون متصور است به طور کلی در دو قسم قابل پی‌گیری می‌باشد:

۱. ضعف روایات مهدوی و عدم شایستگی برای این که مبنای اعتقادات مسلمانان قرار گیرد.

۲. عدم همخوانی باور به مهدی منتظر، با نظریه ای که ابن خلدون برای چگونگی پیدایش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد که بر عصبیت و هم‌گرایی استوار است.

۱ ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۲۴۵.

اما در قسمت نخست اشکال، ابن خلدون بعد از طرح مطالبی پیرامون مهدویت به اسناد روایات مهدویت که تعداد آن ها را بیست و سه مورد بر شمرده، می پردازد و بر اساس قاعده تقدم جرح بر تعدیل، همه آن ها را به غیر از چهار روایت رد می کند.

### برای پاسخ به اشکال نخست مواردی چند قابل ذکر است:

**عملکرد دوگانه:** ابن خلدون به ظاهر برای تحقیق و بررسی اخبار و شناخت روایات صحیح و ضعیف، از آگاهی کافی برخوردار نیست، زیرا به قواعد رجالی که فقیهان و محدثان به کار می گیرند توجه ندارند. از این روی درباره روایات، به شیوه ای قضاوت کرده که پیشتر هیچ یک از پژوهشگران روایی آن را انجام نداده اند. گذشته از این که راه های شناخته شده و ضوابطی که مورخان رعایت کرده اند (و ابن خلدون هم جزء آنان به شمار می آید) را در نظر نگرفته است. افزون بر این، خود، ملتزم فراگیر بودن قاعده ای (تقدم جرح بر تعدیل در اسناد روایات) که برای پیرایش و تنقیح روایات گفته، نیست! روشن ترین دلیل آن است که ایشان برای اثبات نظریه (نیاز حکومت به همگرایی عصبیت) خود روایت «ما بعث الله نبیاً الا فی منعه من قومه» را صحیح می داند، در حالی که بنابر قاعده خود ساخته ابن خلدون، روایت فوق ضعیف می باشد و باید رد شود.

**عدم ذکر تمامی احادیث:** پس از بیان اخبار مهدویت، ابن خلدون خواننده را به این اشتباه می اندازد که آن چه آورده، تمام یا بیشتر روایاتی است که راویان گفته اند! وی می گوید: «همه روایات را

در حد توان گردآوری کردیم»<sup>۱</sup>

اما وی به جز بیست و هشت روش، برای بیست و سه روایت نیاورده است. همچنین روایاتی که در کتاب‌ها آمده و مورد تاکید ابن خلدون است و در آن‌ها از نام مهدی یا از عصر ظهور سخن گفته شده، بیش از پانصد روایت با سند‌های گوناگون است.

**وجود روایات صحیح:** ابن خلدون در پایان ذکر اخبار، اعتراف می‌کند که بنا بر مبنای خودش، برخی از روایات صحیح است: (این روایات چنان که دیدیم خالی از نقد نیست، مگر شمار اندکی).<sup>۲</sup> حتی با در نظر گرفتن قاعده‌ای که وی برای صحت روایات بر آن اعتماد دارد، یعنی تقدم جرح بر تعديل، همین میزان سندهای صحیح کافی است که این اخبار را از شمار آحاد بیرون آورده و آن‌ها را به حد تواتر برساند.<sup>۳</sup>

**دو اشکال به کلام ابن خلدون:**

### الف) اشکال نقضی:

قاعده‌ای که وی برای پژوهش و ارزیابی روایات بدان معتقد است و می‌گوید: که جرح بر تعديل مقدم است به رد بسیاری از روایات

۱ ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۲۴۶.

۲ ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون ج ۱ فصل ۵۲ ص ۲۴۶

۳ العمیدی، سامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۹ ص ۲۳

صحیح مسلم و بخاری خواهد انجامید، اما ابن خلدون این کار را خوش ندارد. از این رو کوشیده است که این چالش را چنین حل کند و بگوید: (روایات هر دو صحیح؛ اجماعی بوده، همین برای جبران ضعف سند برای احادیث بخاری و مسلم کافی است).<sup>۱</sup>

### ب) اشکال مبنایی:

اما اگر مقصود وی آن است که هر چه اجماع مسلمانان باشد، مصون از اشتباه است؛ این امر به طور گسترده در باور مهدویت و به طور ویژه در برخی روایات مربوط به مهدی وجود دارد؛ زیرا بسیاری از بزرگان و علمای اسلامی متواتر بودن اخبار مهدی علیه السلام را ادعا کرده اند. حتی برخی ادعا دارند تمامی مسلمانان معتقدند که این باور برخوردار از اجماع است. شاید آن چه ابن خلدون در آغاز سخنش درباره مهدی فاطمی می گوید؛ (مشهور میان تمامی اهل اسلام در طی اعصار گذشته ... اشاره به این اجماع باشد. بنابراین هیچ تفاوتی میان اخبار صحیح بخاری و مسلم با اخبار مهدی علیه السلام از جهت اجماع وجود ندارد. اما اگر هدف ابن خلدون این باشد که باور به مهدی و روایاتی که در این باره است از اجماع برخوردار نمی باشند، گفته می شود سخنان وی بر خلاف سخنان عالمانی است که در این باره مطلب نوشته اند. اینان از کسانی که در مورد اندیشه مهدویت ادعای اجماع کرده اند، یا کسانی

۱ ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، ص ۲۴۵

که مدعی اند روایات مهدویت متواتر است را نام برده اند<sup>۱</sup> :  
 نظیر شیخ عبدالحق در لمعات ، صبان در اسعاف الراغبین<sup>۲</sup> ، شبلنجی  
 در نور الابصار<sup>۳</sup> ، ابن حجر در صواعق<sup>۴</sup> ، زینی دحلان در فتوحات الاسلامیه<sup>۵</sup> ،  
 برزنجی در اشاعة<sup>۶</sup> ، سویدی در سبائك الذهب<sup>۷</sup> ، منصور علی ناصف در  
 غاية المامول<sup>۸</sup> ، حافظ در فتح الباری<sup>۹</sup> ، گنجی شافعی در البیان<sup>۱۰</sup> و ... که  
 حکایت از اهتمام اعتقاد به مهدویت و متواتر بودن آن نزد اهل سنت  
 دارد .

بی شک بر حدیث شناسان روشن است زمانی که نسبت به  
 موضوعی ادعای تواتر شود دیگر لازم نیست به بحث سندی و رجالی

۱ المقدم ، محمد احمد اسماعیل ، المهدي و فقه اشراط الساعة ، ص ۱۳۰ .

۲ اسعاف الراغبین ، ص ۱۴۰ .

۳ نور الابصار ، ص ۱۵۵ .

۴ الصواعق ، ص ۹۹ .

۵ فتوحات الاسلامیه ، ج ۲ ، ص ۲۱۱ .

۶ الاشاعة ، ص ۲۴۱ .

۷ سبائك الذهب ، ص ۷۸ .

۸ غاية المامول ، ج ۵ ، ص ۳۶۲ .

۹ فتح الباری ، ج ۵ ، ص ۳۸۲ .

۱۰ گنجی الشافعی ، باب ۱۱ ، ص ۲۳۲ .

آن موضوع پرداخته شود. از این رو اگر پیرامون روایات مهدویت از سوی علمای اهل سنت و شیعه، ادعای تواتر شود. پس قطعیت و یقین آور بودن مهدویت به اثبات رسیده و دیگر لازم نیست روایات اثبات‌گر مهدویت را از لحاظ سندی مورد خدشه قرار دهیم.

اما اشکال دوم (عدم هم خوانی اندیشه مهدویت با نظریه هم‌گرایی) و پاسخ آن:

ابن خلدون نظریه هم‌گرایی را پایه و اساس شکل‌گیری حکومت‌ها و تداوم آن‌ها می‌داند. نظریه هم‌گرایی ایشان همان عصبیت است که خاستگاه نژادی و قومی دارد.

ایشان پس از بیان این مطالب، اشاره می‌کند که اندیشه و باور به مهدی عج با نظریه ای که پیشتر ارائه کرده، هم خوانی ندارد، وی هنگامی که از آبادی‌های نخستین و دولت‌ها و ملک و خلافت‌های فراگیر سخن گفته، بدین باور رسیده است که پیدایش دولت‌ها بر اساس نظریه عصبیت (هم‌گرایی قومی) است:

«سخن و باور درستی که می‌بایست آن را بپذیری، این است که فراخوانی دینی یا حکومتی ممکن نیست مگر آن که توان و قدرت همگرایی وجود داشته باشد. تا دین یا حکومت بتواند موفق گردد و دیگران قادر باشند از آن دفاع کنند، تا خواست خداوند در این باره اجرا شود پیشتر با دلایل قطعی که به تو نشان دادیم، چنین نظریه ای را استوار کردیم»<sup>۱</sup>

۱ ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، ص ۱۲۸.

سپس نظریه خود ساخته خود را با مساله مهدویت تطبیق داده و تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی را بعید می شمارد: «عصبیت و هم‌گرایی قومی فاطمیون (بلکه تمامی قریش) در آخرالزمان و در عصر ظهور در تمامی سرزمین ها از بین رفته است و امت های دیگری وجود دارند که هم‌گرایی آنان برتر از هم‌گرایی قومی قریش است ، حتی اگر بپذیریم در حجاز (مکه ، یمن و مدینه) هنوز مدعیان از قریش باشند ... اگر ظهور مهدی درست باشد ، دلیلی وجود ندارد که بتوان دعوت کند ، مگر به واسطه هم‌گرایی و عصبیت قریش تا بدین وسیله خداوند دل‌هایشان را به هم پیوند زده ، از مهدی پیروی کنند تا وی بتواند شوکت و قدرت لازم را به دست آورد . اما در غیر این صورت به دلایل درستی که برشمردیم ... چنین کاری غیر ممکن است.»<sup>۱</sup>

برای این که مقصود از به کارگیری نظریه عصبیت ، جهت رد اندیشه مهدویت روشن شود باید اصل نظریه ابن خلدون بیان گردد .

### تعریف عصبیت:

عصبیت رابطه‌ای اجتماعی \_ روحی است که آگاهانه یا نا آگاهانه افراد معینی را به هم ربط می دهد و بر نزدیکی مادی و معنوی استوار است . این ارتباط ، مستمر است و هر گاه خطری پیش آید که افراد را به گونه ای شخصی یا گروهی تهدید کند ، هم بستگی آشکار شود و پیوند محکم تر گردد.<sup>۲</sup>

۱ ابن خلدون ، عبد الرحمن ، تاریخ ابن خلدون ، ص ۱۲۸ .

۲ الجابری ، محمد عابد ، فکر ابن خلدون العصبیه والدولة ، ص ۲۴۵ .



### گسترش محدوده عصیّت:

«در آغاز، همگرایی میان افراد قبیله ای به وجود می آید که دارای نسبت واحدی هستند اما گاهی این محدوده تنگ، گسترش می یابد و نسبت‌هایی همچون دوستی و هم‌پیمانی با قبایل دیگر را در بر می‌گیرد که ارتباط نسبی با هم ندارند. بدین سبب، قبیله‌ها بیشتر برای دفع این خطرها، دست به هم‌بستگی می‌زنند و پیمان دوستی می‌بندند.»<sup>۱</sup>

### نقد و بررسی:

شایان ذکر است که همگرایی قومی و نژادی همیشه دارای عملکرد مثبت جهت تشکیل حکومت و دوام آن نیست، بلکه گاهی بر عکس می‌شود. یعنی همگرایی قومی عامل منفی جهت انقراض یا پای نگرفتن یک حکومت می‌گردد، جهت اثبات این مساله می‌توان به شواهد تاریخی و زندگی انبیای الهی پرداخت که از ناحیه ملیت و زندگی قوم خود به شدت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

در این باره شاهدیم، نخستین کسانی که در پی شکست رسول خدا ﷺ آمدند، خویشان و عموزادگان پیامبر بودند، اما پیامبر به وسیله انصار بر آنان پیروز شد که پیشتر هیچ ارتباط و دوستی با رسول خدا ﷺ نداشتند، حتی در آغاز کار، ارتباط سببی نیز وجود نداشت.<sup>۲</sup> همچنین قرآن از دیگر پیامبران با ما سخن می‌گوید که بدترین انواع

۱ الجابری، محمد عابد، فکر ابن خالدون العصبیه والدولة ص ۱۱۲

۲ شمس الدین، زین الدین، شهادت مهدوی دوران ما، ص ۴۰.

اذیت و آزار از نزدیکان و خواص خود دیدند.  
 «و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبر ﷺ او را نافرمانی نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند.»<sup>۱</sup>

مثلا در مورد اذیت و آزار رسول خدا توسط عمویش ابولهب در سنن بیهقی چنین نقل شده است:

«طارق بن عبدالله محاربی می گوید: روزی در محل کسب و کار بودم که دیدم رسول خدا ﷺ از بازار ذی حجاز می گذشت و لباسی سرخ بر تن داشت ، شنیدم فرمود: ای مردم بگویید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید ، اما مردی در پی ایشان بود که به طرف رسول خدا سنگ پرت می کرد . در نتیجه پاهای رسول خدا خونین شده بود و می گفت: ای مردم ! از سخن این شخص پیروی نکنید زیرا دروغ گو است ! پرسیدم: وی کیست که با سنگ بدو می زند ؟ گفتند: عمویش عبدالغزی ابولهب فرزند عبدالمطلب است»<sup>۲</sup>

امام مهدی ﷺ نیز هنگام ظهور از ناحیه نژاد و قوم خود قریش و اعراب، مورد بی مهری قرار گرفته و به خاطر همین، حضرت با آنان به شدت برخورد می کند ؛

امام صادق ﷺ فرموده است:

«اذا خرج القائم لم یکن بینه و بین العرب و قریش الا السیف ، ما

۱ هود، آیه ۵۹-۶۰.

۲ بیهقی ، السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۰۲۱.

یاخذ منها الا السیف»<sup>۱</sup>

«هر گاه قائم قیام نمود بین او و اعراب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی گیرد.»  
باز حضرت فرموده اند:

«کیف اتم لو ضرب اصحاب القائم الفساطیط فی مسجد الکوفه ثم یخرج الیهم المثل المستانف امر جدید علی العرب شدید»<sup>۲</sup>

«حال شما چگونه است زمانی که یاران مهدی علیه السلام خیمه ها را در مسجد کوفه به پا کنند و سپس امام مهدی برای مردم برنامه ای نو بر اساس امری جدید ارائه دهد و برای اعراب سختگیر می باشد.»  
بنابراین نظریه ابن خلدون در هم‌گرایی عصبیت، نظریه جامع و کاملی نیست و نمی‌توان با آن نظریه، یک قاعده کلی درست کرد و در صورت فقدان آن، شکل‌گیری انقلاب و نهضت‌ها و استواری و تداوم آن‌ها نیز از بین می‌رود.

### ارتباط نظریه هم‌گرایی با انکار مهدویت:

«چنان که پیشتر گفتیم ابن خلدون با یاری جستن از نظریه ای که برای پیدایش دولت‌ها گفته است در پی انکار مهدویت و نقش آن در هم‌گرایی است و اعتقاد دارد باورداشت مهدویت، با نظریه او «که محکم است و بادلیل و برهان ثابت شده» همخوانی ندارد. زیرا این

۱ نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ص ۲۴۴ ج ۲۱

۲ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۵ ج ۱۴۲

نظریه ثابت می کند که هیچ جنبش یا انقلابی نمی تواند پیروز شود مگر این که دارای همان هم‌گرایی باشد، هم‌گرایی که عامل بشری را برای انقلاب فراهم می آورد. زیرا مهمترین عامل در تقویت هم‌گرایی حسب و نسب است. پیوند نسبی «چنان که در توضیح نظریه گفتیم» اساس هم‌گرایی است. از این رو هم‌گرایی، نیازمند منتسبان به حسب و نسب واحدی است که آماده از جان گذشتگی در راهی می باشند که رهبر قبیله ایشان به آن فرمان می دهد، اگر چنین وضعی را بر مهدی فاطمی تطبیق دهیم، در خواهیم یافت که هاشمیان و علویان «یعنی گروه فاطمیان که مهدی می تواند در قیامش به ایشان امید داشته باشد» قدرتشان از بین رفته و گروه شان از هم پاشیده است و منقرض شده اند. دیگر کسی از آنها در یک جا و یک عقیده باقی نمانده، مگر اندکی که برای جنبش و انقلاب به کار نمی آیند و نمی توانند گروهی توانمند را تشکیل دهند که مهدی بتواند برای قیام خویش به ایشان امیدوار باشد چه رسد به این که بخواهد دولتی جهان گیر به دور از آفتی هم چون ستم و فساد ایجاد کند»<sup>۱</sup>.

در پاسخ به اشکال ابن خلدون مطالب را چنین پی می گیریم:

گر چه ابن خلدون به میزان تاثیر دعوت دینی برای بنیان دولت‌ها، و کارایی ندای دینی اشاره می کند و فصل ویژه ای به این امر اختصاص داده و توضیح می دهد که: عامل دینی، بر توان و قدرت دولت می افزاید (همان گونه که هم‌گرایی قومی تاثیر گذار است) در

۱ شمس الدین زین العابدین، شبهات مهدوی دوران ما، ص ۲۶

این مورد به دست آوردهای فتوحات اسلامی اشاره می‌کند. شمار پیکارگران مسلمان در جنگ یرموک، سی هزار و اندی بود در حالی که جنگ جویان رومی، چهارصد هزار نفر بودند و نیز در جنگ قادسیه، سپاهیان ایرانی حدود صد و پنجاه هزار نفر بودند ولی مسلمانان سی هزار نفر بودند که این همه قدرت به خاطر هم‌گرایی دینی حاصل شده بود. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود و به نوعی با نظریه هم‌گرایی عصبیت ابن خلدون هماهنگ است و از این طریق به نفی حکومت جهانی مهدویت می‌پردازد، مستقل نبودن دین و آموزه‌های دین در ایجاد اتحاد و وحدت است؛ به عبارتی دیگر از نظر ابن خلدون، هم‌گرایی از منظر عصبیت (هم‌گرایی قومی، نژادی) دارای تاثیر مستقل است ولی دین و آموزه‌های آن نظیر اندیشه مهدویت به طور مستقل نمی‌تواند هم‌گرایی ایجاد کند بلکه در کنار عصبیت دارای تاثیر می‌باشند. از این رو ابن خلدون در کتاب خویش فصلی را تحت عنوان «فی ان الدعوة الدینیة من غیر عصبیة لاتتم»<sup>۱</sup> به این امر اختصاص داده و مهدویت را بدون عصبیت در ایجاد وحدت ناتوان قلمداد می‌کند.

پس در نتیجه، نظریه و دلیل ابن خلدون را چنین می‌توان بیان کرد: هر نهضت و قیامی، زمانی به پیروزی و هدف می‌رسد که عواملی بیرونی نظیر «عصبیت»، «دین» و «هم‌پیمانی» و ... آن را پشتیبانی می‌نماید، برخی از عوامل یاد شده نقش استقلالی دارند نظیر

۱ ابن خلدون، عبد الرحمان، تاریخ ابن خلدون

«عصبیت» و برخی دیگر نقش تکمیلی دارند نظیر «دین» ، یعنی «عصبیت» به تنهایی توان هم‌گرایی میان بنی آدم را دارد اما مقوله «دین» به تنهایی نمی تواند هم‌گرایی ایجاد نماید بلکه در کنار «عصبیت» دارای تاثیر هم‌گرایی است .

بر این اساس وقتی که نژاد و قومیت امام مهدی علیه السلام که همان قریش ، فاطمیون و علویان هستند ، دارای جمعیت قابل توجهی نباشند ، بی تردید یکی از عوامل مهم هم‌گرایی در مهدویت از میان رفته ، اما عامل دیگر نظیر «دین» که نقش تبعی و تکمیلی را دارد نمی توان در نهضت و قیام امام مهدی علیه السلام نقش هم‌گرایی را ایفا نماید ، پس می توان چنین نتیجه گرفت که نهضت امام مهدی جهت استیلاء بر جهان و تشکیل حکومت جهانی ، غیر ممکن و بدور از منطق می باشد.

در پاسخ گفته می شود:

چنان که گفته شد ، تاریخ صدر اسلام نمونه بارزی است برای رد نظریه عصبیت ابن خلدون ، زیرا هم‌گرایی که در میان مردم صدر اسلام بود و سبب تقویت و تعمیق اسلام پویا و تازه تاسیس گردید از ناحیه انصار که از قومیت و نژاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبودند حاصل شد ، و اسلام در مدت زمان کوتاهی ، در گستره و قلمرو وسیعی ، گسترش پیدا کرد و قریش و قومیت رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها حمایت و همراهی نکردند بلکه در مقابل، با کار شکنی و توطئه ، در صدد امحای دین اسلام نیز بر آمدند و باز در فرآیند تاریخ اسلام، پیروزی های فراوان لشگریان اسلام با قومیت و موقعیت مختلف جغرافیایی در کنار هم جمع شده بودند ، و با جان فشانی تمام به دفاع از اسلام و کیان

اسلامی می پرداختند و با عده و عده قلیل بر عده و عده کثیر پیروز می شدند، همه حکایات از کارآمدی دین و آموزه های دینی در ایجاد همگرایی و اتحاد در جامعه اسلامی دارد، پس نمی توان نظریه ابن خلدون را پیرامون همگرایی (که عصبیت که به صورت مستقل تاثیر گذار بوده و نیز نقش دین «در همگرایی» به صورت غیر مستقل بلکه با «عصبیت» تاثیر گذار می باشد) پذیرفت.

## ۲. جایگاه مهدویت و نقش آن:

گروه های مختلف اسلامی، در اصل اعتقاد و باور به مهدویت، اتفاق نظر و هماهنگی دارند. اندیشه مهدویت، اندیشه ای فراگیر و فرا مذهبی است و همه گروه های اسلامی بدان اعتقاد قلبی دارند. از این رو دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه انکار امام مهدی عج و ظهور او را کفر و خروج از دین اسلام تلقی می نمایند. پیامبر اکرم ص فرموده است: «من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی»،<sup>۱</sup> «هر کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند در واقع مرا انکار کرده است.» باز فرموده است: «من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبه مات میتة جاهلیة»<sup>۲</sup> «هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.» همچنین در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم ص فرموده اند:

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۷۳، ج ۲۰

۲ همان، ج ۲۱، ص ۲

«من کذب بالمهدی فقد کفر»<sup>۱</sup> «هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است»  
باز فرموده است:

«من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد ﷺ»<sup>۲</sup> «هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کفر ورزیده است»

روایات ذکر شده و امثال آنها در منابع روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده که همه آن ها حکایت از اهمیت اندیشه مهدویت از منظر مسلمانان دارد.

### متواتر بودن روایات مهدویت:

هم چنین مهم بودن اندیشه مهدویت نزد اهل سنت و شیعه را می توان از ادعای تواتری که از ناحیه علمای اسلامی شده برداشت کرد. این مهم در منابع مهم اسلامی آمده است.

به عنوان مثال، حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی در کتاب البیان گفته است:

«تواترت الاخبار و استفاضت، بکثرة روايتها عن المصطفى فی امر المهدی»<sup>۳</sup>

۱ المبار الکفوری، تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۴۰۲.

۲ قندوزی، ینایع المودة ج ۳، ص ۲۹۵، باب ۷۸، ج ۱، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۳۴.

۳ گنجی شافعی، حافظ ابو عبدالله، البیان.



« احادیث پیامبر اکرم ﷺ پیرامون حضرت مهدی عج به دلیل  
 راویان بسیاری که دارد به حد تواتر رسیده است. »  
 ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح باری» که در شرح «صحیح  
 بخاری» نوشته است:  
 «تواتر الاخبار بان المهدی من هذه الامة ان عیسی ینزل و یصلی  
 خلفه»<sup>۱</sup>

«اخبار متواتر رسیده که مهدی از این امت است و عیسی از  
 آسمان می آید و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند. »  
 ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید: «اتفاق تمام فرقه  
 های مسلمین است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی شود مگر با  
 مهدی موعود»<sup>۲</sup>

در «اسعاف الراغبین» آمده است: «همانا اخبار متواتری از پیامبر  
 اکرم ﷺ رسیده است که مهدی قیام می کند و او از اهل بیت پیامبر  
 است و زمین را پر از عدل و داد می کند.»<sup>۳</sup>

علامه برزنجی در کتاب «الاشاعه لاشراط الساعة» می نویسد:

«روایاتی که در آن ها از ظهور مهدی عج نام برده شده زیاد و در  
 حدتواتر است، برخی از آن ها صحیح، برخی دیگر حسن و برخی ضعیف  
 می باشد و این نکته و این دسته، بیشترین می باشد و لکن به خاطر

۱ عسقلانی، ابن حجر «فتح الباری»

۲ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۶.

۳ الصبان، محمد، اسعاف الراغبین، باب ۲ ص ۱۳۸.

کثرت راویان آن ها ، دسته ضعیف به وسیله دسته قوی تقویت و موجب قطع می باشد و آن چه قطعی است این است که ظهور او مسلم است و از اولاد فاطمه و پرکننده زمین از عدل می باشد.<sup>۱</sup>  
 شیخ علی ناصف می نویسد:

«مشهور میان علمای گذشته و حال این است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام می کند و مسلمانان از او پیروی کرده و دین را یاری می کند ، دجال ظاهر می شود و عیسی نازل می گردد و با مهدی یا او به تنهایی دجال را می کشند و بزرگان صحابه و اکابر محدثین نظیر ابی داوود ترمزی ، ابن ماجه ، طبرانی ، ابی یعلی ، بزار ، امام احمد و حاکم ، روایات مهمی را نقل کرده اند و کسانی چون ابن خلدون که همه روایات مهدی را تضعیف می کنند اشتباه کرده اند.<sup>۲</sup>  
 اما اثبات تواتر از منظر شیعه از روشنی خاصی برخوردار است ، زیرا جایگاه مهدویت از منظر شیعیان به قدری مهم و قطعی است که حتی برخی از افراد مغرض و دارای نیت سوء ، خاستگاه مهدویت را مذهب تشیع دانسته و رواج و شیوع مهدویت در میان اهل سنت را از سوی علمای شیعه تلقی نموده اند ، از این رو مسلم بودن و متواتر بودن باورداشت مهدویت میان شیعیان به قدری روشن است که نیاز به ارائه دلیل و برهان نیست .

**مرکز رابطه العالم الاسلامی وهابی ها و پاسخ به پرسش مهدوی:**

جهت اثبات جایگاه مهدویت و اعتقادی بودن آن از منظر اهل

۱ البرزنجی ، محمد الاشاعه لاشراط الساعة ، ص ۸۷ .

۲ ناصف ، علی ، غایة المامول ، ج ۵ ، ص ۳۸۲ .

سنت ، به پاسخی که از ناحیه رابطه العالم الاسلامی ، مرکز مهم دینی وهابی ها ، به پرسش یک نفر مسلمان سنی از اهالی کنیا پیرامون «جایگاه مهدی منتظر ، زمان ظهور، مکانی که حضرت ظهور می فرماید و مسائل دیگر مهدویت» داده شده اشاره می شود:

مهدی ، محمد بن عبدالله حسنی ، علوی و فاطمی است و او مهدی عج موعود منتظر است هنگام ظهور وی در آخرالزمان است و ظهورش از نشانه های قیامت می باشد از غرب ظاهر می شود و در حجاز در مکه مکرمه بین «رکن» و «مقام» با آن حضرت بیعت می نمایند. هنگامی که کفر ، ستم و فساد ، عالم را فرا گرفته باشد ، او ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند ، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان در برابر او سر تعظیم فرود خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد ، یا به میل و دلخواه یا با نبرد .

او تمام روی زمین را مالک خواهد شد و حضرت عیسی عج بعد از ظهور او ، از آسمان فرود می آید و «دجال» را می کشد و یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر دروازه «لد» در سرزمین فلسطین ، یاری می دهد .

مهدی آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آن ها خبر داده است و در منابع اهل سنت آمده است .

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از «صحابه» از شخص پیامبر اکرم ص نقل کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

عثمان بن عفان ، علی ابن ابی طالب ، طلحه بن عبید الله ، عبد

الرحمان بن عوف ، عبد الله بن عباس ، عمار یاسر ، عبدالله بن مسعود ، ابوسعید خدری ، ثوبان ، قره بن اساس مزنی ، عبدالله بن حارث ، ابو هریره ، حذیفه بن یمان جابر بن عبدالله ، ابو امامه ، جابر بن ماجد ، عبدالله بن عمر ، انس بن مالک ، عمر بن حصین و ام سلمه .

این بیست نفر از کسانی هستند که روایات مربوط به مهدی را نقل کرده اند و غیر از اینها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند . سخنان فراوانی نیز از خود «صحابه» نقل شده است که در آنها به ظهور حضرت مهدی تصریح گردیده است و آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر ﷺ قرار داد ، زیرا مساله ظهور مهدی ﷺ از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی ﷺ منتظر از شخص رسول اکرم ﷺ نقل شده و آن چه را که صحابه پیامبر ﷺ با اعتماد به گفته رسول خدا ﷺ بیان کرده اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است) در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم ﷺ اعم از سنن ، معجم ها و مسند ها آمده است که از جمله آنها: سنن ابو داوود ، سنن ترمذی ، سنن ابن ماجه ، سنن ابی عمر الدانی ، مسند احمد ، ابن یعلی و بزاز ، صحیح حاکم ، معاجم طبرانی ، رویانی ، دارقطنی و ابو نعیم در کتاب «اخبار المهدی» و خطیب در «تاریخ بغداد» و ابن عساکر در «تاریخ دمشق» و غیر اینها است .

و عده ای از دانشمندان اسلامی درباره مهدی ﷺ ، کتاب های ویژه ای نوشته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ابو نعیم در کتاب «اخبار المهدی»، ابن حجر هیثمی در کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح» ادریس عراقی مغربی در کتاب «المهدی»، ابوالعباس بن عبدالؤمن المغربی در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون» و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

برخی از بزرگان و دانشمندان متقدم و متاخر نیز در نوشته های خود تصریح کرده اند که روایات مربوط به مهدی متواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از آن ها است.

سخاوی در کتاب «فتح المغیث»، محمد بن احمد سفارینی در کتاب «شرح العقیده» ابوالحسن آبری در کتاب «مناقب الشافعی» ابن تیمیه در کتاب «فتاوایش» سیوطی در کتاب «الحاوی»، ادریس عراقی در تالیفی که درباره «مهدی» دارد، شوکانی در کتاب «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، محمد بن جعفر کنانی در «نظم المتناثر فی الحدیث التواتر» و ابوالعباس بن عبدالؤمن در کتاب «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون»

تنها ابن خلدون است که روایات مربوط به مهدی را با روایاتی مجهول، ساختگی و بی اساس که می گوید: «لا مهدی الا عیسی بن مریم» مورد ایراد قرار داده است، اما بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند و به ویژه، ابن عبدالؤمن که در رد

گفتار او کتاب ویژه ای به نام «الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است. حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که روایات مربوط به «مهدی علیه السلام» شامل روایات «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن ها متواتر و صحت آن ها قطعی است. بنابراین، اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و بخشی از عقاید اهل سنت و جماعت به شمار می آید و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعت گزار منکر آن نخواهد بود.<sup>۱</sup>

با توجه با پاسخ مرکز الرابطة العالم الاسلامی دو نکته قابل ذکر است:

۱. با این که وهابیان از تند روترین گروه های اسلامی اهل سنت به شمار می روند مساله مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی را پذیرفته و با سایر فرقه های مسلمانان در این باره هم‌گرایی و هم نظری دارند و نیز به طور جدی از آن دفاع می کنند و آن را جز بخشی از عقاید رسمی خود تلقی می نمایند.
۲. به جز مطالبی که در ابتدای پاسخ بیان شده که امام مهدی را فرزند عبدالله خطاب کرده است، مابقی مطالب در بیانیه مرکز رابطه العالم الاسلامی «مرکز مهم دینی وهابی ها» در راستای اعتقادات گروه های دیگر اسلامی از جمله مذهب تشیع می باشد.

۱ نک، هاشمی شهیدی، سید اسد الله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ومذاهب و ملل

### فراوانی روایات مهدویت:

فراوانی روایات مهدویت که از ناحیه اهل سنت و شیعه در منابع روایی و تاریخی آمده است، حکایت از اهمیت موضوع مهدویت و اهتمام مسلمانان به آن دارد مثلاً روایاتی که درباره مهدی موعود ع و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی، از پیامبر ص و سایر پیشوایان معصوم ع وارد شده است و علمای شیعه و سنی آن ها را در منابع معتبر خود آورده اند، قابل شمارش نیست، از این رو، به طور مختصر به بخشی از آن ها اشاره خواهیم کرد:

۱. روایت پیرامون نام و کنیه امام مهدی ۴۸ مورد رجعت
  ۲. روایت پیرامون دوازدهمین امام بودن امام مهدی ع ۱۳۶ مورد
  ۳. روایت پیرامون این که امام مهدی ع دهمین فرزند امیر مؤمنان است ۲۱۴ مورد
  ۴. روایت پیرامون این که حضرت مهدی ع از فرزندان حضرت زهرا ع است ۱۹۲ مورد
  ۵. روایت پیرامون این که وی نهمین فرزند امام حسین ع است ۳۰۸ مورد
  ۶. روایت پیرامون دین و آئین امام مهدی ع ۱۵ مورد
  ۷. روایت پیرامون دعوت به اسلام و تشکیل حکومت جهانی ۴۷ مورد
  ۸. روایت پیرامون عدالت گستری امام مهدی ع ۱۲۳ مورد
  ۹. روایت پیرامون ظهور و نشانه ظهور است ۶۵۸ مورد
- البته تفصیل مطلب بالا در کتاب منتخب الاثر از آیه الله لطف الله

صافی آمده است<sup>۱</sup> که همه آن ها حکایت از اهمیت اندیشه مهدویت در میان مسلمانان دارد.

از جمله مواردی که جدی بودن باورداشت مهدویت در میان منظومه معارف اسلامی را نشان می‌دهد، تلاش و کوشش علمای اسلامی در طول تاریخ اسلام است که جهت حفظ و صیانت اندیشه مهدویت و انتقال آن ها به نسل های بعدی، به کتاب ها و تالیف های مستقلی، دست زده اند که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

### تالیف های اندیشمندان اهل سنت پیرامون مهدویت:

۱. البیان عن اخبار صاحب الزمان، تالیف ابن مغازلی شافعی

۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تالیف حافظ کنجی شافعی

۳. عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر، تالیف یوسف بن

یحیی مقدس شافعی

۴. احوال صاحب الزمان، تالیف شیخ سعدالدین حموی

۵. المهدی، تالیف ابن قیم حوزیه

۶. العرف الوردی فی اخبار المهدي، تالیف حافظ جلال الدین

سیوطی

۷. القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تالیف ابن

حجر مکی

۱. صافی، لطف الله؛ منتخب الاثر؛ ج ۲، ص ۱۲۵.



۸. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تالیف علی متقی هندی
۹. فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر ، تالیف مرعی بن

یوسف کرمی مقدسی حنبلی

علاوه بر کتاب های نامبرده ، کتاب های دیگری نیز در عرصه مهدویت ، توسط اهل سنت به رشته تحریر در آمده است ، که در واقع همه آن ها حکایت از مهم بودن اندیشه مهدویت از منظر اهل سنت دارد .

### تالیف های اندیشمندان شیعه پیرامون مهدویت:

اهتمام جدی علمای شیعه در عرصه مهدویت و دغدغه زائد الوصف آن ها نسبت به حفظ کیان اندیشه مهدویت ، سبب شده تا برخی از افراد مخالف چنین ادعا کنند که خاستگاه اندیشه مهدویت مذهب تشیع می باشد و با این نگاه اتهاماتی را متوجه اندیشه مهدویت کرده و چنین گفته اند که: در فرهنگ اسلام آموزه ای به نام مهدویت نداریم بلکه مذهب تشیع موجب شکل گیری و تقویت و نفوذ آن در میان باورهای اهل سنت شده است ، البته این مطالب همه نشان از جدیت علمای شیعه در راستای تقویت و ترویج مهدویت در میان مسلمانان دارد از این رو کتاب ها و تالیف های فراوانی از سوی آن ها نوشته شده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. اکمال الدین و اتمام النعمه، تالیف شیخ صدوق

۲. الغیبه، تالیف محمد بن ابراهیم نعمانی

۳. الوجيزة في الغيبة ، تالیف سید مرتضی علم الهدی

۴. کتاب الغيبة ، تالیف شیخ طوسی

۵. الملاحم والفتن ، تالیف سید بن طاوس

۶. اعلام الوری ، تالیف امین الاسلام طبری

۷. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة ، تالیف سید هاشم بحرانی

۸. بحار الانوار ج ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، تالیف محمد باقر مجلسی

۹. اثبات الهدی ، تالیف شیخ حر عاملی

و ده‌ها کتاب دیگر که به جهت اختصار از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود ، همه حکایت از اهتمام علمای اسلامی ، نسبت به مساله مهدویت دارد .

شاید بتوان چنین ادعا کرد که بعد از اصول بنیادی اسلام نظیر توحید ، نبوت و معاد و بعد از اعتقاد به قرآن به عنوان کتاب مقدس آسمانی ، باور و اعتقادی به وسعت قلمرو مهدویت که مورد قبول همه گروه‌های اسلامی باشد پیدا نکنیم. از این رو مهدویت و اعتقاد به آن ، سوژه مناسب و خوبی است تا به وسیله آن اتحاد و هم‌بستگی را در میان باور مندان به مهدویت تقویت شود ، البته نقش علما و اندیشمندان اسلامی در این عرصه و به کارگیری سوژه مهدویت جهت نیل مسلمانان و جوامع اسلامی به سوی اتحاد و هم‌گرایی ، نقش بی‌بدیل و انحصاری است .

بی تردید لازمه رسیدن به جامعه متحد و هم‌گرا ، نیاز به اشاعه و ترویج مهدویت و آموزه‌های آن که به نوعی مورد قبول همه گروه‌های

اسلامی است می باشد ، از این رو در این نوشتار سعی شده تا برخی از آموزه های مهدویت که آموزه های هم سو و مورد قبول کلیه گروه های اسلامی است برجسته و تبیین شود .

### ۳ . مؤلفه های هم گرایی در باور داشت مهدویت:

در میان منظومه معارف مهدوی ، بسیاری از معارف ، مورد پذیرش و اذعان همه گروه های اسلامی است ؛ به تعبیر دیگر غالب معارف مهدوی ، معارف هم سو تلقی می شوند ، یعنی گروه های اسلامی در آنها هم سویی و هم گرایی دارند و اگر با این نگاه معارف مهدویت را مورد محاسبه قرار دهیم ، شاید ادعای گزافی نباشد ؛ اگر بگویم نود و پنج در صد از آنها ، جزو معارف هم سو هستند ، می توان ادعا کرد که در میان باورهای اسلامی نقش مهدویت در وحدت بخشی و اتحاد آفرینی ، نقش مهم و تاثیر گذار است . پس لازم است با معرفی آموزه های هم سو در مهدویت و برجسته کردن آن ها به جامعه ای ایدآل اسلامی که همان جامعه متحد و هم نظر است رهنمون شویم .

#### ۱-۳ ظهور و حتمیت آن:

از جمله باور های هم سو در اندیشه مهدویت که مورد اذعان و باور همگانی است و گروه های اسلامی با آن هم نظر و هم رای هستند ، مساله ظهور امام مهدی و حتمیت آن است .

ظهور و حتمیت آن دارای دو خاستگاه است ؛ یکی این که ظهور و حتمیت آن از منظر دین دنبال می شود و دیگر آن که فطرت به دنبال

اثبات ظهور و حتمیت آن است. پس دو عامل اساسی به نام دین و فطرت پشتیبان حتمیت تحقق ظهور هستند

مهدی باوران افزون بر این که جزو باورمندان دین اسلام بوده و در راستای تبعیت از فرامین اسلام به اذعان و اعتقاد ظهور و حتمیت آن رسیده اند از راه فطرت که در مساله حتمیت هم نوا بادین است نیز به حتمیت ظهور، پی برده و به باور مضاعفی رسیداند.

روشن است که اثبات حتمیت ظهور از راه فطرت به خاطر حس عدالت خواهی و ظلم ستیزی انسان می باشد، زیرا خداوند متعال در وجود همه انسان ها یک گرایش ناشناخته ای به نام فطرت قرار داده که بر اساس آن گرایش، انسان ها عدالت خواه و ظلم ستیز می باشند و در طول تاریخ، بشر به صورت فرا گیر به پاسخ این حس غریب و ناشناخته راه پیدا نکرده است و بی پاسخ ماندن آن گرایش نیز، با حکمت خدای حکیم در تهافت است از این رو باید روزی فرا رسد و بشر به پاسخ آن ندای فطری خود نائل آید و آن روز همان روز موعود و ظهور منجی است.

پس با عنایت به همگانی بودن حس فطری ظهور، زمینه هم‌گرایی میان باورمندان به مهدویت فراهم می شود.

آموزه های دینی نیز در راستای زمینه سازی جهت اتحاد و هم‌گرایی میان مسلمانان، به موضوع ظهور و حتمیت آن نظر داده و در روایات گوناگون به بیان آن پرداخته اند. در اینجا به برخی از آن ها که در منابع اهل سنت و شیعه آمده خواهیم پرداخت:

ابو داود سیستانی در کتاب «سنن» که یکی از کتب صحاح شش

گانه است از ابی طفیل از علی علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
 «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی ، یملاها عدلا کما ملئت جورا»<sup>۱</sup>

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد ، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»

هم چنین ترمذی در کتاب «سنن» از ابو هریره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی»<sup>۲</sup>

«اگر به پایان دنیا جز یک روز باقی نماند ، خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است ، زمام امور را به دست بگیرد.»

متقی هندی نویسنده کتاب «کنز العمال» فتاوی چهار تن از علمای مذاهب اربعه از اهل مکه ، یعنی ابن حجر هیثمی شافعی ، شیخ احمد ابو السرور بن صبا حنفی ، شیخ محمد بن محمد خطابی مالکی و شیخ یحیی بن محمد حنبلی ، پیرامون فردی که منکر ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه است ، گفته اند چنین فردی باید مجازات شود و تصریح کرده اند که ، واجب است چنین شخصی را بزنند و او را تحقیر کنند تا

۱ سیستانی ، ابو داوود ، سنن ، ج ۲ ، ص ۳۱۰.

۲ ترمذی ، سنن ، ج ۳ ، ص ۳۴۳ باب ما جاء فی المهدی ، کتاب الفتن ، ح ۲۳۳۲.

ادب شود و به حق روی آورد و در غیر این صورت واجب القتل و مهدور الدم است.<sup>۱</sup>

نتیجه ای که از نقل روایات اهل سنت و نیز فتاوی علمای آنها پیرامون منکرین ظهور امام مهدی به دست می آید این است که ، ظهور امام مهدی ع نزد اهل سنت یک مساله اعتقادی بوده و اهل سنت ایمان اسلامی را بدان گره زده اند ، پس یکی از باورها و معتقدات اصیل همان ظهور امام مهدی و حتمیت آن است .

همچنین از منابع شیعه پیرامون حتمیت ظهور امام مهدی ع چنین نقل شده است .

پیامبر اکرم ص فرموده است: «لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا وذلك حين ياذن الله عزوجل له ...»<sup>۲</sup>

«قیامت بر پا نمی شود تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد .»  
در این باره امام باقر ع فرموده است:

«من المحتوم الذي حتمه الله قیام قائمنا ، فمن شك في ما اقول ، لقي الله و هو به كافر وله جاحد»<sup>۳</sup>

«قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است . هر کس در این گفتار که می گویم شک و تردید به خود راه دهد ، خدا را به حال کفر

۱ متقی هندی ، کنز العمال ، ج ۱۴ ، ص ۲۵۲ .

۲ مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۶۵

۳ همان ، ص ۱۳۹

و انکار ملاقات خواهد کرد.»

پیرامون «حتمیت ظهور»، مسالهای مطرح است و آن این که موضوع «حتمیت» که پسوند واژه ظهور است، به چه معنا است؟ آیا می توان احتمال داد که جهان به پایان برسد بدون این که ظهوری رخ دهد. شاید طرح پرسش بالا به دو جهت باشد: نخست این که در میان باورهای اسلامی، باوری داریم به نام «بدا» که با وجود «بدا» برخی از رخدادها، یا اصلاً واقع نمی شود و یا این که از لحاظ کمیت و کیفیت، تغییر و تحول می یابد و یا این که از لحاظ زمان، تقدم یا تاخر پیدا می نماید. از این رو آیا می توان موضوع «بدا» را در مورد ظهور به کار برد و آن را تغییر و تحول، تقدم تاخر و یا این که اصلاً، اصل رخ داد آن را زیر سوال برد؟

دوم این که در برخی از روایات، نشانه های ظهور به دو قسم حتمی و غیر حتمی تقسیم شده است، (سفیانی، ندای آسمانی، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف پیدا، نشانه های حتمی هستند) و زمانی که پیرامون نشانه های حتمی از معصومین علیهم السلام سوال می شود که آیا احتمال دارد ظهور رخ دهد ولی نشانه های حتمی به وقوع نپیوندد؟ در پاسخ می فرماید: بلی، این احتمال است. پس زمانی که نشانه های حتمی غیر حتمی می شوند، در مورد حتمیت ظهور نیز این احتمال وجود دارد که اصلاً ظهوری رخ ندهد.

جهت پاسخ به پرسش های فوق به روایتی از امام باقر علیه السلام که در این باره وارد شده، تمسک می جوئیم.

«راوی از حضرت سوال می کند که آیا در امور حتمیه نیز ممکن

است برای خدا بدار حاصل شود؟ امام فرمود: آری، گفته شد: می ترسیم که در مورد ظهور قائم آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> نیز بدار حاصل شود! فرمود: نه، ظهور قائم<sup>علیه السلام</sup> از «میعاد» است.<sup>۱</sup> بعد امام باقر به آیه شریفه اشاره می کند که می فرماید: «ان الله لا یخلف المیعاد»<sup>۲</sup> «قطعا خداوند در وعده (خود) خلاف نمی کند.»

و در تفصیل مطالب بالا باید گفت:

«بشر در فرایند زندگی خود جهت رسیدن به هدف و مقصودی که خداوند برای او در نظر گرفته، نیاز به هادی و راهنما دارد، انبیا به عنوان سفیران الهی با پذیرش مسئولیت، مبادرت به راهنمایی و هدایت بشر نموده اند، انبیا جهت موفقیت در انجام رسالت خود به دو عامل اساسی یعنی انذار و تبشیر بهره جسته اند، خداوند متعال در کتب مقدس، به ویژه قرآن کریم، به تاثیر و خطیر بودن آن دو عامل اشاره نموده است.»

حقیقت انذار همان ترساندن انسان و هشدار دادن به آن ها، نسبت به عذاب الهی است. به تعبیر دیگر انذار همان وعید و جزای خدا می باشد.

حقیقت تبشیر، همان بشارت و مژده دادن به انسان نسبت به نعمت های الهی است. به تعبیر دیگر، تبشیر همان وعده و پاداش حق تعالی می باشد.

۱ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۵، نعمانی، محمد ابراهیم، غیبت، ص ۱۶۲

۲ آل عمران (۳) آیه ۹



بنا بر رویه عقل و عقلا ، عمل کردن بر اساس وعده و تبشیر لازم و ضروری است ، که خلاف آن یعنی عمل نکردن به وعده ، خلاف عقل و به نوعی کاذب بودن فرد تلقی می شود .

اما بر اساس سنت عقل و عقلا ، عمل کردن بر طبق وعید و انذار لازم و ضروری نیست بلکه خلاف آن ، یعنی عمل نکردن بر اساس وعید نوعی ایثار و تفضل به شمار می آید .

بنا بر این زمانی که به موضوع ظهور و نشانه‌های آن دقت می شود این نکته مسجل می شود که نشانه های حتمی ظهور نظیر صیحه آسمانی ، خروج سفیانی و ... به سختی افتادن مردم و نیز هشدار باش به آن‌ها می باشد و در واقع آن‌ها در غالب وعید و انذار خدا تفسیر می شوند اما ، ظهور امام مهدی که سرآغاز خوش بختی و سعادت مندی بشر است در غالب وعده و تبشیر خدا توجیه می شود . که خلاف آن یعنی عدم تحقق ظهور ، با حکیم بودن خدا ناسازگار است.

## ۲-۳ نام و اوصاف امام مهدی عج

گرچه بر اساس دیدگاه تشیع امام زمان با اسم خاص نامبرده نمی شود، اما در اصل ، این موضوع که ایشان هم نام و هم کنیه با پیامبر اکرم ص است با اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد .

چنان که در منابع اهل سنت آمده است:

رسول خدا ص فرموده: « لا تقوم الساعة حتى يلي رجل من اهل

بی‌یتی، یواطی اسمه اسمی»<sup>۱</sup>

«قیامت بر پا نمی شود تا این که مردی از اهل بیت من که هم نام من است به حاکمیت برسد.»

و باز فرموده است: «یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی، اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی»<sup>۲</sup>

«در آخر زمان مردی از اهل بیت من که هم نام و هم کنیه من است قیام می کند»

در منابع شیعه نیز آمده است:

رسول خدا فرموده: «لن تنقضى الايام و الليالی حتى یبعث الله رجلاً

من اهل بی‌یتی، یواطی اسمه اسمی»<sup>۳</sup>

«روزها و شب ها نمی گذارند (دنیا به پایان نمی رسد) تا این که خداوند، مردی از خاندان مرا بر انگیزد که هم نام من است»

باز رسول خدا فرموده اند: «المهدی من ولدی، اسمه اسمی، و

کنیته کنیتی، شبه الناس بی خلقا و خلقا»<sup>۴</sup>

«مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه اش کنیه

من، از نظر سیرت و صورت شبیه ترین مردمان به من است.»

۱ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲ مقدس شافعی، یوسف عقده الدرر باب ۲، ص ۳۲.

۳ مرکز الرساله، المهدي المنتظر في الكفر الاسلامي، ص ۶۸.

۴ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ج ۱۳.

این روایات و امثال آن ها که در منابع دینی اعم از اهل سنت و شیعه بسیار نقل شده ، به سه شاخصه امام مهدی عج یعنی هم کنیه و هم نامی با پیامبر اکرم و نیز از اهل بیت و عترت رسول خدا بودن اشاره شده است .

### ۳-۳ جوان بودن امام مهدی عج

رهبر نهضت جهانی ، قیام خود را در سنین جوانی آغاز می کند ، جهانی بودن نهضت و فراگیر بودن مسئولیت و خطیر بودن رسالت می طلبد ، رهبر جهانی باید با یک نیرو و پتانسیل قوی، به ایفای رسالت و انجام مسئولیت بپردازد. از این رو لازم است رهبر جهانی امام مهدی عج به شاخصه جوانی مزین باشد تا در انجام مسئولیت جهانی که همان هدایت بشر به سر منزل مقصود و نیز اجرای عدالت به شکل فراگیر در کران تا کران زمین است ، موفق گردد .

در منابع شیعه آمده است که: امام صادق عج فرموده اند:

«ان من اعظم البلیه ان یخرج الیهم صاحبهم شابا وهم یحسبونه

شیخا کبیرا»<sup>۱</sup>

«از امتحانات بزرگ خداوندی است که صاحب شان به صورت

جوانی ظاهر می شود در حالی که آن ها او را پیری کهن سال می پندارند .»

باز از امام صادق عج نقل شده است: «ان فی صاحب الزمان شیها

۱ النعمانی ، محمد ، کتاب الغیبه ، ص ۱۹۴ .

من یونس ، رجوعه فی غیبة بشرح الشباب»<sup>۱</sup>

«در صاحب الزمان نشانی از حضرت یونس است و آن این که بعد از غیبتش به صورت جوان ظاهر می شود.»  
در منابع اهل سنت نیز به جوان بودن امام مهدی علیه السلام در هنگام قیام اشاره شده است .

ابی سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

«يقوم فی آخر زمان رجل من عترتی ، شاب حسن الوجه ، اجلی الجبین ، اقنی الانف»<sup>۲</sup>

«در آخر زمان مردی از عترت من که جوان خوش چهره و پیشانی گشاده و بینی کشیده است قیام می کند»  
ابن عباس از رسول خدا نقل کرده است: «المهدی شاب منا اهل البيت»<sup>۳</sup>

«مهدی جوانی از اهل بیت می باشد»

بنا براین از جمله مواردی که گروه های اسلامی در آن اتفاق نظر دارند ، جوان بودن امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور است. اما در کنار این اتفاق و هماهنگی ، تفاوت هایی نیز وجود دارد که بیان آن لازم است. نخست این که ، اهل سنت اعتقاد دارند که امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور از لحاظ چهره و سن جوان است ولی شیعه اعتقاد دارد که امام

۱ الطوسی ، حسن ، الغیبت ، ص ۴۲۱ .

۲ السنن الواردة فی الفتن ، ص ۹۴ .

۳ نعیم ابن حماد المروزی ، کتاب الفتن ، ص ۲۲۸ .

مهدی از لحاظ چهره جوان ولی از لحاظ سن پیر است .  
دوم آن که اعتقاد اهل سنت پیرامون جوان بودن امام مهدی ، از راه طبیعی اثبات پذیر است ولی اعتقاد شیعه پیرامون جوانی امام مهدی از راه اعجاز قابل توجیه است .  
تفاوت سوم این که طبق اعتقاد شیعه ، امام مهدی از لحاظ سنی جوان نیست. پس لازمه چنین ادعایی ، ادعای طولانی بودن عمر امام مهدی را به همراه دارد ولی اهل سنت بر اساس دیدگاه خودشان نیاز به اثبات طول عمر برای امام مهدی نیستند .

#### ۳-۴ نسب امام مهدی

یکی از راه های شناخت امام مهدی شناخت اصل و نسب او است. البته شناخت اصل و نسب در شناسایی امام مهدی ، شرط لازم است نه شرط کافی ، از این رو در روایات گوناگون که از منابع دینی ، اعم از منابع اهل سنت و شیعه نقل شده است امام مهدی از لحاظ نژادی ، جزو نژاد قریش بوده و از لحاظ نسبی جزو عترت و اهل بیت رسول خدا می باشد و نیز از لحاظ فرزندی جزو فرزندان غیر مباشر حضرت زهرا و امام حسین به شمار می آید و همچنین فرزند بلافصل امام حسن عسگری می باشد .

#### ۱-۳-۴ نژاد امام مهدی

در مسند احمد از قول پیامبر اکرم چنین آمده است: «لا یزال

الدين قائما حتى يكون اثنا عشر خليفة من قریش»<sup>۱</sup>

«به وجود دوازده خلیفه از قریش دین اسلام پا بر جاست»

بازرسول خدا ﷺ می فرماید: «ابشروا بالمهدی، رجل من قریش

من عترتی»<sup>۲</sup>

«بشارت باد شما را به مهدی او مردی از قریش و از عترت من

است»

انس بن مالک از پیامبر اکرم ﷺ روایتی نقل کرده است:

«لن يزال الدين قائما الى اثنا عشر خليفة من قریش، فاذا هلکوا

ماجت الارض باهلها»<sup>۳</sup>

«پیوسته دین پا بر جا است دوازده خلیفه از قریش باشند ولی هر

گاه از میان رفتند زمین اهلش را فرو می برد.»

چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه فرموده است:

«الائمة من بعدی اثنا عشر، تسعة من صلب الحسين و التاسع قائمهم»<sup>۴</sup>

«امام بعد از من دوازده نفر است که نه نفرشان از صلب حسین ﷺ

است و نهمین آن ها قائم آن ها است»

در روایات بالا هم عقیده بودن اهل سنت و شیعه پیرامون امام

مهدی ﷺ در چند جهت می باشد. نخست این که امام مهدی ﷺ جزو

۱ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶.

۲ همان ج ۳ ص ۲۷، الصوائق المحرقة، ج ۲، باب ۱۱.

۳ احمد بن عیاش الجوهری، مفتصب الاثر، ص ۴.

۴ احمد حسین یعقوب، حقیقة الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر، ص ۱۹۴.

خلیفه دوازده گانه است دوم این که ایشان آخرین خلیفه خدا می باشد و سوم آن که قائم بودن ، وصف اختصاصی امام مهدی علیه السلام است .  
 ۲-۴-۳ نسب پدری امام مهدی علیه السلام:

امام مهدی علیه السلام از نظر نسب پدری ، به صورت غیر مباشر به رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلق دارد و هم چنین در سلسله انساب، ایشان در برخی از روایات به امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام انتساب داده شده و نیز در روایات دیگر نیز به فرزند امام حسین علیه السلام و امامان بعد از ایشان انتساب داده شده اما در برخی از روایات به صورت بلافصل فرزند امام حسن عسگری علیه السلام تلقی شده است. در این مورد روایات گوناگونی در منابع اسلامی یعنی شیعه و اهل سنت آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود .

### امام مهدی علیه السلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لو لم یبق من الدنیا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من ولدی»<sup>۱</sup>

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند تعالی آن را به قدری طولانی کند تا مردی از فرزندانم قیام کند»  
 این روایت هم از منابع اهل سنت و هم از منابع شیعه نقل شده است

### فاطمی بودن مهدی علیه السلام:

این که امام مهدی علیه السلام از نسل فاطمه است از مجموع منابع اهل

۱ مقدس شافی؛ عقد الدرر ، ص ۲۴ ، باب ۱ ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۱۷ ، باب ۳۰ ، ص ۴ .

سنت و شیعه ۱۹۲ روایت نقل شده است<sup>۱</sup> که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می شود.

ام سلمة از رسول خدا نقل کرده است: «المهدی حق و هو من ولد فاطمة»<sup>۲</sup>

«امام مهدی علیه السلام حقیقت دارد و ایشان از فرزندان فاطمه علیها السلام است»  
در جایی دیگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دخت گرامی اش فرموده است:

«یا فاطمه... منا سبطا هذه الامة الحسن و الحسين و هما ابناک و منا المهدی»<sup>۳</sup>

«ای فاطمه... از ما هستند دو سبط این است حسن و حسین که از فرزندان تو هستند و مهدی از ماست»  
در این باره شعرانی در یواقیت که به منزله شرح معلقات فتوحات مکیه است به نقل از محی الدین (در باب ۳۶۶ کتاب فتوحات مکیه) آورده است:

«بدانید که مهدی علیه السلام باید ظهور کند، ولی او ظهور نمی کند مگر این که زمین پر از ظلم و ستم شود و او آن را پر از عدل و داد می کند اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند که این خلیفه به خلافت رسد. مهدی علیه السلام از عترت

۱ صافی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲ بخاری؛ التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳ الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵.



رسول خدا و از فرزندان فاطمه ، جدش حسین بن علی بن ابی طالب است ، پدر او حسن عسگری ، پسر امام علی النقی ، پسر امام محمد تقی ، پسر امام علی رضا ، پسر امام موسی الکاظم ، پسر امام جعفر صادق ، پسر امام محمد باقر ، پسر امام زین العابدین علی ، پسر امام حسین ، پسر علی بن ابی طالب علیه السلام است <sup>۱</sup> او هم نام رسول خدا است . مسلمانان در بین رکن و مقام با او بیعت می کنند ، او شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است از لحاظ اخلاق نیز به او شباهت دارد .<sup>۲</sup>

در منابع شیعه نیز روایات فراوانی در این باره آمده و فاطمی بودن امام مهدی علیه السلام را ثابت می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «المهدی من عترتی ، من ولد فاطمه ،

یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی»<sup>۳</sup>

«مهدی علیه السلام از عترت من و از فرزندان فاطمه است ، او بر اساس

سنت من پیکار می کند چنان که من بر اساس وحی پیکار نمودم»

---

۱ در نسخه چاپی و خطی فتوحات که تا کنون دیده ایم ، اسامی امامان معصوم از امام زمان تا امیر مؤمنان نیست ، بی تردید چون محی الدین مقام عظیم داشته ، نسخه نویسان یا ناشران فتوحات این قسمت را که شاهد صادقی بر مدعای شیعیان در تطبیق مهدی آخر الزمان به امام محمد بن الحسن العسگری بوده است ، از باب مذکور حذف کرده اند ؛ غافل از این که عبدالوهاب شعرانی با مقام شامخی که نزد عموم اهل سنت دارد ، مستقیماً از فتوحات نقل کرده است .

۲ شعرانی ، عبدالوهاب ، الیواقیت ، والجواهر ، ج ۲ ، ص ۱۴۵ .

۳ . اربلی ، علی ؛ کشف الغمّة ؛ ج ۳ ، ص ۲۶۷ و صدوق ، عیون الاخبار ؛ ج ۲ ، ص ۱۳۰ .

### حسینی بودن مهدی علیه السلام:

در میان روایاتی که به نسل پدری امام مهدی پرداخته اند، بیشترین روایات به حسینی بودن مهدی اختصاص دارد؛ یعنی در منابع اهل سنت و شیعه روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او وارد شده که به فرزند امام حسین بودن امام مهدی اشاره دارند و تعداد آن ها ۲۰۸ روایت می باشد.<sup>۱</sup>

رسول خدا فرموده است: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد طول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً . فقام سلمان الفارسی ، فقال: یا رسول الله من ای ولدک ؟ قال: من ولد ابنی هذا ، و ضرب بیده علی الحسین»<sup>۲</sup>

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند متعال آن روز را به قدری طولانی می کند تا مردی در آن روز قیام کند . در این هنگام سلمان فارسی بر خاست و پرسید: از کدام فرزندان تو؟ رسول خدا دستش را گذاشت روی حسین و فرمود از این فرزندم»

در این باره امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق»<sup>۳</sup>

«نهمین فرزند تو یا حسین قائم به حق است.»

از امام حسین علیه السلام نیز نقل شده است: «التاسع من ولدی هو القائم

۱ صافی لطف الله ، منتخب الاثر ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ .

۲ اسرار آل محمد علیهم السلام ، سلیم بن قیس ، ص ۴۲۹ .

۳ طبرسی ، اعلام الوری باعلام الهدی ، ج ۲ ، ص ۲۲۹ .

بالحق»<sup>۱</sup>

«نهمین فرزند من قائم به حق است»

در روایتی رسول خدا خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود: «هذا ابني ،

امام ، اخو امام ، ابوائمة تسعه ، تاسعهم قائمهم»<sup>۲</sup>

«این فرزندم (حسین) امام ، برادر امام و پدر نه امام است که

نهمین آن ها قائم است»

### مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسگری علیه السلام:

مباحث نسب امام مهدی علیه السلام در دو قالب ، مباشر و غیر مباشر قابل پی گیری است . بحث گذشته بر اساس نسب دور و با واسطه تنظیم شده بود اما در این فراز ، بحث نسب پدری امام مهدی بر اساس نسب مباشری و بلافصل خواهد بود. از این رو افزون بر این که در منابع شیعه ، روایات فراوانی به این موضوع پرداخته اند ؛ مطالب فراوانی نیز پیرامون این موضوع از بزرگان اهل سنت نقل شده است و تعداد روایاتی که در این باره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و نقل شده است ۱۰۸ روایت می باشد.<sup>۳</sup>

موفق بن احمد خوارزمی حنفی «که اهل سنت او را صدر الائمة

۱ نعمانی ، محمد ، کتاب الغیبة ، ص ۴۲ .

۲ کورانی ، علی ، معجم الاحادیث ، الامام المهدی ، ص ۱۴۳ .

۳ صافی لطف الله ، منتخب الاثر ، ج ۲ ، ص ۲۰۲ .

خوانده اند» در کتاب خودش از ابی سلمی روایت کرده است که گفت: من از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که خداوند در شب معراج به ایشان فرموده اند: بر طرف راست عرش نگاه کن؛ چون به طرف راست عرش نگریم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، ... حسن بن علی و مهدی را دیدم که هاله ای از نور آنها را احاطه کرده است و آنها ایستاده نماز می خوانند و او (حضرت مهدی) در وسط آنها مانند ستاره درخشان بود. پس خدا فرمود: ای محمد اینها حجت های من هستند و مهدی انتقام گیرنده عترت تو است...<sup>۱</sup> رسول خدا ﷺ در منابع شیعه فرموده است:

«ان الله عزوجل، ركب فی صلب الحسن (ای العسگری) نطفة مبارک زکوة طيبة طاهرة مطهرة ... فهو امام تقی تقی هاد مهدی، اول العدل و آخره...»<sup>۲</sup>

«خداوند متعال در صلب حسن (عسگری) نطفه ای مبارک، میمون، پاک و پاکیزه قرار داده ... او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است آغاز و انجام عدالت است...»  
در اینجا به برخی از مطالبی را که اهل سنت نیز نقل کرده اند اشاره می شود:

علی بن حسین مسعودی در کتاب خود (مرج الذهب و التنبیه و الاشراف) پیرامون نسب امام مهدی ﷺ چنین آورده است:

۱ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱ ص ۹۵ و فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۹، ج ۵۷۱.

۲ مجلسی، محمد باقر، البحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

در سال ۲۶۰ هـ. ق ابو محمد حسن بن علی ... بن حسین بن علی ابی طالب در زمان خلافت معتمد در بیست و نه سالگی ، وفات یافت و او پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم شیعه امامیه است.<sup>۱</sup>

- مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف می نویسد: سلیم

بن قیس هلالی از ابان بن ابی عیاش روایت کرده است که پیغمبر به امیرمؤمنان علی بن ابی طالب فرموده: تو و یازده تن از فرزندان امامان به حق هستید ... امام آنها (شیعیان) که تا موقع تاریخ تالیف این کتاب (۳۴۵ ق)، منتظر ظهورش هستند ، محمد بن الحسن ... بن علی ابی طالب است.<sup>۲</sup>

\_ ابن طلحه در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل

الرسول ، طی دوازده باب درباره ائمه طاهرین سخن گفته و چنین نوشته است:

«باب یازدهم ، ابو محمد حسن (العسگری) در سال ۲۳۱ ... منقبت و مزیت بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده و صفت دائمی او نموده است و جهان آن را کهنه نمی گرداند و زبان های مردم آن را فراموش نمی کند ، این است که محمد ، مهدی را از نسل او قرار داده و پسر او است .

باب دوازدهم ، ابوالقاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل  
ابن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن

۱ مسعودی ، علی ، مروج الذهب ، ج ۴ ، ص ۱۹۹ .

۲ مسعودی ، علی ، التنبیه و الاشراف ، ص ۱۹۸

محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الزکی بن علی المرتضی  
امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب المهدی الحجة الخلف الصالح المنتظر علیه السلام  
«۱.»

ابن صباغ در کتاب **الفصول المهمة** یکایک ائمه اطهار را نام برده و شرح می دهد و در فصل یازدهم می نویسد:  
«ابو محمد (رضی الله عنه) فرزندی از خود باقی گذاشته است که همان حجت قائم است که همه منتظر دولت حقه او هستند. ولادت او پنهان ماند و ماجرای او مستور گشت به واسطه بیم از خلیفه وقت و وضع دشوار و جستجوی شیعه و حبس ایشان و دستگیری آنان»  
اما در فصل دوازدهم درباره ابوالقاسم حجت خلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص یعنی امام دوازدهم و تاریخ ولادت و دلایل امامت وی و قسمتی از روایات و اخبار مربوط به او و غیبت و مدت و بیان نسب و کنیه و لقب آن حضرت، سپس تاریخ ولادت امام زمان را بیان نموده و روایات روشن و صریحی که راویان موثق و مورد اعتماد، از پیامبر و امامان پیشین راجع به او آورده اند و تطبیق آن ها بر شخص حجت الحسن العسگری به عنوان امام دوازدهم نقل کرده است، تا آن جا که می گوید:

«شیخ ابو سعید محمد بن یوسف گنجی شافعی در «کتاب البیان فی الخبر» صاحب الزمان استدلال می کند که مهدی زنده است و از

۱ شافعی، کمال الدین محمد، مطالب السئول فی مناقب آل الرسول، باب ۱۱ و ۱۲.

زمان غیبتش تا کنون باقی است.<sup>۱</sup>

عبد الوهاب شعرانی در کتاب خود در باب شصت و پنجم جلد دوم «الیواقیت والجواهر» می نویسد:

تمام علامت های پیش از قیامت که شارع مقدس به ما اطلاع داده ، درست است و باید همگی پیش از قیامت واقع گردد ، مانند ظهور مهدی و آمدن دجال و نزول عیسی و غیره . حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد باید این ها واقع گردد .

مهدی از اولاد امام حسن عسگری است . ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ . ق واقع شد و هم اکنون زنده است ، تا این که خداوند عیسی بن مریم را با وی گرد آورد . بنابراین سن مهدی تا زمان ما یعنی سال ۹۵۸ ، هفتصد و شش سال است.<sup>۲</sup>

### ۵ - ۳ مقامات و فضائل امام مهدی علیه السلام

در اعتقاد مسلمانان امام مهدی به عنوان ناجی و سعادت بخش بشریت شناخته شده و با ظهور خود در پایان و فرجام تاریخ بشریت برای نخستین و آخرین بار نجات و سعادت همه جانبه را به تجربه بشر می رساند ، لازمه رسالت و مسئولیت سنگین امام مهدی علیه السلام در راهنمایی و هدایت همه انسان ها ، به کارگیری اعجاز و به خدمت گرفتن فرشته ها و ... می باشد بر این اساس در آموزه های دینی اهل

۱ نک ، دوانی ، علی ، دانشمند ان عامه و مهدی موعود ، ص ۱۴۱ .

۲ شعرانی ، عبدالوهاب ، الیواقیت والجواهر ، ج ۲ ، باب ۶۵ .

سنت و شیعه برای رهبر جهانی، شاخصه های منحصر به فرد، نظیر، همراهی فرشتگان، صدور اعجاز و نیز جایگاه متعالی ایشان، برشمرده اند یعنی اهل سنت و شیعه در بیان شاخصه ها و مقام های امام مهدی عج نیاز دیدگاه مشترکی برخوردار هستند.

### ۱-۵-۳ همراهی فرشتگان:

رهبر نهضت جهانی برای رسیدن به اهداف بلند مرتبه ای که همان تشکیل حکومت جهانی و گسترش عدالت در سراسر جهان است نیاز به مساعدت مافوق طبیعت و همراهی فرشتگان دارد. از این رو در روایات گوناگون می خوانیم افزون بر یاران خاص و عام امام مهدی عج که در میان انسان ها گزینش می شوند یارانی نیز از میان فرشتگان، جهت همراهی و کمک به رهبر جهانی انتخاب می شوند چنان که رسول خدا ص در بیان وصف امام مهدی عج می فرماید:

«... فیبايع له بين الركن و المقام، ثم يخرج متوجها الى الشام جبرئيل

على مقدمته وميكائيل على ساقته، فيفرح به اهل السماء و اهل الارض...»<sup>۱</sup>

«در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. سپس در حالی که

جبرئیل پیشاپیش او و میکائیل پشت سر او است متوجه سرزمین شام

می گردد. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند.»

در کتاب کنز العمال به نقل از رسول خدا آمده است:

«فلو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله عزوجل ذلك اليوم

حتى ياتيهم رجل من اهل بيتي، تكون الملائكة بين يديه و يظهر

۱ الحاوی للفتاوی، ج ۲، باب آثار الواردة فی المهدی، ص ۸۲.



## الاسلام» ۱

«پس اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را به قدری طولانی نماید تا این که مردی از اهل بیت من که ملائکه در پیشاپیش او قرار دارند و قیام کند و اسلام را پیروز گرداند.»  
در منابع شیعه، روایاتی که به همراهی فرشتگان با امام مهدی علیه السلام اشاره دارند فراوان آمده است که به عنوان نمونه در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک روایت طولانی که به بحث نبوت و امامت پرداخته اند در پایان آن به بحث امام مهدی علیه السلام نیز اشاره کرده و فرمودند:

«التاسع منهم قائم اهل بیتی و مهدی امتی ، ائمه الناس بی فی شمائله و اقواله و افعاله ... ویؤید بنصر الله و ینصر بملائکة الله ...»<sup>۲</sup>  
«نهمین آن ها قائم اهل بیت من مهدی امت من است که در خوی ، گفتار و کردار از همه کس به من شبیه تر است ... به یاری خداوند تایید می گردد و به وسیله فرشتگان یاری می شود.»  
امام باقر علیه السلام فرموده است:

«کانی بالقائم علی نجف الکوفه ، وقد سار الیها من مکة بخمسة آلاف من الملائکة: جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله»<sup>۳</sup>

۱ متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۱۴، ص ۲۶۹، ح ۳۸۶۸۴.

۲ الخزاز القمی، کفایت الاثر، ص ۱۱.

۳ محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۲.

«گویی قائم را در بلندی کوفه می‌بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی کوفه شتافته جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ حرکت می‌کنند.»

### ۲-۵-۳ معجزات امام مهدی علیه السلام:

از آنجایی که رسالت امام مهدی علیه السلام جهانی است و نتیجه بخش رسالت همه انبیا در طول تاریخ بشریت می‌باشد، امام مهدی جهت پیشبرد اهداف جهانی خود نیاز به اعجاز و نیروی ماورای طبیعت دارد. بر این اساس استفاده امام مهدی از اعجاز همه انبیا و بهره بردن ایشان از موارث انبیا و حضور و ظهور ملموس برخی انبیا و مشارکت آن‌ها در پیشبرد نهضت جهانی قابل توجه است.

در منابع اهل سنت از قول رسول خدا آمده است:

«يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ عَلِيَّ رَاسَهُ غَمَامَةً، فِيهَا مَنَادٌ يَنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ

خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتْبُوهُ»<sup>۱</sup>

«امام مهدی علیه السلام قیام می‌کند که بر بالای سرش ملکی صدا می‌زند

این فرد مهدی است پس پیروی کنید او را»

در منابع شیعه نیز پیرامون اعجاز امام مهدی علیه السلام روایات گوناگونی

نقل شده است:

جابر بن عبدالله با مشاهده لوحی که در برابر حضرت زهرا بود نقل

می‌کند که خداوند در آن پیرامون امام مهدی چنین فرموده است:

۱ الذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۹.

«ولا طهرن الارض باخرهم من اعدائی ولا مکینه مشارق الارض و مغاربها ولا سخن له الريح و لا ركضن له السحاب لارقينه في الاسباب ، ولا نصرنه بجندی و لا مدنه بملائکتی حتی يعلن دعوتی ، و یجمع الخلق علی توحیدی»<sup>۱</sup>

«و زمین را به وسیله آخرین آن ها (امام مهدی عج) از دشمنانم پاک می سازیم ، شرق و غرب جهان را به او تملک نموده ، بادهای را به تسخیر او در آورده ، ابرها را زیر پای او قرار می دهیم ، برترین ابزارها را در اختیار او گذاشته ، با سپاه خود او را یاری نموده ، با فرشتگانم او را تایید می نمایم تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد.»

امام باقر ع در مورد اعجاز امام مهدی می فرماید:

«اذا قام بمكة و اراد ان يتوجه الى الكوفة نادى مناديه: الا لا يحملن احد طعاماً ولا شرباً و يحمل معه حجر موسى بن عمران ... فلا ينزل منزلاً الا انفجرت منه عيون فمن كان جائعاً و من كان ظامئاً روى...»<sup>۲</sup>

«هنگامی که در مکه قیام کند عازم به سوی کوفه می شود منادی ندا می کند هیچ کس خوردنی و آشامیدنی با خود بر ندارد . آن گاه سنگ حضرت موسی را با خود بر می دارد ... در هر محلی که منزل - کند از آن سنگ چشمه ها سرازیر می شود افراد سپاه از آن می خورند گرسنگان سیر می شوند و تشنگان سیراب می شوند...»

۱ طوسی ، حسن ، کتاب غیبت ، ص ۵۹

۲ اصول کافی ، ج ۱ ص ۲۳۱

۳-۵-۳ مقام و سیادت امام مهدی علیه السلام

از منظر اهل سنت و شیعه قیام گر نهضت جهانی افزون بر این که نزد مردم جایگاه والا و مقام ارزشمندی دارد ، نزد خدا نیز دارای مقام و منزلت است ، نمودار این جایگاه و مقام ، روایات بسیاری است که در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت و شیعه آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «نحن ولد عبدالمطلب سادة اهل الجنة:

انا و حمزه و علی و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي علیه السلام»<sup>۱</sup>

«ما فرزندان عبدالمطلب یعنی من ، حمزه ، علی ، جعفر ، حسن ،

حسین ، و مهدی ، سروران بهشت هستیم.»

باز ابن عباس از رسول خدا نقل کرده است: «المهدی طاووس اهل

الجنة»<sup>۲</sup>

باز از رسول خدا پیرامون محبت امام مهدی علیه السلام نقل شده است:

«اربعة من اهلی قد احبهم الله و امرنی ، بحبهم: علی بن ابی طالب ،

والحسن و الاحسین و المهدي»<sup>۳</sup>

«خداوند چهار تن از اهل بیت من را بیش تر دوست دارد و به من

نیز امر کرده که آن ها را دوست بدارم یعنی علی ابن ابیطالب ، حسن ،

۱ سنن ابن ماجه ، ج ۲ ص ۱۳۶۸ ، ب ۳۴ ، ح ۴۰۸۷ .

۲ دیلمی ، شیرویه ، الفردوس الاخبار ، ج ۴ ، ص ۲۲۲ ، ح ۶۶۶۸ .

۳ حلی ، حسن ، کشف الیقین ، ص ۱۱۷ .

حسین و مهدی»

و در کتاب سلیم بن قیس از قول پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است:

«الا نحن بنو عبدالمطلب سادة اهل الجنة ؛ انا و علی و جعفر و حمزة و الحسن و الحسين و فاطمة و المهدی»<sup>۱</sup> «همانا ما فرزندان عبدالمطلب یعنی من ، جعفر ، حمزه ، حسن ، حسین ، فاطمه و مهدی سروران بهشت هستیم»

باز در منابع شیعه در کتاب غیبه نعمانی پیرامون مقام امام مهدی ﷺ از قول رسول خدا نقل شده است:

«ان الله عزوجل اختار من كل شئ شيئاً ... و اختار منی و من علی؛ الحسن و الحسين يكمله «وتكلمه» اثنا عشر اماماً من ولد الحسين ، تاسعهم باطنهم ، و هو ظاهرهم ، وهو افضلهم ، و هو قائمهم ، ینفون عنه تحريف الغالین وانتحال المبطلین و تاویل الجاهلین»<sup>۲</sup>

«خداوند متعال از هر شئی چیزی را برگزیده است ... و از من و علی، حسن و حسین ، را انتخاب کرده و تکمیل کرده امامان دوازده گانه از فرزندان حسین که نهمین آنها باطن و ظاهر آن هاست و او افضل و قائم می باشد و به واسطه مهدی تحریف ، تحریف کنندگان و نیرنگ و تاویل گمراهان و نادانان از بین می رود.»

۱ کتاب سلیم بن قیس الکوفی ، ص ۲۴۶ .

۲ نعمانی ، محمد ، کتاب الغیبه ، ص ۷۳ .

### ۶-۳ نشانه های ظهور:

رخداد ظهور به جهت مهم بودن دارای نشانه هایی است ، که نقش بیدار باش و هشدار را دارند ، ظهوری که پیام آور نهضت جهانی است ثمره آن تشکیل حکومت جهانی و گسترش عدالت در کران تا کران زمین بوده و براین نخستین بار زمینیان «به زیستن» را در زیستگاه خود تجربه می کنند .

ظهور و نشانه های آن از منظر باورمندان به موعود و معتقدین به مهدویت امری مسجل و روشن است و در این امر نه تنها مهدی باوران هم نظر هستند بلکه موعود باوران نیز آن ها را (در نشانه مند بودن ظهور) همراهی می کنند ، در این قسمت تنها به نشانه های ظهور که گروه های اسلامی در آن متفق القول هستند ، اشاره می کنیم:

#### ۱-۶-۳ ندای آسمانی در منابع اهل سنت و شیعه:

احمد بن المنادی از حضرت علی علیه السلام نقل می کند: «اذا نادى مناد

من السماء ان الحق فى آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي»<sup>۱</sup>

«هنگامی که منادی از طرف آسمان صدا می زند که حق مال آل

محمد است در این هنگام حضرت مهدی ظهور می کند»

امام باقر علیه السلام پیرامون نشانه های ظهور فرموده است:

«ان فى القائم من آل محمد شبها من خمسة من الرسل ... و ان

علامات خروجه ... و مناد ینادى من السماء باسمه و اسم ابيه»<sup>۲</sup>

۱ ابن منادی ، احمد ، الملاحم والفتن ، ص ۴۴ .

۲ صدوق ، محمد ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۲۷ .

«امام مهدی علیه السلام شباهت به پنج پیامبر دارد ... و ظهورش دارای نشانه هایی است ... از جمله ندای آسمانی که به اسم خودش و پدرش نام برده می شود.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی پیرامون ظهور امام و نشانه های او فرموده است:

«ثم نودی بندا ۱ یسمعه من البعد كما یسمعه من القرب ، یكون رحمة علی المؤمنین و عذاباً علی المنافقین ، قلت (امیر مؤمنان) وما ذلک النداء ؟ قال: ثلاثة اصوات فی رجب ، اولها: الا لغته الله علی الظالمین ، والثانی ازفت الازفة و الثالث ترون بدریا مع قرن الشمس ینادی: الا ان الله قد بعث فلان بن فلان حتی ینسبه الی علی علیه السلام فیه هلاک الظالمین» ۱

«بانگ بر آورده شده و صدای آن را دور و نزدیک می شنوند ، پیام آور رحمت برای مؤمنان و عذاب برای منافقان است ، امیر مؤمنان به رسول خدا گفت آن بانگ چه بانگی است فرمود: سه بانگ در ماه رجب زده می شود ، نخست نفرین بر ظالمین دوم اعلان نزدیک شدن قیامت و سوم این که بالای خورشید منادی ای ندا می زند: آگاه باشید خداوند حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن ... علی بن ابی طالب را برانگیخته تا ستمگران را به هلاکت برساند.»

۲-۶-۳ طلوع شمس از مغرب:

در این باره از رسول خدا نقل شده است:

«ان الساعة لا تقوم حتی یکون عشر آيات: الدخان ، والدابة و طلوع

۱ الخزاز القمی ، علی ، کفایة الاثر ، ص ۱۵۷ .

الشمس من مغربها...»<sup>۱</sup>

«قیامت رخ نمی دهد مگر با ظهور ده علامت نظیر دود، دجال، دابة الارض و طلوع خورشید از ناحیه مغرب»

در سنن الدانی، خطبه ای از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که حضرت بعد از سخن گفتن پیرامون دجال فرموده:

«وذلك بعد طلوع الشمس من مغربها»<sup>۲</sup> «خروج دجال بعد از طلوع

خورشید از مغرب است»

در منابع شیعه نیز به طلوع خورشید از مغرب اشاره شده و آن را نشانه ظهور حضرت مهدی قلمداد نموده است:

مثلاً رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «عشر آیات بین یدی الساعة

خمس بالشرق و خمس بالمغرب، فذكر الدابة والدجال و طلوع الشمس

من مغربها و عیسی بن مریم و...»<sup>۳</sup>

«ده نشانه در شرف قیامت به وقوع می پیوندد، پنج تا از ناحیه مشرق و پنج تای دیگر از ناحیه مغرب رخ می دهد پس رسول خدا یاد کردند دابه و دجال و طلوع خورشید از مغرب و نزول حضرت عیسی را»

جهت تبیین رخداد «طلوع خورشید از مغرب» نیاز به طرح برخی

۱ الطیالیسی، سلیمان، مسند الطیالیسی، ج ۱۰۶۷ ص ۱۴۳

۲ الدانی، عثمان، السنن الواردة فی الفتن، ص ۱۳۵.

۳ بابویه قمی، محمد؛ الخصال، ج ۲، ج ۴۶، ص ۴۴۷.



از دیدگاه‌ها پیرامون نشانه‌های ظهور است، مثلاً سید محمد صدر در کتاب «تاریخ ما بعد ظهور»<sup>۱</sup> به این نکته می‌پردازد که برخی از نشانه‌های ظهور به صورت رمزی و نمادین می‌باشد زیرا درک پایین مردم، به رسول خدا ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام اجازه نمی‌داد تا رخداد های آینده و نشانه‌های ظهور را به صورت صریح و روشن بیان کنند. از این رو برخی از نشانه‌های غیبت به صورت سمبلیک مطرح شده است با فرض قبول دیدگاه فوق می‌توان به تاویل و تفسیر «طلوع خورشید از مغرب» پرداخت و دو نظریه را فراسوی خود ترسیم کرد:

نظریه نخست: واقعه «طلوع خورشید از مغرب» به منزله یک رخداد خارجی تلقی نمی‌شود که خورشید از مسیر خود خارج شده و حرکت عکسی داشته باشد یعنی در آن مسیری که حرکت می‌کرده و به جلو می‌رفته است، برگردد و مسیر عقب‌گرد را ادامه دهد که بر این اساس محل غروب خورشید، محل طلوع آن و محل طلوع خورشید، محل غروب آن تصور شود، بلکه تعبیر درست آن است که بگوئیم، خورشید بکار رفته در روایات، همان امام مهدی است که در میان انسان‌ها نقش خورشید را ایفا کرده و سبب حیات و نجات انسان‌ها می‌شود، همان تعبیری که در روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده و امام مهدی علیه‌السلام به منزله خورشید به مردم نفع می‌رساند حتی در زمانی که در پس پرده غیب بسر می‌برند شبیه خورشید پشت ابر، برای مردم منفعت دارد.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که امام مهدی علیه‌السلام به منزله

۱ صدر، سید محمد، مابعدالظهور، ص ۱۴۰.

خورشیدی است که در مکه برای غالب کشورهای اسلامی نظیر ایران ، عراق ، دمشق و مردمان عربستان از لحاظ جغرافیایی در مغرب این کشورها قرار دارد ، ظهور می کند پس طلوع خورشید از مغرب به معنای ظهور امام مهدی عج از مکه است .

در تایید نظریه فوق می توان به روایتی از امیر مؤمنان اشاره کرد که به همین موضوع اختصاص دارد و در منابع اهل سنت و شیعه آمده است .

در یک روایت طولانی امیر مؤمنان علی ع پیرامون خروج دجال و نشانه های ظهور و قیامت ، مطلبی را نقل می کند که از جمله آن ها بیان طلوع خورشید از مغرب است . در این میان راوی از صعصعه (یکی از یاران خاص امیر مؤمنان است) از تفسیر سخنان حضرت علی پیرامون طلوع خورشید از مغرب می پرسد . صعصعه می گوید:

«ان الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم هو الثانی عشر من العترة ، التاسع من ولد الحسین بن علی و هو الشمس الطالعة من مغربها ، یظهر عند الرکن المقام ...»<sup>۱</sup>

«آن کسی که حضرت عیسی پشت سرش نماز می خواند دوازدهمین عترت و نهمین فرزند امام حسین است و او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند و میان رکن و مقام ظاهر می شود.»  
نظریه دوم: طلوع خورشید از مغرب ، بیان واقعه ای است که در

۱ صدوق ، محمد؛ کمال الدین ، ج ۲ ، ب ۴۷ ، ج ۱ ، ص ۵۲۵ و الدانی ، عثمان ، السنن الواردة من

شرف ظهور رخ خواهد داد و آن رخداد همان کسوف و خورشید گرفتگی است که به یک باره در اثنای روز با پدیده خورشید گرفتگی، تاریکی و ظلمت همه جای زمین را فرا گرفته، این طور وانمود می شود که شب پدیدار گشته است و بعد از گذر ساعاتی مثلاً در شرف پایان روز، خورشید از گرفتگی خارج می شود این طور برای مردم تلقی می شود که انگار خورشید در مغرب طلوع کرده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۶-۳ قیام دجال:

از جمله نشانه های ظهور امام مهدی، قیام سمبل شرارت و خساست، دجال است. شاید علت خروج دجال این باشد که در دوران ظهور دو حیث مثبت و منفی بشر یعنی خصال خوب و بد انسانها به اوج خود می رسد، به تعبیر دیگر خوبی ها و بسترهای آن در مقابل بدی ها و زمینه های آن به منتهی الیه سیر خود خواهند رسید.

بر این اساس امام مهدی عج که سمبل خوبی هاست، با ظهور خویش محسنات اخلاقی و زندگی انسانی و معنویات جنبه های متعالی را به ارمغان می آورد، و در مقابل، دجال که نماد بدی ها است، با قیام خویش رذایل اخلاقی، زندگی حیوانی و مادی را در میان بشر ترویج می کند، بنابراین در دوران ظهور دو قطب مخالف که در اوج مثبت و منفی قرار دارند به میدان مبارزه و جنگ کشیده شده و برای نخستین و آخرین بار مظهر بدی ها به دست مظهر خوبی ها نیست و نابود می گردد.

۱ مفید، محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

در منابع اهل سنت آمده که رسول خدا چنین فرموده است:  
 «بادروا بالاعمال ستاً: طلوع الشمس من مغربها، والدجال، والدخان  
 و دابة الارض...»<sup>۱</sup>

«به انجام کارها بپردازید قبل از آن که شش واقعه رخ دهد: طلوع  
 خورشید از ناحیه مغرب، خروج دجال و پدید دود و دابة الارض و...»

امیر مؤمنان از رسول خدا ﷺ نقل می کند:  
 «عشر قبل الساعة لا بد منها: السفیانی، والدجال، والدخان، و  
 الدابة...»<sup>۲</sup>

«حتماً ده چیز قبل از قیامت رخ خواهد داد، سفیانی و دجال و  
 دود و دابة الارض از جمله آن ها است...»

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه «یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع  
 نفسا ایمانها»<sup>۳</sup> «روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت (پدید) آید،  
 ایمان آوردن سودی ندارد»، از قول امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام  
 چنین نقل شده است:

«طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابة و الدجال...»<sup>۴</sup>  
 «طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال از نشانه های

۱ الطیالسی، سلیمان، مسند الطیالسی، ص ۲۳۲، ح ۲۵۴۹.

۲ طوسی، حسن، کتاب الغیبة، ص ۲۶۷.

۳ انعام آیه ۱۵۸.

۴ تفسیر عیاشی ف ج ۱، ص ۳۸۴.

قیامت است»

### ۷-۳ زمینه سازان ظهور (الممهدون):

وجود ممهدون و زمینه سازان ظهور قبل از تحقق ظهور ، مورد گفتمان و پذیرش اهل سنت و شیعه است ، به بیان دیگر ، در باورداشت همه گروه های اسلامی ظهور امری دفعی و صدفه ای تلقی نمی شود بلکه یک واقعه ای است که با بستر سازی و تمهیدات که توسط ممهدون صورت می گیرد و به تدریج رخ می دهد . بر این اساس قیام های پیش از ظهور که به قیام امام مهدی ختم می شود و در منابع اهل سنت و شیعه آمده توجیه پذیر است: در تفسیر مجمع البیان آمده که رسول خدا بعد از تلاوت آیه «وممن خلقنا امة یهدون بالحق و به یعدلون»<sup>۱</sup> «واز میان کسانی که آفریدیم ، گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و به حق داوری می نمایند» فرموده است:

«ان من امتی قوما علی الحق حتی ینزل عیسی بن مریم»<sup>۲</sup>

«همانا از امت من گروهی دائماً بر محور حق دور می زنند تا

حضرت عیسی از آسمان نازل شود»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «کانی یقوم قد خرجوا بالمشرق ،

یطلبون الحق فلا یعطونه ، ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا راوا ذلک وضعوا

۱ اعراف آیه ۱۸۱ .

۲ الطبرسی ، فضل ، مجمع البیان ، ج ۴ ، ص ۵۰۳ .

سیوفهم علی عواتقهم ، فیعطون ما سالوه فلا یقبلونه حتی یقوموا ، ولا یدفعونها الا الی صاحبکم ، قتلاهم شهدا اما انی لو ادرکت ذلک لا ستبیت نفسی لصاحب هذا الامر»<sup>۱</sup>

«گروهی از سوی مشرق جهت دست یابی به حق قیام می کنند ولی به آن نمی رسند بار دیگر قیام خود را آغاز می کنند باز به آن نمی رسند در این صورت با اسلحه به قیام خود ادامه داده و به هدف و خواسته خود می رسند ولی این مقدار را قبول نکرده به قیام ادامه می دهند تا این که نهضت خود را به صاحب شان (امام مهدی) می رسانند ، کشته های شان شهید حساب می شوند، چنان که آن زمان را درک کنم خود را وقف صاحب آن قیام (امام مهدی) می کنم .

در کتاب سنن الدانی جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ نقل می کند:

«لاتزال طائفة من امتی تقاتل عن الحق حتی ... ینزل المهدی»<sup>۲</sup>

«گروهی از امت من پیوسته در راه حق مبارزه می کنند تا این که حضرت مهدی ﷺ ظهور کند.»

رسول خدا ﷺ فرموده است: «یاتی قوم من هاهنا ، من نحو المشرق ، اصحاب رایات سود ، یسالون الحق فلا یعطونه ، مرتین او ثلاثا فیقاتلون فینصرون ، فیعطون ما سالوا فلا یقبلوها حتی یدفعوها الی رجل

۱ نعمانی ، محمد ، کتاب الغیبه ، ب ۱۴ ، ج ۵۰ ، ص ۲۷۳ .

۲ الدانی ، عثمان ، سنن الوارده فی الفتن ، ص ۱۴۳ .

من اهل بیتی ، فیما لها عدلا کما ملووها ظلماً ...»<sup>۱</sup>

«گروهی از طرف مشرق که پرچم های سیاه دارند قیام می کنند ، دویاسه بار در راه حق مبارزه می کنند تا این که به پیروزی می رسند ، بعد از پیروزی باز به مبارزه ادامه می دهند تا این که پرچم را بدست مردی از اهل بیت من می رساند پس ایشان جهان را پر از عدل می کند چنانچه پر از ظلم شده بود .

### ۸-۳ یاران خاص امام مهدی علیه السلام:

از جمله مواردی که تحقق ظهور ، به آن وابسته می باشد ، به حد نصاب رسیدن یاران خاص امام مهدی است یا به عبارتی دیگر و نگاه دقیق تر ، وجود یاران خاص امام مهدی در حقیقت شرط ظهور می باشد که با آمادگی آن ها ، وقوع ظهور و آمدن حضرت مهدی علیه السلام قطعی می شود.

بیان موضوع فوق: در فرآیند تحقق ظهور ، دو نوع رخداد وجود دارد که دارای نقش متفاوت می باشد ، برخی از آن رخداد ها نقش علامت و نشانه را ایفا می کنند نظیر صیحه آسمانی ، خروج دجال ، خسف بیداد و ... و برخی دیگر از آن رخدادها ، نقش شرط و علت مُعَدّه را دارند که تفاوت آن ها در این است که ظهور بدون وجود علامت ، دست یافتنی است اما بدون وجود شرط اصلاً دست یافتنی نمی باشد و همچنین با وجود علامت نمی توان به تحقق حتمی ظهور دست

۱ ابن المنادی ، احمد الملاحم والفتن ، ص ۸۴ .

یافت اما با تحقق شرایط ، تحقق ظهور حتمی است.  
 یاران خاص امام مهدی در واقع جزو شرط ظهور به شمار می آیند ، البته با یک نگاه دقیق تر و ریز تر به نتیجه دیگری می توان رسید و آن این که وجود یاران خاص ، به نوعی نشانگر تحقق شرط هستند نه خود شرط ؛ یعنی خود وجود یاران خاص حضرت شرط ظهور نیستند ، بلکه فراهم آمدن یاران خاص در جامعه ، حکایت از این مساله دارد که جامعه ای که چنین یارانی را پرورش و شکوفا می کند ، جامعه قابل و شایسته‌ای است ، که قابلیت و آمادگی وقوع ظهور امام مهدی عج را دارد. پس چنین نتیجه می گیریم:

نخست این که جامعه‌ای که یاران خاص حضرت را در دامان خود پرورش می دهد جامعه ای شایسته و بایسته است .  
 دوم این که جامعه ای که دارای شایستگی و بایستگی لازم باشد لیاقت درک ظهور و تشکیل حکومت جهانی و گسترش عدالت را دارد.  
 سوم این که در چنین جامعه ای امام مهدی می تواند با یاران خاص و همراه با مردم شایسته به رسالت جهانی خویش مبادرت ورزد .  
 از جمله مواردی که اهل سنت و شیعه با هم اتفاق نظر دارند ، وجود یاران خاص امام مهدی عج که تعداد آن ها سیصد سیزده تن می باشند است .

در مصنف بن ابی شیبه ، ام سلمة از رسول خدا نقل می کند:  
 «ببایع لرجل بین الرکن و المقام کعدة اهل بدر»<sup>۱</sup> «به تعداد اصحاب بدر

۱ ابی شیبه عبدالله ، المصنف ، ج ۱۹۰۷۰ ، ص ۴۵ .



در میان رکن و مقام با حضرت مهدی بیعت می کنند.»

باز ام سلمة از رسول خدا نقل می کند: «يجتمع اليه (المهدي) ثلاثمائة و اربعة عشر رجلا ، فيهم نسوة»<sup>۱</sup>

«همراهی می کنند حضرت مهدی عج را سیصد و چهارده نفر مرد که در میانشان زنان نیز هستند»

در منابع شیعه پیرامون یاران خاص امام مهدی عج روایات فراوانی آمده که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می شود:

امام صادق عج می فرماید:

«يُخرج معه (مهدی) مثل عدة اهل بدر ، ثلاثمائة ثلاثة عشر رجلا»<sup>۲</sup>

«همراه حضرت مهدی عج سیصد و سیزده نفر مردم به تعداد اصحاب بدر قیام می کنند»

امام باقر عج نیز فرموده است:

«اصحاب القائم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً اولاد العجم»<sup>۳</sup>

«یاران امام مهدی سیصد و سیزده مرد می باشند که همه آن ها از عجم هستند»

### ۹-۳ میراث دار انبیاء:

رهبر نهضت جهانی به خاطر رسالت و تشکیل حکومت جهانی ،

۱ الهیمنی ، نورالدین علی ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، ج ۷ ، ص ۳۱۵ .

۲ صدوق ، محمد ، کمال الدین ، ج ۲ ، باب ۵۷ ، ج ۲۰ ، ص ۶۵۴ .

۳ نعمانی ، محمد ، کتاب الغیبة ، ب ۱۱ ، ح ۴ ، ص ۱۹۵ .

علاوه بر ابزار و وسایل طبیعی ، نیاز به امداد های غیبی و نیروهای ماورائی دارد ، از این رو برخی از روایات ، به صدور اعجاز به دست امام مهدی علیه السلام اشاره شده است

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لو لم یبقی من الدنیا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک

رجل من اهل بیتی تجری الملاحم علی یدیه ...»<sup>۱</sup>

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به

قدری طولانی می سازد که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود

و معجزات به دست او آشکار می شود»

بر همین اساس وجود موارث انبیاء و صدور کارهای مافوق

طبیعت از آن ها ، از ناحیه امام مهدی علیه السلام می توان توجیه کرد ، این

موضوع در منابع اهل سنت و شیعه به روشنی به آن اشاره شده است .

سیوطی در کتاب خویش از امیرمؤمنان علی چنین نقل کرده

است: «معه (المهدی) رایة رسول الله»<sup>۲</sup> «پرچم رسول خدا همراه امام

مهدی علیه السلام است»

امام باقر علیه السلام فرموده است:

«یظهر المهدی بمكة عند العشاء و معه رایة رسول الله»<sup>۳</sup>

«امام مهدی علیه السلام هنگام عشاء در مکه ظاهر می شود در حالی که با

۱ السیوطی ، جلا الدین ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۱۳۳ .

۲ همان ، ج ۲ ، ص ۷۷ .

۳ الحر العاملی ، محمد ، اثبات الهداة ، ج ۳ ، ب ۳۲ ، ف ۱۵ ، ج ۱۵۱ ، ص ۶۱۴ .

او پرچم رسول خدا ﷺ است.»

در کتاب مصنف عبد الرزاق از کعب نقل کرده است:

«ويستخرج (المهدي) التوراة والانجيل، من ارض يقال لها: انطاكية» ۱

«امام مهدی ع از منطقه انطاکیه، تورات و انجیل را از زمین خارج

می کند.»

امام باقر ع فرموده اند: «يستخرج (المهدي) التوراة وسائر كتب

الله من غار بانطاكية» ۲

«امام مهدی تورات و سایر کتاب های آسمانی را از غار انطاکیه

بیرون می آورد.»

باز امام باقر فرموده است:

«معه (المهدي) سلاح رسول الله ، ودرع رسول الله ، سيف رسول

الله» ۳

«اسلحه رسول خدا و کلاه و ذرع و شمشیر رسول خدا همراه با

امام مهدی است»

بیان موارد فوق که مورد قبول اهل سنت و شیعه بوده و در منابع

هر دو فرقه مهم اسلامی آمده است، می تواند سوژه های مناسبی برای

همگرایی و هم نظری میان همه مسلمانان باشد.

۱ الصنعانی، عبد الرزاق، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۲، ص ۳۷۲.

۲ صدوق، محمد، علل الشرایع، ب ۱۲۹، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳ الاصول الستة عشر، ص ۷۹.

### خلاصه و نتیجه نوشتار:

مقوله اتحاد و هم‌گرایی بر اساس داده های عقلی ، فطری ، انسانی و دینی توجیه پذیر است یعنی عقل ، فطرت ، انسانیت و دین ، ضرورت اتحاد و هم‌گرایی را رصد کرده و بر اثبات آن همت می‌گمارد ، بر این اساس نمی‌توان جامعه بشری را منهای اتحاد و اتحاد را در بستری جزء جامعه تصور نمود ، پس رابطه میان جامعه و مقوله اتحاد رابطه علیّ و معلولی می‌باشد . و رابطه علیّ و معلولی که همان رابطه تکوینی است ؛ بر اساس واقعیت خارجی ترسیم می‌شود ، نه بر محور رابطه اعتباری و قرار دادی از این رو به جهت اهمیت و ضرورت هم‌گرایی و تاثیر گذاری آن در پیشرفت و ترقی بشر و جوامع بشری از حیث مادی و معنوی ، صاحبان مکاتب الهی و توحیدی به مساله هم‌گرایی و تحقق آن در بین انسان ها به ویژه انسان‌های باورمند به ادیان الهی ، اهتمام جدی داشته و جهت اجرای آن از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرده‌اند .

در این میان ، نقش آخرین دین الهی یعنی اسلام که جامع ترین و کامل ترین ادیان آسمانی است ، نقش انحصاری و بی‌بدیل است . در جای جای متون اسلامی اعم از آموزه های فردی و اجتماعی ، رد پای اتحاد و هم‌گرایی نمایان است ، اسلام به باور مندان اسلامی ، به امر خداوند توصیه به اتحاد و هم‌دلی می‌کند و می‌فرماید:

(واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا)<sup>۱</sup> «و همگی به ريسمان خدا

چنگ زنید و پراکنده نشوید»

(ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاتقون)<sup>۱</sup> «در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید»

(و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوا ولا تتبعوا السبیل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون)<sup>۲</sup> «و حقیقتاً این است راه راست من ، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های (دیگری) که شما از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی نکنید ، این هاست که (خدا) شما را به آن سفارش کرده است باشد که تقوا گزینید»

به ادیان دیگر نظیر ، مسیحیت و یهودیت نیز توصیه به اتحاد با مسلمانان کرده و آنان را به اتحاد بر محور های اصلی ترین باورهای دینی یعنی خداشناسی و یکتا پرستی ، فرا می خواند .

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا تعبدوا الا الله و لا نشرک به شیئاً...»

«بگو: ای اهل کتاب بیائید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...»

در اسلام و فرهنگ اسلامی وجود بی شمار آموزه‌های هم‌گرا و وحدت‌آفرین ، رسالت باورمندان به اسلام به ویژه عالمان و اندیشمندان

۱ مؤمنون ، آیه ۵۲ .

۲ انعام ، ۱۵۳ .

اسلامی را جهت تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان و جوامع اسلامی دو چندان می نماید .

بر این اساس ، جا دارد که اندیشمندان و فرهیختگان دینی برای فرصت سازی در راستای فرهنگ سازی هم‌گرایی ، میان مسلمانان از آموزه های هم‌گرایی (آموزه های اصلی نظیر، خدا ، قرآن ، رسالت ، مهدویت ، و ... و آموزه های فرعی نظیر ، نماز ، حج ، ... ) جهت نیل به جامعه مطلوب اسلامی بهره کافی ببرند .

در میان آموزه های هم‌گرا ، نقش آموزه های مهدویت ، بی بدیل و ویژه است زیرا باور داشت مهدویت یک باور فرامذهبی بوده و مورد پسند همه گروه های اسلامی می باشد از این رو می توان با دست مایه قرار دادن مهدویت ، و ترویج و اشاعه آن ، اتحاد و هم دلی را در میان مسلمانان و جوامع اسلامی اجرائی و عملیاتی کرد ، که ثمره آن ، سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده آل اسلامی که همان جامعه مهدوی است می باشد .

## منابع:

- قرآن ترجمه فولاوند  
نهج البلاغه
- ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، دار احياء الكتب العربية، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم  
ابن ابى الدنيا، مكارم الاخلاق، مكتبة القرآن للطبع والنشر والتوزيع، مصر  
ابن الاشعث السجستاني، سنن ابى داود، دارالفكر للطباعة والنشر، التوزيع، سال ١٤١٠ هـ. ق  
ابن المنادى، احمد، الملاحم الفتن، المكتبة الظاهرية، دمشق  
ابن خلدون، عبدالرحمن، تاريخ ابن خلدون، دار الكتاب العلمي، بيروت  
ابن شعبه الحراني، تحف العقول، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ دوم، قم ١٤٠٤ هـ. ق  
ابن منظور، محمد، لسان العرب، ادب الحوزه، قم ١٣٨٠ هـ. ش  
ابن هشام الحميدي، السيرة النبوة مكتبة محمد على صبيح و اولاده، مصر، ١٩٦٣ م  
ابى شيبة، عبد الله، المصنف، الدار السلفية، هند  
احمد بن حنبل، مسند احمد، دارالصادر، بيروت  
احمد حسين يعقوب، حقيقة الاعتقاد بالامام المهدي المنتظر، دارالملاك اردن، سال ٢٠٠٠ م  
اربلى، على، كشف الغمة، دارالاضواء بيروت  
الامين، حسن، مستدركات اعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، بيروت ١٤١٨ هـ. ق  
بابويه قمي، محمد، الخصال، انتشارات جامعه مدرسين، قم  
البخارى، التاريخ الكبير، المكتبة الاسلامية، قم  
البخارى، صحيح البخارى، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع سال ١٤٠١ ق  
البغدادي، احمد، الملاحم والفتن، مكتبة المسجد جدا لعظيم، قم  
بيهقي، السنن الكبرى، دارالفكر، بيروت  
الترمذي، سنن الترمذي، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ دوم بيروت سال ١٤٠٣ هـ. ق  
الجابري، محمد عابد، فكر بن خلدون العصبية والدولة، دارالشؤون الثقافية العامة بغداد  
جمالى، ابوالحسن، نامه هاى سيد جمال، مجموعه مقالات كنگره تقريب بين مذاهب

- الجوهري ، احمد ، مقتضب الاثر ، مكتبة الطباطبائي ، قم
- الجويني الخراساني ، ابراهيم ، فرائد السمطين ، مؤسسة المحمودي للطباعة والنشر ، بيروت
- الحر العاملی ، محمد ، الايقاظ من الهجعة ، المطبة العلمية ، چاپ دوم ، قم ۱۳۸۴ هـ . ش
- الحر العاملی ، محمد ، وسائل الشيعة ، موسسه آل البيت ، چاپ سوم ، قم ، ۱۴۱۶ هـ . ق
- الخراز القمي ، علي ، كفايت الاثر ، انتشارات بيدار ، قم ۱۴۰۱ هـ . ق
- العلی ، حسن ، كشف اليقين ، دار الكتب التجارية ، نجف
- العميدی ، سامر هاشم ، دفاع عن الكافي ، مركز الفدير للدراسات الاسلاميه ، ۱۴۱۵ هـ . ق
- حويزی ، عبد العلي ، تفسير نورالتقلين ، دارالتفسير ، قم ۱۳۸۲ هـ . ش
- الداني ، عثمان ، السنن الواردة في الفتن ، المكتبة الظاهرية ، دمشق
- دواني ، علي ، دانشمندان عامه ومهدی موعود ، دارالكتب الاسلاميه ، تهران ۱۳۸۴
- الديلمي ، شيرويه ، الفردوس الاخبار ، دارالكتب العلمية ، بيروت
- الذهبي ، ميزان الاعتدال ، دارالمعرفة للطباعة والنشر ، بيروت ۱۹۶۳ م
- ري شهري ، محمد ، ميزان الحكمه ، دارالحديث ، قم ۱۴۱۶ هـ . ق
- سلار ، المراسم العلويه ، چاپ امير ، قم
- سيد حسيني ، سيد صادق ، مدارا بين مذاهب ، موسسه بوستان كتاب ، قم ۱۳۸۳ هـ . ش
- السيوطي ، جلال الدين ، الحاوي للفتاوى ، المكتبة الاسلاميه ، بيروت
- شافعي ، كمال الدين محمد ، مطالب السنول في مناقب آل الرسول
- شرف الدين الحسيني ، تاويل الآيات ، مدرسة الامام المهدي ، قم ۱۳۶۶ هـ ش
- شعراني ، عبدالوهاب ، اليواقيت والجواهر ، مطبعة ازهرية ، مصر ، ۱۳۰ هـ . ق
- شهيد اول ، محمد ، الدروس الشرعية ، انتشارات صادقي ، قم
- شيخ طوسي ، تهذيب الاحكام ، دار الكتب الاسلاميه ، چاپ چهارم ف تهران ۱۳۶۵ هـ . ش
- الصافي ، لطف الله ، منتخب الاثر ، چاپ سلمان فارسي ، قم ۱۴۲۲ هـ . ق
- الصبان ، محمد ، اسعاف الراغبين
- صدوق ، كمال الدين ، مؤسسة النشر الاسلامي ، قم سال ۱۴۰۵ هـ . ق
- صدوق ، محمد ، علل الترايع ، المكتبة الحيدريه ، النجف
- الصنعاني ، عبدالرزاق ، المصنف ، المكتبة الاسلاميه ، بيروت



- الطبرسي ، اعلام الوري باعلام المهدي ، موسسه آل البيت ، قم ١٤١٧ هـ . ق
- الطبري ، فضل ، مجمع البيان ، احياء التراث العربي ، بيروت
- الطوسي ، حسن ، كتاب الغيبة ، مكتبة نينوى ، قم
- الطيالسي ، سليمان ، مسند الطيالسي ، دارالمعرفة ، بيروت
- عياشي ، محمد ، تفسير العياشي ، المكتبة العلمية الاسلاميه ، تهران
- القندوزي ، ينايع الموده ، دارالاسوة للطباعة والنشر سال ١٤١٦ هـ . ق
- كتاب سليم بن قيس الكوفي ، دارالفنون ، بيروت
- الكليني ، محمد ، الكافي ، دارالكتب الاسلاميه ، چاپ پنجم تهران ، ١٣٣٦ هـ . ش
- الكوراني ، علي ، معجم الاحاديث الامام المهدي ، موسسه المعارف الاسلاميه قم ٤١١ هـ . ق
- المبارالكفوري ، تحفة الاحوذى ، دارالكتب العلميه ، بيروت ١٤١٠ هـ . ق
- المتقى الهندي ، كنز العمال ، موسسه الرساله ، بيروت ٤٠٩ هـ . ق
- مجلسي ، محمد باقر ، بحار الانوار ، موسسه الوفاء ، چاپ دوم ، بيروت ١٤٠٣ هـ . ق
- محسن امين ، اعيان الشيعة ، دارالتعاريف للمطبوعات ، بيروت
- محقق كركي ، رسايل ، مكتبه آية الله العظمى مرعشى نجفى ، قم
- مركز الرسالته ، المهدي المنتظر فى الفكر الاسلامى ، مركز الرسالته ، قم ١٤١٧ هـ . ق
- مسعودى ، على التنبية والاشراف
- مسعودى ، على ، مروج الذهب
- مسلم النيشابورى ، صحيح مسلم ، دارالفكر ، بيروت
- مطهرى ، مرتضى ، بررسى اجمالى نهضت هاى اسلامى در صد ساله اخير ، انتشارات صدرا

١٤١٧ هـ . ق

- مطهرى ، مرتضى ، مجموعه آثار ، انتشارات صدرا ، چاپ نهم ، قم ١٣٧٩ هـ . ش
- المقدم ، محمد احمد اسماعيل ، المهدي و فقه اشراط الساعة ، دارالعالميه ، مصر ١٤٢٣ هـ . ق
- مكارم شيرازى ، ناصر ، تفسير نمونه
- نعماني ، محمد ، الغيبة ؛ انوار المهدي ، قم سال ١٤٢٢ هـ . ق
- نعيم بن حماد المروزى ، كتاب الفتن ، دارالفكر للطباعة والنشر و التوزيع ، بيروت سال ١٤١٤ هـ . ق
- النمازى شاهرودى ، مستدرک سيفنه البحار ، موسسه النشر الاسلامى ، قم ١٤١٩ هـ . ق

واعظ زاده خراسانی ، محمد ، رساله التقریب ، العدد الثانی عشر  
 هاشمی شهیدی ، سید اسد الله ، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ومذاهب و ملل جهان ،  
 مسجد مقدس جمکران ، قم ۱۳۸۰ هـ . ش  
 الهیثمی، نورالدین علی ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، دارالکتاب العربی بیروت  
 البحرانی ، الحدائق الناضرة ، جامعه مدرسین ، قم  
 طباطبائی، سید محمد، نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین ، چاپ قم  
 حکیمی، محمد رضا، بیدادگران اقالیم قبله، انتشارات دلیل ما، چاپ چهارم ، قم ۱۳۸۳ هـ . ش  
 الطبران ، معجم الکبیر ، دار احیاء التراث العربی ، چاپ دوم ، ۱۴۰۶ هـ . ق  
 علی ابن بابویه، فقه الرضا، المؤتمر العالی الامام الرضا ، مشهد ۱۴۰۶ هـ . ق